

جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه

از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

سرکوب، مقاومت، جنگ، آموزش به زبان مادری و

روابط با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)

رابرت السن

ترجمه‌ی هاشم کرمی

جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

سرکوب، مقاومت، جنگ، آموزش به زبان مادری و روابط با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)

رابرت اُلسن

ترجمه‌ی هاشم کرمی

پانیذ

۱۳۹۲

نشر پانیذ

جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

رابرت اُلسن

ترجمه‌ی: هاشم کرمی

نوبت اول ۱۳۹۲

شمارگان ۲۰۰۰

لیتوگرافی باختر

چاپ دالاهو

تهران خیابان انقلاب خیابان ابوریحان نبش خیابان وحید نظری پلاک ۲۶

۲۲۱۹۰۹۵۱-۶۶۴۱۵۹۸۲

nashrepaniz@hotmail.com

قیمت : ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۷۹-۷۱۰۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-7105-79-8

مرکز پخش: سنندج کتاب میدیا ۰۸۷۱۲۲۲۸۳۲۷

تقدیم به مردم کُرد که هویت و نژادشان دیگر به عنوان "مسئله"، "مشکل" یا "قضیه" مطرح نیست، بلکه اعتماد به نفس بیشتری برایشان به همراه خواهد داشت.

((پروفسور رابرت اُلسن))

تقدیم به مردمان سرزمین مادری‌ام.

((هاشم کرمی))

فهرست مطالب

سپاسگزاری

خداوند را شاکرم که عمر ترجمه‌ی این اثر را به من بخشید. از همراهی یار صبورم، پگاه، و روحیه‌بخشی فرزند دلبندم، آریا، ممنونم. از پدر گرامی‌ام محمد کرمی و مادر عزیزم گلاویژ علیزاده بخاطر زحماتی که در پرورش من متحمل شده‌اند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر گام کوچکی برای خرسندی آنها از فرزندشان باشد. همچنین، از کمک و حمایت پدرم برای نشر این اثر بسیار متشکرم، بی شک بدون همراهی ایشان این کار سختی‌های دوچندانی داشت.

از جناب آقای احمد کامرون جباری، مدیر انتشارات مزدا و حامی بزرگ‌منش مجموعه‌ی مطالعات کُردی در ایالات متحده کمال تشکر را دارم که من را از اعتماد خود بهره‌مند ساخت و به عنوان مترجم رسمی کتاب‌های مجموعه‌ی تحت حمایت خود پذیرفت. همچنین، از جناب پروفسور رابرت اُلسن سپاسگزارم که با گشاده‌رویی شاگردش را در تهیه و ترجمه‌ی این اثر یاری نمود. بدون شک ایشان یکی از بزرگانی هستند که در حافظه‌ی تاریخ کُرد ماندگار خواهند شد. از جناب آقای حاتم علیمرادی مدیر انتشارات پانیذ که با روی باز و صمیمیتی بی‌نظیر چاپ و نشر این کتاب را به سرانجام رساندند بسیار متشکر و سپاسگزارم.

از خانم خاطره سلیمانی نیز بسیار متشکرم که کار ویرایش این اثر را با گشاده‌رویی پذیرفت. بدون شک دست‌نوشته‌های ترجمه‌ی این اثر بدون همت ایشان ناهمواری‌هایی را در بر داشت. بدیهی است که نواقص احتمالی نوشتار برآمده از دستکاری‌های مجدد اینجانب می‌باشد.

در پایان، یاد و خاطره زنده یاد دکتر ابراهیم یونسی، مترجم نامدار کُرد را گرامی می‌دارم. امیدوارم ما فرزندان نسل جدید بتوانیم راه این بزرگواران را ادامه دهیم. دیدن این مرد بزرگ از آرزوهای قلبی من بود.

یادداشت مترجم

با توجه به پیوندهای روزافزون سیاست کُردی در ترکیه و سیاست کُردی در عراق، برای توضیح این سیاست در خاورمیانه لازم است روابط کردهای ترکیه و عراق و اثرات متقابل آنها بر یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد.

کردهای عراق پس از این‌که کشورشان در سال ۲۰۰۳ مورد حمله‌ای تحت رهبری ایالات متحده قرارگرفت، به عنوان بازیگر جدید خاورمیانه و متحد جدید ایالات متحده نمود بیشتری یافتند. پس از به رسمیت شناخته شدن منطقه‌ی خودمختار کردها در قانون اساسی عراق، آنها رسمیت بین‌المللی نیز پیدا کردند؛ این برای اولین بار بود که کردها دارای نهاد سیاسی مورد پذیرش در سطح بین‌المللی می‌شدند. تلاش و مبارزه‌ی کردها برای تعیین سرنوشتشان پس از جنگ جهانی اول، در قالب حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نمایان شد. هم اکنون KRG به عنوان بازیگری فعال در عرصه‌ی سیاست منطقه‌ی خاورمیانه عمل می‌کند. این حکومت منطقه‌ای نه مانند ایالتی از یک کشور فدرال، بلکه چون کشوری نیمه مستقل در مذاکرات بین‌المللی وارد می‌شود.

امتیازات و مزایایی که کردهای عراق در قالب KRG بدان دست یافتند به الگوی سیاسی کردهای ترکیه تبدیل شد و آنها نیز بخصوص

پس از سال ۲۰۰۳ تلاش خود را برای نیل به حقوق سیاسی و فرهنگی بیشتر کرده‌اند. کردهای ترکیه پس از جنگ جهانی اول، برای اولین بار با تشکیل حزب کارگران کردستان (PKK) شورش‌های کوتاه مدت طی پنج دهه‌ی گذشته را به جنگ داخلی سختی با دولت ترکیه تبدیل کردند که خسارات سنگینی برای هر دو طرف به همراه داشته است. آنها برخلاف شورش‌های چند ماهه قبل این بار توانسته‌اند برای بیش از سه دهه آتش میدان نبرد را همچنان روشن نگه دارند. پس از سال ۲۰۰۳ و تغییراتی که در خاورمیانه روی داد کردهای ترکیه نیز درصدد استفاده از ابعاد قدرت نرم برآمدند و با تشکیل سازمان‌های مدنی و احزاب سیاسی با گرایشات متفاوت، دولت ترکیه را از جوانب سیاسی مختلف تحت فشار قرار دادند.

درس‌های تاریخی که کردهای ترکیه از تجربه‌ی فعالیت سیاسی کردهای عراق می‌آموزند در نیل آنها به مقصود نقش مهمی ایفا خواهد کرد. کردهای عراق پس از دهه‌ها مبارزه‌ی سیاسی، متوجه کاستی‌های بنیادین در خط مشی خود شده‌اند و از این رو، حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برای جبران کمبودهای ریشه‌دار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی درصدد تقویت روابط با کشورهای پیشرفته برآمده است. حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) در زمینه‌ی اقتصادی با پیگیری سیاست بازار آزاد و گسترش روابط تجاری با

همه‌ی بازیگران سیاسی بین‌المللی درصدد جبران کمبودهای اقتصادی برآمده و به نظر می‌رسد سیاست‌مداران کُرد عراق در پی الگوبرداری از دُبی هستند و می‌خواهند کردستان عراق را به مرکزی تجاری در منطقه تبدیل کنند. هم اکنون KRG فارغ از کسب ۱۳ درصد کل درآمدهای نفت عراق که بیش از ۱۰ میلیارد دلار است، از تجارت مرزی با ترکیه، ایران، سوریه و ترانزیت سوخت عراق درآمد قابل ملاحظه‌ای کسب می‌کند. سرمایه‌گذاری بیش از ۱۳ میلیارد دلار بین سالهای ۲۰۰۶-۲۰۱۰ در زمینه‌های رفاهی و اقتصادی مختلف نشانه‌ی تلاش کردهای عراق برای جبران عقب ماندگی در زمینه‌ی زیربناها و صنایع بنیادین است. اردوغان در ۶ سپتامبر سال ۲۰۰۷ برای نشان دادن همت دولتش برای فقرزدایی از جنوب‌شرق ترکیه که محل سکونت حدود ۱۵ میلیون کُرد است اظهار داشت، دولت وی حدود ۴ میلیارد دلار در جنوب‌شرق سرمایه‌گذاری کرده است، یعنی سالانه کمتر از یک میلیارد دلار. مقایسه‌ی این حجم سرمایه‌گذاری برای ۱۵ میلیون نفر و سرمایه‌گذاری ۱۳ میلیارد دلار در ۴ سال برای کمتر از ۵ میلیون نفر (نه همه کردهای عراق بلکه کردهای KRG) چشم اندازی واضح از آینده‌ی اقتصادی کردهای ترکیه در مقایسه با کردهای عراق ترسیم می‌کند. حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برای تعامل بهتر با دیگر اقوام همسایه و ساکنین تحت حکومتش، در زمینه‌ی فرهنگی و سیاسی

نیز از الگوی تکثرگرایی فرهنگی و دموکراسی پیروی می‌کند. این حکومت برای تحکیم پیوند با کشورهای پیشرفته به جای زبان رسمی اول عراق، یعنی زبان عربی، بر آموزش زبان انگلیسی تأکید کرده است. امروزه، در تمام سطوح آموزشی از پیش دبستانی تا دانشگاه، از زبان‌های انگلیسی و کُردی استفاده می‌شود. به جرأت می‌توان گفت نسل بعدی کردهای عراق همان اندازه که با زبان ترکی آشنا هستند به زبان عربی آشنا خواهند بود که این امر به نوبه خود به جدایی هویتی بیشتر کردهای عراق از عراق عرب می انجامد.

در همان اوان سال‌های پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، کردهای ترکیه نیز همانند کردهای عراق، برای نیل به حقوق سیاسی خود به پا خاستند؛ اما با اعلام جهاد مسلمانان در برابر مسیحیان، کردهای ترکیه مطالبات قومی خود را در رده دوم اهمیت قرار دادند. آنها تنها به قول مصطفی کمال (آتاتورک) به کردها برای اعطای خودمختاری اکتفا نمودند و در کنار برادران مسلمان ترک نیروهای خارجی را از سرزمینشان بیرون راندند. ترک‌ها پس از آسودگی از نیروهای خارجی نیروهای نظامی خود را علیه کردها بسیج و از اعطای هرگونه خودمختاری یا حقوق فرهنگی و زبانی به کردها اعم از سنی و شیعه خودداری نمودند. قتل عام کردهای درسیم تنها نمونه‌ای از سرکوب کردها توسط نیروهای نظامی ترکیه است که

اخیراً در اقدامی نادر از سوی نخست‌وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان، مورد تأیید قرار گرفت. ترک‌ها که در زمان جنگ جهانی اول از احساسات مذهبی کردها برای مبارزه با نیروهای خارجی استفاده‌ی شایانی برده بودند، در جنگ داخلی نیز این تجارب را به خوبی بکار بستند؛ با آغاز قیام در هر نقطه از کردستان ترکیه، اگر قیام کنندگان شیعه بودند، کردهای سنی را برای سرکوب یا حداقل عدم اتحاد با آنها مجاب می‌کردند و بالعکس. در واقع، با بررسی قتل عام درسیم، شکست شیخ رضا و شیخ سعید پیران، بیشتر روشن می‌شود که دولت ترکیه چگونه با استفاده از مؤلفه‌ی اختلافات مذهبی بین کردها آنها را مدیریت کرده است.

طی سه دهه اخیر از سال ۱۹۸۰ به بعد، کردهای ترکیه با تشکیل حزب کارگران کردستان (PKK) و توسل به ایدئولوژی غیرمذهبی تا حدودی توانستند شکاف مذهبی شیعه و سنی بین کردها را برای مبارزه‌ی سیاسی پر کنند. همچنین، با توجه به فقیر شدن گروه گسترده‌ای از کردهای ترکیه، خط مشی جنگاورانه PKK با استقبال مواجه شد. کردهای ترکیه با استفاده از ایدئولوژی غیرمذهبی توانستند راهی بیابند که همگی، اعم از شیعه و سنی، کرمانجی و سورانی و زازا، سر یک میز بنشینند و عدم تفاهم ناشی از عدم شناخت یکدیگر را تا حدودی کمرنگ کنند. با این وجود، جامعه‌ی مذهبی کردهای

ترکیه نمی‌تواند بطور تمام عیار از یک ایدئولوژی غیرمذهبی حمایت و پشتیبانی کند و علت اصلی عدم فراگیر شدن قیام حزب کارگران کردستان در برابر دولت ترکیه را می‌توان در همین عامل جستجو کرد. در واقع، تغییرات چند سال اخیر در سیاست PKK نسبت به گرایشات مذهبی و تلاش برای عدم تلاقی با آن، ناشی از درک میزان مذهبی بودن کردهای ترکیه است. اما به هر حال، کردهای ترکیه توانستند با استفاده از ایدئولوژی چپ حزب مزبور در تعریف هویت کُردی خود بهتر عمل کنند و برخلاف گذشته این بار ناچار نبودند هویت قومی را بخاطر هویت دینی نادیده بگیرند.

کردهای ترکیه علاوه بر تعریف هویت خود، توانسته‌اند با توسل به مفاهیم دیگری چون جغرافیای کُردی و زبان کُردی از تعیین‌کنندگی عامل مذهب در امور سیاسی کردها بکاهند. استفاده از روش‌های جدید در مبارزه‌ی سیاسی مانند راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای، تشکیل احزاب سیاسی، سازمان‌های مدنی، NGOها و سازمان‌های فرهنگی و آموزشی، همگی نشانه‌ای از آشنایی بیشتر کردهای ترکیه با علم سیاست است. البته هنوز هم اندیشمندان و سیاستمداران کُرد ترکیه نتوانسته‌اند به راه‌حلی برای تعادل در بهره‌گیری از قدرت سخت و قدرت نرم دست یابند. پیدا نکردن راه‌حلی برای این امر مهم، مبارزات کردهای ترکیه برای نیل به حقوقشان را با مشکل مواجه

خواهد ساخت. کردهای ترکیه باید مانند کردهای عراق به این نتیجه برسند که مبارزه سیاسی ابعادی متفاوت و راه‌هایی متعدد دارد. امروزه، کردهای عراق از نیروی نظامی بازدارنده‌ای موسوم به پیشمرگه بهره می برند اما در کنار این قدرت سخت، برای استفاده از ابعاد قدرت نرم نیز تعداد بسیار زیادی سازمان مدنی ایجاد کرده‌اند. در صورتی که کردهای ترکیه نیز به این نتایج برسند، از یک طرف اتحاد درونی آنها تقویت می‌شود و از طرف دیگر میزان فشار بر دولت ترکیه نیز دو چندان خواهد شد. نتیجه‌ی اولیه‌ی این آگاهی سیاسی می‌تواند اتحاد بین کردهای ناسیونالیست جنگاور مانند PKK و کردهای ناسیونالیست غیرجنگاور باشد.

بعلاوه، کردهای ترکیه علاوه بر مسائل سیاسی با مشکلات عدیده‌ی اقتصادی نیز مواجه هستند که این خود به اهرم مهمی برای مهار آنان توسط دولت ترکیه تبدیل شده است. از طرفی، بیکاری، آمار بالای بیسوادی و فقر موجب استقبال کردهای ترکیه از خط مشی جنگ‌طلبانه در برابر دولت شده است، و از طرف دیگر، همین فقر و کم سوادی توانایی گسترش قیام را از آنها گرفته است. دولت ترکیه بویژه حزب عدالت و توسعه (AKP) به خوبی از این نقطه ضعف کردها بهره‌برداری و به هنگام انتخابات با توزیع مواد غذایی و سوخت بخشی از آرای کردها را جذب کرده است. البته، این ساده انگاری

خواهد بود که رأی دادن کردها به AKP به این مؤلفه محدود شود. برای جذب آراء کردها به AKP دلایل دیگری نیز می‌توان اشاره کرد از جمله: جاذبه‌های ایده‌ی مذهبی این حزب، کم بودن آگاهی کردها از حقوق سیاسی و فرهنگی خود، عدم جذابیت ایده‌های سکولار احزاب کُردی، و کمبود امکانات احزاب کُردی برای هزینه جهت جذب آراء.

علاوه بر استفاده از نقاط ضعف جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه مانند آنچه ذکر شد، دولت ترکیه طیف وسیعی از اقدامات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را نیز اعمال می‌کند. این اقدامات از مذاکره تا بازداشت و حبس سیاست‌مداران، بستن احزاب سیاسی و ترور اندیشمندان و فعالان سیاسی و مدنی را در بر می گیرد. در کنار این اقدامات، دولت ترکیه و بخصوص حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان از اختلافات مذهبی بین کردهای سنی و علوی استفاده می‌کنند. علاوه بر اختلاف بین دو مذهب سنی و شیعه، اختلاف بین تفاسیر سنی شافعی و سنی حنفی نیز از چشم سیاست‌مداران ترک دور نمانده است. قریب به اتفاق کردهای سنی ترکیه پیرو مذهب شافعی هستند، این مذهب را می‌توان متعادل و سازگارترین مذهب از بین مذاهب چهارگانه‌ی تسنن دانست که در برابر مذهب تشیع نیز معتقد به خشونت نیست. در نتیجه، اتحاد

کردهای سنی و علوی در ترکیه با رواج تفسیر شافعی از اسلام امکان پذیری بیشتری خواهد داشت. از این رو، دولت ترکیه و بخصوص حزب عدالت و توسعه با تلاش و اختصاص بودجه‌ای قابل ملاحظه درصدد چیره نمودن تفسیر حنفی از اسلام در میان کردهای ترکیه است. تلاش سازمان یافته برای تعیین امامان جمعه‌ی شهرهای مناطق کردنشین از میان پیروان مذهب حنفی نشانه بارزی از این سیاست دولت ترکیه است.

سرانجام سخن این‌که، به همان میزان که درک انسان از سیاست و ماهیت آن بیشتر می‌شود، می‌تواند دنیای اجتماعی بهتری برای خود بسازد. تاریخ کردها به خوبی نشان می‌دهد که آنها فارغ از همه‌ی مشکلاتی که داشته‌اند از یک چیز بیش از همه متضرر شده‌اند: "*ضعف در دانش سیاسی*". ضعف در سیاست، هرگونه توانایی و استعداد سرزمینی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز از بین می برد؛ از آنجا که سیاست برای اداره‌ی امور اجتماعی بشر است و انسان نیز موجودی اجتماعی است، لاجرم باید سیاست بیاموزد. سیاست دانشی برای یادگیری چگونگی همکاری و منازعه برای نیل به هدف است. عدم تعادل در همکاری و منازعه، نیل به هدف را با مشکل و چه بسا شکست مواجه می سازد. حتی امروزه نیز کم نیستند سیاست‌مدارانی که سیاست را در جنگ یا دیپلماسی خلاصه می‌کنند. اما در واقع، به

قول کارل فون کلاوزویتس، "جنگ دنباله سیاست است از طریقی دیگر، و سیاست نیز دنباله جنگ است از طریقی دیگر". موفقیت سیاسی در گرو تشخیص این مسئله است که چه زمانی، از چه راهی، با چه طرفی، برای چه مدت و به چه هدفی با دیگر بازیگران سیاسی به همکاری یا منازعه پرداخته شود. ظرافت تصمیم‌گیری سیاسی در پاسخ به این سؤالات است و هر سیاست‌مداری که در پاسخ به آنها زیرک‌تر عمل کند موفقیت سیاسی بیشتری کسب خواهد کرد.

از آنجا که سیاست‌ورزی امری مداوم و مربوط به اجتماع بشری است، نتایج اقدامات سیاسی نیز با گذشت زمان آشکار می‌شوند و همین قاعده‌ی مهم در سیاست‌ورزی باعث می‌شود سیاست‌مداران خبره هیچ وقت از سیاست‌ورزی ناامید نشوند چرا که می دانند سیاست یعنی امکان پذیری و سیاست‌ورزی یعنی هنری برای ممکن نمودن.

هاشم کرمی

کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه

۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ – اهواز

Hashem.Karami1@Gmail.com

مقدمه

این کتاب بطور ویژه به بررسی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه می‌پردازد. دامنه تحقیق از سال‌های دهه ۱۹۸۰ شروع می‌شود، در این سال‌ها درگیری بین دولت ترکیه و کردها، بویژه حزب کارگران کردستان (PKK) اثر قابل ملاحظه‌ای بر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در عراق گذاشته بود. ایجاد "منطقه‌ی امن" برای کردها در شمال مدار ۳۶ درجه شمالی توسط امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، و فرانسوی‌ها در خلال جنگ، در اصل به دستور تورگوت اوزال، رئیس جمهوری ترکیه صورت گرفت چرا که وی نگران هجوم خیل کردهای عراق به داخل ترکیه بود. از زمان ایجاد "منطقه‌ی امن" در سال ۱۹۹۱ و نیرویی که به تقویت ناسیونالیسم کُردی در عراق و ترکیه بخشید، تنظیمات سیاسی آینده دو کشور حتی در هم پیچیده‌تر و نزدیک‌تر هم شد. در ۱۹۹۲ "منطقه‌ی امن" هسته‌ی حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) شد و در زمان اولین قانون اساسی پس از جنگ در ۲۰۰۵، KRG به قوی‌ترین نهاد سیاسی کُردی خاورمیانه پس از قرون وسطی تبدیل شد. اگر چه دولت مستقلی به نام جمهوری مهاباد در اواخر ۱۹۴۵ تأسیس شد اما این دولت تا دسامبر ۱۹۴۶ دوام آورد و هیچ گاه نتوانست قدرت یا رسمیت بین‌المللی KRG را کسب کند.

ایجاد "منطقه‌ی امن" برای کردها در شمال عراق در سال‌های دهه ۱۹۹۰ مانع حمله مداوم نیروهای مسلح ترکیه (TAF) به شمال عراق نشد. حملات هوایی گسترده همزمان با حملات زمینی تا اواخر ۲۰۰۷ و اوایل ۲۰۰۸ علیه PKK ادامه یافت. به دلیل جنگ بین ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰)، نه بغداد و نه تهران نمی‌توانستند حمله نظامی قابل ملاحظه‌ای علیه PKK و پایگاه‌هایش در کوه‌های قندیل صورت دهند؛ در واقع، اکثر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی عراق طی جنگ در کنار ایران بودند. حکومت بغداد از تهاجم ترکیه خرسند بود چرا که نمی‌توانست امنیت منطقه را خودش تأمین کند.

جنگ ایران-عراق از مواردی بود که سبب گرفتاری جنبش‌های ناسیونالیستی ترکیه و عراق شد. در اواخر ۲۰۱۰ ترکیه، عراق و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی دو کشور بطور ناگشودنی به هم پیچیده شدند. در ۱۹۹۱ پس از اولین جنگ به رهبری ایالات متحده علیه عراق یا حتی پس از دومین جنگ نیز معلوم نبود که کردهای عراق می‌توانند به دولت دوفاکتویی در شمال عراق دست یابند؛ همچنین، معلوم نبود کردهای ترکیه به مطالبات خودمختاری دموکراتیک در مناطق اکثراً کردنشین دست یابند؛ از این رو، پایان ۲۰۱۰ به تقویت غیرقابل تصور و غیرقابل پیش‌بینی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی سراسر خاورمیانه منتهی شد.

در این تحقیق به پیشرفت‌های بین سال‌های ۱۹۹۱ – ۲۰۱۰ می‌پردازم که سبب بی‌معنی و منسوخ شدن اصطلاحات "مسئله کُردی"، "مشکل کُردی" و "قضیه کُردی" شدند. این اصطلاحات توسط اغلب دانشگاهیان و تحلیل‌گرانی که با تاریخ و سیاست کردها سر و کار دارند بکار برده می‌شود. عبارات "مسئله"، "مشکل" یا "قضیه" به بیان بخش‌هایی از انواع سیاست‌ها، ابزارهای اجبار و نیروهای مسلحی اشاره دارند که کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه برای سرکوب، فرونشانی و از بین بردن مقاومت جنبش‌های مختلف ناسیونالیستی کُردی که طی قرون نوزدهم و بیستم و همچنین دهه اول قرن ۲۱روی داده، استفاده کرده‌اند.

در سراسر دامنه‌ی ۳۰ ساله‌ی تحقیق، هر چهار دولت بخصوص ترکیه و عراق تقریباً از هر نیروی امکان پذیر قابل تصوری برای از بین بردن جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی استفاده کرده‌اند. این شامل عملیات‌های پاک‌سازی قومی در هر دو کشور هم می‌شود. در حالی که پاک‌سازی قومی، شامل استفاده از حملات شیمیایی رژیم بعثی عراق در نتیجه حمله شیمیایی به شهر کردنشین حلبچه در مارس ۱۹۸۸ کاملاً شناخته شده است، اما عملیات‌های پاک‌سازی قومی ترکیه علیه کردها، بویژه پس از شروع درگیری مسلحانه پس از ۱۹۸۴ کمتر شناخته شده است. نه متحدین اروپایی و نه امریکایی ترکیه تمایلی به

انتشار عمومی اخبار لشکرکشی بی‌رحمانه‌ی متحدشان در ناتو علیه کردها در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و دهه اول قرن ۲۱ نداشتند. طی این دوره زمانی، اگر چه برخی سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) و دیگر سازمان‌ها در اروپا با کردها موافق بودند اما هم کشورهای اروپایی و هم ایالات متحده، حزب کارگران کردستان (PKK) را سازمان تروریستی اعلام کردند.

عملیات‌های پاک‌سازی قومی نیروهای مسلح ترکیه با تأکید نهادهای حکومتی منجر به ریختن خون کردها در خانه و کاشانه‌هایشان طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ شد و این وضعیت در اولین سال‌های دهه‌ی ۲۰۰۰ نیز ادامه داشت.

برآورد شده بیش از ۳ میلیون کُرد مجبور به فرار یا مهاجرت به شهرهای بزرگ شرق و جنوب‌شرقی ترکیه و همچنین مهاجرت به شهرهای بزرگی مانند استانبول، ازمیر و آنکارا یا شهرهای کناره دریای مدیترانه از آدنا تا مرسین و آنتالیا شده‌اند.

کشمکش‌های گسترده و مسلحانه‌ی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ایران در اواسط دهه ۱۹۸۰ تا حدی فرونشسته بود. اما موفقیت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در عراق پس از ایجاد منطقه‌ی امن در شمال عراق در سال ۱۹۹۱، تأسیس حکومت منطقه‌ای

کردستان در ۱۹۹۲، دست یافتن به امنیت برای منطقه‌شان پس از جنگ ایالات متحده علیه عراق و تصرف آن در ۲۰۰۳ و رسمیت یافتن بین‌المللی و پذیرش توسط حکومت بغداد و ارائه تضمین‌های قانونی به کردها در قانون اساسی ۲۰۰۵ سبب تقویت مطالبات کردها در کشورهای همسایه جهت کسب حقوق سیاسی و انسانی، فرهنگی و زبانی بویژه مطالبه‌ی خودمختاری سیاسی شد. در اواخر سال ۲۰۱۰، مقاومت و مطالبات کردها در سوریه بزرگ‌ترین چالش برای رژیم بشاراسد بود و این مسئله مزید بر چالش‌هایی شد که رژیم دمشق بخاطر روابط با حزب ا... و حماس، با لبنان و اسرائیل داشت.

همان گونه که ذکر شد، اصطلاحات "مسئله کُردی"، "مشکل کُردی"، "قضیه کُردی" و در مورد ترکیه "مسئله شرقی" توسط دانشگاهیان و تحلیل‌گران تاریخ و سیاست خاورمیانه برای اشاره به سیاست‌ها، روش‌ها و ابزارهای اجبار مخصوصاً نیروی نظامی و اعمال توطئه‌گرانه برای شکست جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی و هرگونه مقاومت آنها بکار می رود. مسئله، مشکل یا قضیه کُردی این سوالات را برانگیخت که این حکومت‌ها چه سیاست‌ها، روش‌ها و ابزارهایی برای مدیریت مقاومت و مطالبات کردها در مورد حقوق سیاسی و فرهنگی‌شان بکار می‌برند به گونه‌ای که در نظر مقامات حکومتی و

دولتی هیچ چالشی به نهادهای حاکم دولت، نخبگان سیاست‌گذار و تصوراتشان از حاکمیت موجود، مشروعیت و اصول حکومتی دولت وارد نیاید.

تأکید دانشگاهیان و تحلیلگران طی بیشتر سال‌های قرن بیستم بر دولت بوده نه افکار و معانی، موضع‌های متقابل، مطالبات حقوقی یا گروه‌های قومی یا مذهبی مخالف. اصطلاحات "مسئله"، "مشکل"، "قضیه" کلماتی دولت محور بودند که در اصل به سیاست‌ها و ابزارهایی دلالت داشتند که ترکیه، عراق، ایران و سوریه به منظور مدیریت چالش‌های مطرح شده در این کلمات و اصطلاحات بکار می‌بردند.[1] اصطلاح "مسئله کُردی" بطور کلی دارای بار منفی ذهنی برای اشاره به احتمال دستیابی کردها به حقوق و مطالباتشان است.

در نتیجه جنگ ۱۹۹۱ به رهبری ایالات متحده علیه عراق، ایجاد منطقه‌ی امن برای کردها در شمال عراق، نابودی رژیم بعث و تقویت رو به رشد کردها در عراق و کسب حقوق اساسی به رسمیت شناخته

---

[1] در مورد معنای اصطلاح "مدیریت" در متن کتاب *خون، باورها و برگه‌های رأی: مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه* بیشتر توضیح داده‌ام. مترجم: نسخه انگلیسی کتاب مزبور تحت عنوان Blood, Beliefs and Ballots: The Management of Kurdish Nationalism in Turkey ۲۰۰۷-۲۰۰۹ توسط انتشارات مزدا (Mazda Pub) و با حمایت دکتر احمد کامرون جباری چاپ شد. این کتاب در ایران تحت عنوان فوق در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات پانیذ به چاپ رسید.

شده در سطح بین‌المللی و تصریح برابری در قانون اساسی، استدلال می‌کنم کاربرد اصطلاح "مسئله کُردی" دیگر برای توصیف موقعیت کردها در عراق و ترکیه مفید نخواهد بود، با این حال در مورد ایران و سوریه کمتر این‌گونه است. اصطلاح مزبور باید با اصطلاحاتی چون "چالش کُردی"، "موضوع کُردی"، "سیاست کُردی" و اصطلاحاتی این چنین جایگزین شود. استفاده از چنان کلمات و اصطلاحاتی سبب نادیده شدن تغییرات بزرگی می‌شود که در روابط بین کردها، ترک‌ها، ایرانیان و سوری‌ها طی ۳۰ سال گذشته روی داده است. با این حال، در این تحقیق به استفاده از اصطلاح "مسئله کُردی" ادامه خواهم داد چرا که خوانندگان با معنی آن بیشتر آشنا هستند.

وقتی به این اندیشیدم چگونه عصاره دیدگاه‌ها و تفاسیرم را به بهترین نحو در تحقیق بیاورم، برایم روشن شد که زمینه‌های مهم کشمکش جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه طی ۳۰ سال گذشته با سه جنبه مهم روابط میان دولت، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، احزاب سیاسی بویژه دو یا سه حزب برتر حکومت در هر زمان معین، حزب کارگران کردستان (PKK) و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی بطور کلی سرو کار داشته‌اند.

اولین زمینه مهمی که در کانون بررسی قرار می‌گیرد تلاش‌های حکومت، دولت و TAF برای شکست PKK و حامیان آن به هر طریق

ممکن است که شامل کشتن آنها در درگیری‌های مسلحانه، ترور، زندانی،شکنجه، توقیف، بازداشت و دیگر اشکال بی‌شمار تهدید و ارعاب می‌شود. این تلاش‌ها برای شکست جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در همه ابعاد و جوانب، بستن همه احزاب سیاسی سازماندهی شده یا احزابی نیز که گمان می‌رفت به هدف مطالبه حقوق سیاسی یا فرهنگی و زبانی کُردی سازماندهی می‌شوند صورت می‌گرفت. دولت و حکومت‌های مختلف تلاش‌های نامشروع مخفیانه‌ی زیادی برای از بین بردن سازمان‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی انجام دادند. در انجام این تلاش‌ها نظامیان فعال و بازنشسته، پلیس، سازمان‌های اطلاعاتی، نهادهای قضایی و آموزشی در کنار دیگر عوامل فعالیت می‌کردند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ عملیات‌های این "دولت پشت پرده" پس از اقامه دعوی دادستان‌های دولت بیشتر و کامل‌تر فاش شدند. یکی از معروف‌ترین این سازمان‌ها ارگنکون بود که بعداً به آن خواهم پرداخت. ارگنکون سازمان سرّی مشهوری بود که چه بسا مورد تأیید دولت، حکومت‌ها، احزاب سیاسی، نیروهای مسلح ترکیه و سازمان‌های اطلاعاتی نیز بود.

وجود ارگنکون و فعالیت‌هایش نشان‌دهنده حوزه گسترده‌ای بود که اعضای آن برای شکست جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی درصدد انجامش بودند. در واقع، پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و

توسعه (AKP) در نوامبر ۲۰۰۲، ارگنکون عملیات‌هایی برای بی‌نتیجه کردن برنامه‌ها و سیاست‌های AKP و پایین کشیدن این حزب از مسند قدرت انجام داد.

دومین زمینه مهمی که این تحقیق مورد بحث قرار می‌دهد قضیهٔ زبان و حق کردها برای مورد آموزش قرار گرفتن با زبان مادری خودشان است. در اواخر ۲۰۱۰ قضیه حق آموزش به زبان مادری در کانون توجه مطالبات سیاسی کردها قرار گرفت. از این‌رو، بطور ویژه به این دو زمینه مهم نیز خواهم پرداخت یعنی مبارزه مسلحانه، عملیات‌های نامشروع سرّی (ارگنکون)، مسئله زبان و این‌که چگونه جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه را تحت تأثیر قرار داده‌اند بررسی خواهم کرد.

سومین زمینه‌ای که پس از ۱۹۹۵ بیشتر اهمیت یافت روابط بین ترکیه و حکومت منطقه‌ای کردستان در عراق بود. این روابط پس از حمله و تصرف عراق در ۲۰۰۳ قوی‌تر هم شد زیرا در پایان سال ۲۰۱۰ شاهد یک منطقه کُردی خودمختار قوی در شمال عراق هستیم که در بسیاری ابعاد تقریباً از حکومت بغداد مستقل است.

فصل ۱

سرکوب، جنگ، مقاومت، آموزش به زبان مادری، خودمختاری دموکراتیک و روابط با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)

اصلی‌ترین کشمکش بین ترکیه و کردها از سال ۱۹۸۴، درگیری نظامی با حزب کارگران کردستان (پارتیا کارکرین کوردستان) بوده که با مخفف کُردی‌اش – یعنی PKK- شناخته شده است. PKK در نوامبر ۱۹۸۴ توسط عبدالله اوجالان و تنی چند از دوستانش تأسیس شد. در اولین سال‌هایی که بوجود آمد از ایدئولوژی سوسیالیسم انقلابی و ناسیونالیسم کُردی حمایت کرد، و در اوایل دهه ۱۹۹۰ به منظور افزایش جذابیت ایدئولوژی‌اش برای جوانان کرد ترکیه و بویژه سوریه که خاستگاه‌شان خانواده‌های روستایی سنتی بود به سازگاری بیشتر با مذهب روی آورد. اوجالان و حامیان وی چپ ترکیه را ترک کردند. بسیاری از ترک‌های جنبش چپ به اندازه جنبش‌های راست، متعصب و نژادپرست بودند. ایدئولوژی PKK نیز برای اولین نسل کردها جذاب بود چرا که بسیاری از آنها در دانشگاه‌های مناطق غربی ترکیه تحصیل‌کرده بودند و در آنجا به نابرابری فاحش در

استانداردهای زندگی غرب ترکیه با جنوب‌شرق که خود از آنجا آمده بودند آگاه شدند.

مارتین وان بروئن‌سن که پیشرفت‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی را در سراسر خاورمیانه دنبال می‌کند، در آن زمان متذکر شد که، " PKK تنها سازمانی بود که اعضایش متعلق به پائین‌ترین طبقات اجتماعی بودند؛ آنها جوانان فقیر و نیمه تحصیل کرده روستا و شهرهای کوچک بودند که سرکوب را حس کرده و خواستار عمل بودند نه مهارت و کمال ایدئولوژیک."[۱] وی خاطرنشان ساخت: "جوانانی که به حزب کارگران کردستان (PKK) پیوسته‌اند، نماینده حاشیه‌ای‌ترین بخش‌های جامعه کُردی، و قربانیان تغییر شکل روستا با انتظارات بی نتیجه بودند."[۲] وان بروئن‌سن گفت: "اوجالان به آنها نظریه ساده و مناسب و گزینه‌های زیادی برای عمل، قهرمانی و شهادت ارائه کرد."[۳] همه این موارد نیز در ۳۰ سال آتی به وفور دیده شدند. روش‌های بیرحمانه و وسیعی که نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MİT)، ژاندارمری و پلیس ملی پس از

---

[۱] Martin Van Bruinessen, "Between Guerrilla War and Political Murder: The Workers Party of Kurdistan," *Middle East Report*, No. ۱۵۳ (July-August, ۱۹۸۸), ۴۲.

[۲] همان.

[۳] همان.

کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه کردها بکار بردند نقش شایانی در برجسته و منظم کردن صفوف حزب کارگران کردستان (PKK) داشت. شش ماه پس از کودتا، ژنرال کنعال اورن، رهبر کودتا که رئیس وقت ستاد مشترک بود و بعداً رئیس جمهور ترکیه شد (۱۹۹۰-۱۹۸۳) آماری ارائه کرد مبنی بر این‌که در ۳۱ مارس، یعنی تنها پس از شش ماه از وقوع کودتا، ارتش حدود ۲۰۰۰۰ مظنون را توقیف و محاکمه کرده بود. ۱۵۰۰۰ نفر از آنها متهم به "عضویت در سازمان‌های تروریستی چپ‌گرا" شده بودند[1]، ۳۱۷۷ نفر از آنان به "فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه" متهم شدند که همه آنها کُرد نبودند بلکه برخی از اعضای دیگر سازمان‌های چپ‌گرا و مارکسیستی را نیز دربرمی‌گرفتند. اما ۱۷۹۰ نفر مظنون به عضویت در حزب کارگران کردستان (PKK) بودند؛ PKK متهم بود که به عنوان سازمانی تجزیه‌طلب "با نبرد مسلحانه درصدد برپایی دولتی مارکسیستی‌لنینیستی در شرق و جنوب‌شرق ترکیه" است.[2] بنا به برخی گزارش‌ها، سال ۱۹۹۱ بیش از ۲۰۰۰ نفر از اعضای منتسب به PKK در زندان بسر می‌بردند، در حالی که ۴۴۷ نفر از آنها محاکمه و به "شرارت

---

[1] Michael Gunter, *The Kurds in Turkey: A Political Dilemma* (Boulder, Colorado: Westview Press), ۶۷-۸.

[2] همان.

مسلحانه" برای "تجزیه" جنوب‌شرق ترکیه متهم شده بودند.[1] دادگاه اظهار داشت بنا به شواهد اعضای PKK، ۲۴۳ نفر را به قتل رسانده‌اند.

خاطر نشان می‌کنم سرکوب و اعمال فوری قانون علیه کردها پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ عامل شروع اقدام مسلحانه PKK علیه دولت در ۱۹۸۴ شد. خشم و نفرت کردها که بیشتر به قبل از ۱۹۸۰ برمی‌گردد، در نتیجه سرکوب پس از کودتا بیشتر شد و به همین دلیل PKK به این نتیجه رسید اقدام مسلحانه برای تقویت بیشتر جنبش لازم است[و اقدام کرد].

بنا به برآوردها تا سال ۲۰۰۰ حدود ۳۰۰۰۰ - ۳۵۰۰۰ نفر در نتیجه جنگ دولت و حزب کارگران کردستان (PKK) کشته شدند. اما ارقام ممکن است بالاتر هم باشد. ارطغرل ماوی اوغلو روزنامه‌نگار روزنامه معتبر *رادیکال* در مصاحبه‌ای به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰ با مراد کارایلان یکی از رهبران ارشد PKK نوشت بنا به آمار رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، فرماندهی ژاندارمری و پلیس ملی، از زمان اولین عملیات نظامی در آگوست ۱۹۸۴ تا مارس ۲۰۰۹، ۵۶۸۷ نفر شهروند کشته شده‌اند که برخی از آنها کُرد اما اکثراً ترک بودند. از پرسنل امنیتی شامل اعضای نیروهای مسلح، ۶۶۵۴ نفر و از افراد حزب کارگران کردستان (PKK) ۲۹۶۳۹ نفر کشته شده‌اند.

---

[1] همان.

منبعی دیگر برآورد کرد ۱۷۰۰۰ نفر توسط "جانیان ناشناس" کشته شده‌اند.[1] ارقام مزبور بر این دلالت دارند که بین سال‌های ۱۹۸۴ و ۲۰۰۹ بیش از ۵۳۰۰۰ نفر کشته شده‌اند. برآورد شده حدود ۲۵۰۰۰ نفر که، اکثراً کُرد بوده‌اند، ترور شده‌اند. PKK نیز ترک‌ها و بخصوص معلمان ترک جوانی را که برای تدریس به مناطق کردنشین فرستاده می‌شدند بیرحمانه کشته است. این کار PKK پیام واضحی بود مبنی بر این‌که آنها نمی‌خواهند سرکوبگران به بچه‌های کُرد زبان ترکی آموزش بدهند.

بیش از ۲ میلیون کُرد را مجبور به ترک خانه و زمین‌هایشان کرده‌اند؛ بسیاری از این افراد به شهرهای بزرگ شرق و جنوب‌شرق و بسیاری نیز به شهرهای غربی ترکیه گریخته یا مهاجرت کرده‌اند که این امر سبب افزایش تنش و دشمنی بین کردها و ترک‌ها شده است. بسیاری ترک‌های ساکن شهرهای غربی و جنوبی ترکیه با تعداد زیادی از کردها در میان خود مواجه شدند. فاصله فاحش در استانداردهای زندگی سبب افزایش تنش بین آنها شد.

انجام عملیات‌های پاکسازی قومی به روش‌های مختلف توسط نیروهای مسلح ترکیه (TAF) سبب دلسرد و بیگانه شدن کردها از ترکیه شد. سوزاندن مناطق وسیعی از جنگل‌ها فقط اعضای حزب

---

[1] *تاراف* (*Taraf*)، ۲۹ اکتبر ۲۰۱۰.

کارگران کردستان (PKK) یا کسانی که TAF فکر می‌کرد طرفدار PKK هستند را گریزان نکرد بلکه این کار سبب شد کشاورزان، دامداران و خانواده‌های آنها و دیگر مردم بی‌گناه نیز مجبور به ترک خانه و منطقه خود شوند. بسیاری از حیوانات منطقه کشته شدند، هدف از این کار مجبور نمودن مردم منطقه به عدم حمایت از PKK، عمل به عنوان مخبر یا پیوستن به شبه‌نظامیان طرفدار حکومت موسوم به نگهبانان روستا برای جنگ با PKK بود. بسیاری از کردها با حزب کارگران کردستان (PKK) و تاکتیک‌هایش مخالف بودند و ده‌ها هزار نفر از آنان به نگهبانان روستا ملحق شدند. در سال ۲۰۱۰ برآورد شد حدود ۷۰۰۰۰ کُرد هنوز عضو نظام نگهبانان روستا بودند. از این رو، جنگ داخلی بین کردها از ۱۹۸۵ به بعد، همانند جنگ دولت با حزب کارگران کردستان (PKK) ادامه داشته است.

نظام نگهبانان روستا و وحشی‌گری‌هایش

سزگین تانریکولو یکی از اولین وکلایی که از پرونده‌های کُردی بی‌شماری دفاع می‌کند، و چندین سال به عنوان رئیس کانون وکلای دیاربکر تا قبل از استعفاء در ۲۰۰۹ خدمت می‌کرد، نتایج پاکسازی قومی از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا سال‌های دهه ۲۰۰۰ را به خوبی ملاحظه و توضیح داد. عملیات‌های پاکسازی قومی نیروهای مسلح ترکیه (TAF)

و نفرت و خصومتی که در کردها بوجود آورد یکی از مهمترین دلایل حزب جامعه دموکراتیک (DTP) برای ارائه طرح خودمختاری کردهای جنوب‌شرق ترکیه در اکتبر ۲۰۰۸ (به پارلمان) بود. درخواست خودمختاری پس از آن دوره تا پایان سال ۲۰۱۰ به عنوان یکی از تفرقه‌اندازترین موضوعات بین کردها و دولت ادامه یافت. نظام نگهبانان روستا متشکل از کردها برای جنگ در کنار حکومت علیه حزب کارگران کردستان (PKK) از ۱۹۸۵ بوجود آمد. قانون نام آنرا نظام نگهبانان موقت روستا (VGS) گذاشت اما آنگونه که بعدها معلوم شد به هیچ‌وجه موقتی نبود. در پی تصمیم کابینه دولت در ۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ پایه‌گذاری VGS در شرق و جنوب‌شرق ترکیه آغاز شد.[۱] در اکتبر ۲۰۰۹ قانونی مبنی بر توزیع نگهبانان روستا در ۲۲ استان تصویب و اجرایی شد. تعداد کل نگهبانان روستا ۵۸۵۱۱ نفر بودکه توزیع آنها بدین قرار است: ۵۲۷۴ نفر در دیاربکر، ۶۸۳۵ نفر در شیرناک (شیرناخ)، ۲۹۴۳ نفر در باتمان، ۲۵۳۳ نفر در بینگول، ۳۳۶۰ نفر در ماردین، ۱۹۱۸ نفر در موش، ۴۶۸۰ نفر در سییرت، ۷۳۶۵ نفر در وان، ۷۶۴۳ نفر در حکّاری، ۳۸۶ نفر در تونجلی (درسیم)، ۱۵۱۰

---

[۱] ارقام و اظهارات فوق را از این مقاله برگرفته ام:

Sezgin Tanrikulu, "Democratic Opening: Law and Justice in the Kurdish Issue", *Güncel Hukuk* (contemporary Law Journal), October ۲۰۰۹.

نفر در آدی یامان، ۱۸۸۱ نفر در آگری، ۲۲۶۷ نفر در قهرمان ماراش، ۵۷۸ نفر در قارص، ۳۴ نفر در کیلیس، ۱۳۹۲ نفر در ملاطیه، ۹۶۶ نفر در شانلی اورفا. در ۲۰ مارس ۲۰۰۹ تعداد نگهبانان روستا به ۷۱۹۰۷ نفر رسید. تانریکولو بنا به "گزارش ویژه نقض حقوق بشر توسط نگهبانان روستا" در دوره ژوئیه ۱۹۹۹ تا مارس ۲۰۰۹ گفت ۱۶۱۳ مورد نقض حقوق بشر طی این دوره اتفاق افتاده است. ۳۸ مورد از موارد مزبور مربوط به سوزاندن روستا، ۱۴ مورد تخلیه اجباری روستا، ۱۲ مورد تجاوز به عنف و آزار، ۲۲ مورد آدم‌ربایی، ۲۹۴ مورد یورش مسلحانه، ۱۸۳ مورد قتل، ۲۵۹ مورد ضرب‌وجرح، ۲ مورد مفقودالاثر شدن اشخاص، ۵۰ مورد اعدام، ۷۰ مورد اخاذی، ۵۶۲ مورد شکنجه و سوءرفتار، ۵۹ مورد بازداشت–ظاهراً منظور در بازداشت پلیس نگه‌داشتن افراد دستگیر شده توسط نگهبانان روستاست–، ۹ مورد آتش زدن و سوزاندن جنگل‌ها بوده است.[۱] و قابل ذکر است که این آمارها فقط برای یک دوره کوتاه ده ساله است. تصور خرابکاری، ضرب‌وشتم و ترورهای صورت گرفته توسط نگهبانان روستا تحت حمایت نیروهای مسلح، سازمان‌های اطلاعاتی و پلیس ملی طی ۱۴ سال دیگر درگیری چندان مشکل نیست. آنچه در اینجا باید مورد تأکید قرار گیرد این است که ابعاد گسترده جنگ داخلی بین کردها،

---

[۱] همان.

یعنی حزب کارگران کردستان (PKK) و نگهبانان روستا طی تمام ۲۶سال درگیری و ستیز (از ۱۹۸۴) سبب ایجاد نفرت و خصومت میان کردها شده است. در برخی روستاها حتی قتل عام هم اتفاق افتاده است.[۱]

مصالحه بر سر جبران خسارات

یکی از قضایای اصلی اختلاف بین کردها و ترک‌ها مربوط به جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از پاک‌سازی قومی کردها از زمین‌ها، روستاها، مزارع و کشتزارهایشان است. تانریکولو برآورد کرد در مجموع ۳۴۲۴ مورد تخلیه زمین بالغ بر ده‌ها هزار هکتار صورت گرفته است. ترکیه فقط به دلیل امضای "برنامه ملی انطباقی با شرایط پذیرش در اتحادیه اروپا" در مارس ۲۰۰۱، با پرداخت خسارات موافقت کرده است؛ به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد انگیزه امضای چنان توافقنامه‌ای جلب رضایت اتحادیه اروپا برای پذیرش ترکیه به عنوان عضو کامل بوده است. پارلمان ترکیه در ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۴ قانون پرداخت چنان خساراتی را تحت عنوان "جبران خسارات ناشی از ترور و جنگ با ترور" تصویب کرد. این قانون تا ۱ مارس ۲۰۰۷

---

[۱] تانریکولو از روستایی به نام زانگرت (Zangırt) نام برد که در آنجا چنان قتل عامی اتفاق افتاده بود.

تمدید و پس از آن غیرفعال شد. اما بسیاری از قوانین مصوب طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ هیچ‌گاه عملی نشدند. از این‌رو، مالکیت زمین، خانه، ماشین‌آلات و دیگر وسایل منقول مهاجران در بسیاری موارد مورد مجادله بود. در اواخر دهه ۲۰۰۰ حکومت ترکیه برخی از مهاجران را به بازگشت ترغیب نمود، اما تا پایان سال ۲۰۱۰ تعداد زیادی از آنها برنگشته بودند.[۱] این کار برای آنها بسیار غم‌انگیز بود چرا که پس از بازگشت متوجه می‌شدند مزارع و خانه‌هایشان توسط اعضای گارد روستا و با تأیید نیروهای مسلح ترکیه و دولت تصرف شده است. گستردگی این پدیده سبب ادامه و حتی خصومت بیشتر کردها نسبت به دولت، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، ژاندارمری، سازمانهای اطلاعاتی و پلیس ملی شد. این امر سبب شد حزب کارگران کردستان (PKK)، احزاب سیاسی کُردی، سازمانها و NGOها و بخصوص مؤسسات تجاری و اقتصادی دیاربکر و دیگر شهرها و شهرک‌های جنوب‌شرق برای پرداختن به قضایا با موانع بیشتری مواجه شوند. علاوه بر تنش‌های قبلی و درگیری مسلحانه در ۲۰۰۷ گزارش‌هایی حاکی از وجود سازمان توطئه‌گر موسوم به ارگنکون و ارتکاب آن به تعداد زیادی انواع خشونت شامل قتل و

[۱] من ارقام مربوط به اینکه چه تعداد از مهاجران به محل زندگی اصلی خود برگشته اند در اختیار ندارم.

کشتار و انداختن مردم زنده و مرده به داخل چاه‌های پر شده از اسید ارائه شد.

ارگنکون و کردها

شایان ذکر است که توطئه ارگنکون فقط علیه کردها نبود اما اغلب جنایات این سازمان در جنوب‌شرق روی داد.[1] هدف دیگر ارگنکون، جنبش مذهبی تحت رهبری فتح‌الله گولن در ترکیه و جاهای دیگر بود. اعضای ارگنکون شدیداً از ماهیت سکولار ترکیه حمایت می‌کردند و بر این باور بودند که گولنچی‌ها این ماهیت سکولار را تهدید می‌کنند.

آنها همچنین بر این باور بودند که حزب عدالت و توسعه (AKP) برای مذهبی‌تر کردن جامعه از جنبش گولن حمایت می‌کند. بسیاری از افرادی که از جنبش فتح ا... گولن حمایت می‌کردند از حامیان AKP نیز بودند چرا که هر دو گروه بر این تأکید داشتند که مذهب و مدرنیزه سازی با هم سازگار بوده و برای جامعه حیات بخش هستند.

---

[1] از این قسمت به بعد از متن کتابم خون، باورها و برگه‌های رأی: مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه ۲۰۰۷-۲۰۰۹ استفاده کرده‌ام. این کتاب توسط انتشارات مزدا (Costa Mesa, CA: Mazda Publishers) در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است. مطالبی که از این کتاب استفاده کرده‌ام در سراسر کتاب حاضر گسترده است نه اینکه متن دو کتاب یکی باشد.

ارگنکون در ۱۹۹۷ برای عموم آشکار شد اما متفکرین، روزنامه نگاران و برخی افراد دیگر خیلی پیشتر از ۱۹۹۷ از وجود آن مطلع بودند؛ اما در اینجا تمرکز من بر پیشرفت‌های صورت گرفته از ۱۹۹۷ به بعد است. ارگنکون نام دره‌ای در کوه‌های آلتای آسیای میانه است که منشاء مردم ترک از آنجاست، و مهم‌تر از این، آنها اولین پادشاهی خود را در آنجا بنا نهادند.[۱] ناسیونالیست‌های مدرن ترک دستاوردهای قرون وسطی در قرون ششم و هفتم را درخشان می‌دانند و از این رو این دستاوردهاست که حس قوی هویت را بین همه مردم ترک بوجود آورده است. سقوط امپراتوری عثمانی و کشمکش‌های جمهوری ترکیه جدید پس از ۱۹۲۳ نیاز به ناسیونالیسم قومی و تاریخ و افسانه‌های مردم ترک قرون وسطی را بوجود آورد تا تکیه‌گاه و پشتیبان ناسیونالیسم ترکی معاصر با هویت قوی و یکپارچه قومی باشد.

---

[۱] در مورد تاریخ ارگنکون کتابهای زیادی به زبان انگلیسی در دست نیست اما از آنجا که توطئه ارگنکون موضوعی جذاب است کتابهای زیادی از آن به زبان ترکی وجود دارد. گارث جنکینز (Gareth Jenkins) روزنامه نگار انگلیسی که مدت زیادی در ترکیه ساکن بوده است گزارش کوتاهی از این موضوع تحت عنوان ذیل نوشت:

Between Fact and Fiction: Turkey's Ergenekon Investigation (Washington, DC: Central-Asia-Caucasus Institute, Silk Road Studies Program (July, ۲۰۰۹).

جنکینز به شدت از منصفانه نبودن تحقیقات انتقاد کرد.

همان گونه که در بالا ذکر شد، این ایده‌ی یکپارچگی (قومی ترک‌ها) به عامل عمده و مهمی در افزایش اختلافات بین کردها و ترک‌ها پس از ۱۹۲۳ تبدیل شد. بنا به افسانه ارگنکون، ترک‌ها به رهبری گرگ ماده‌ای به نام آسنا (Asena) موفق شدند از کوه‌های پر پیچ و خم عبور و آنجا را ترک کنند.[۱] نام آسنا هم اکنون نیز به عنوان نامی محبوب برای زنان ترک باقی مانده است. گرگ‌های خاکستری، نام مشهور دیگر پس از نام آسنا بود که جناح راستی تحت رهبری آلپ ارسلان تورکش از دهه ۱۹۶۰ به بعد آن را برای خود برگزید. افسانه ارگنکون خیلی شبیه افسانه منشاء مردم رومی است.

اولین توجه گسترده رسانه‌ای به ارگنکون به اوایل ژوئن برمی‌گردد که پلیس یک مخفیگاه مهم و قابل توجه از مواد منفجره، اسلحه و ... در محله فقیرنشین عمرانیه استانبول پیدا کرد. تحقیقات اولیه شواهد کافی برای پلیس فراهم کرد و بازداشت‌های بیشتری در ۲۷ ژوئن روی داد. بنا به گفته گارث جنکینز، همه کسانی که در این دو مرحله بازداشت شدند ناسیونالیست‌های افراطی ترک بودند که بسیاری از آنان عضو مؤسسات قدیمی و کهنه‌کار جناح راست بودند. در ماه‌های بعد در نتیجه‌ی معلوم شدن روابط بین افراد مختلف بنا به تحقیقات رسمی، بازداشت‌های بیشتری صورت گرفت. مقامات وقتی متوجه

---

[۱] همان.

شدند برخی اسلحه‌های کشف شده با بمب‌های استفاده شده در حمله ۵ مه ۲۰۰۶ به روزنامه جناح راستی جمهوریت همخوانی دارد، بیشتر نگران شدند. روزنامه مزبور حامی قوی نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و ضد حزب عدالت و توسعه (AKP) است. بنا به این شواهد به نظر می‌رسید سلاح و مواد منفجره کشف شده متعلق به جناح چپ یا احتمالاً گروه‌های مارکسیستی یا حزب کارگران کردستان (PKK) باشد. این کشفیات پلیس را برآن داشت که شاید افراد بازداشتی در چند مرحله گذشته هم در قتل‌ها، ترورها و آدم‌ربایی‌هایی که در دهه گذشته اتفاق افتاده نقش داشته‌اند.

بنا به شواهد جمع شده بازپرسان و پلیس به این نتیجه رسیدندکه شواهد کافی برای بازداشت‌های دیگر وجود دارد و از این رو در ۲۱ ژانویه پلیس ۲۷ نفر دیگر را بازداشت کرد. این بازداشت‌ها موجب به دام افتادن افراد بسیار مهم‌تر و مشهورتری شد. یکی از بازداشتی‌ها ژنرال بازنشسته ژاندارمری وَلی کوچوک بود. او همان‌گونه که بعداً معلوم شد مؤسس یکی از واحدهای مخفی مشهور ژاندارمری (واحد اطلاعات و عملیات ضد ترور ژاندارمری - JİTEM) بود. این واحد برای کشتن کردها و ایجاد ویرانی بیشتر برای افزایش جنگ بین دولت و حزب کارگران کردستان (PKK) بوجود آمد. سرهنگ بازنشسته فیکری قره‌داغی، بنیانگذار مؤسسه نیروهای ملی (Kuvaye Milliye

Derneği) که ناسیونالیسم ترکی خشن و ناموزونی ارائه می دهد نیز بازداشت شد.[1] بازداشت دو نفر مزبور این فکر را به ذهن می رساند که دیگر مقامات بلندپایه نیز با ارگنکون همکاری داشته‌اند. شواهد کافی برای اطمینان از این همکاری وجود داشت. در ۲۱ مارس پلیس به ۲۱ محل شامل خانه‌های شخصی یورش برد. کمال علمدار اوغلو رئیس سابق دانشگاه استانبول بازداشت شد که نشان از وجود ارتباط احتمالی با دیگر رؤسای دانشگاه‌ها هم بود. دوغو پرینچک، رئیس سابق حزب چپ‌گرای کارگر (İçşi Partisi) که به ناسیونالیستی افراطی تغییر یافت نیز بازداشت شد. اما بازداشت ویراستار کهنه‌کار روزنامه جمهوریت، ایلهان سلجوق ۸۳ ساله در ساعت ۴:۳۰ دقیقه‌ی صبح سبب موج بزرگی از تظاهرات توسط رسانه‌های جناح راست و جناح اصلی شد. او پس از بازجویی آزاد شد اما پس از آن به دلایل دیگری فوت کرد. به هر حال، بازداشت‌ها ادامه پیدا کرد. در اول ژانویه، ۲۱ نفر در شهرهای مختلف در یورش‌های هم‌زمان دستگیر شدند. اصلی‌ترین بازداشتی، ژنرال شنر ارویغور بود. او رئیس سابق ژاندارمری و رئیس کنونی مؤسسه اندیشه آتاتورک (Atatürkçü Düşünce Derneği) بود که سازمانی ناسیونالیستی جناح راستی

---

[1] همان.

است. علاوه بر این، افراد بیشتری نیز که دارای جایگاه‌های والایی در روزنامه‌نگاری و تجارت بودند دستگیر شدند.[1]

هم‌زمان با بازداشت‌ها و شروع محاکمات، مظنونان بیشتری دستگیر شدند. در ۷ ژانویه ۲۰۰۹، ۳۳ نفر دیگر بازداشت شدند. در بین بازداشت شدگان ژنرال توجر کلینچ، رئیس سابق شورای امنیت ملی؛ ژنرال بازنشسته کمال یاووز، از فرماندهان سابق لشگر دوم، و مهم‌تر از همه ابراهیم شاهین فرمانده سابق اداره عملیات ویژه وزارت کشور بودند. این افراد مسئول بسیاری از عملیات‌های اجرا شده علیه کردها بودند. بازداشت‌ها تا پایان سال ۲۰۱۰ همزمان با محاکمات ادامه یافت. همان گونه که ذکر شد، گارث جنکینز احتمالاً مهم‌ترین و برجسته‌ترین منتقد غیرترک محاکمات بود که فکر می‌کرد شواهد زیادی برای اثبات اتهامات وارده توسط دادستان‌ها وجود داشته، همچنین فکر می‌کرد که بازداشت‌ها و محاکمات توسط حزب عدالت و توسعه (AKP) برای کاهش نفوذ نیروهای مسلح ترکیه (TAF) در سیاست کشور انجام شده است. آخرین انتقاد جنکینز بدون شک درست است اما مدارک زیادی مبنی بر جنایات، قتل، آدم‌ربایی، سرقت از بانک و اخاذی و زورگیری بطور واضح در مورد عملیات‌های گسترده ارگنکون وجود داشت که با آگاهی، همکاری

---

[1] برای اطلاع از اسامی افراد دیگر به همان منبع قبلی مراجعه کنید.

یا مشارکت TAF، بخصوص ژاندارمری و سازمان اطلاعات ملی (MİT) صورت گرفته بودند. عملیات‌های جنایتکارانه ارگنکون علیه کردها در حجم وسیعی انجام شد.

انگیزه‌های توطئه‌گران ارگنکون

احسان داغی، استاد دانشگاه و مقاله‌نویس برجسته مجله دانشگاهی *اینسایت ترکیه* (*Insight Turkey*) یکی از بهترین تحلیل‌ها را از انگیزه‌های توطئه‌گران ارائه کرد: "مظنونان ارگنکون خیلی نگران بقای ترکیه و تمامیت ارضی آن بودند. آنها بر این باور بودند رژیم ترکیه توسط دشمنان خارجی که اقتصاد و سیاست ترکیه را کنترل می‌کنند زمین‌گیر شده است. هدف دشمنان خارجی ترکیه، از بین بردن استقلال ترکیه از طریق فشار نیروهای خارجی و حمایت از گروه‌های ضد ملی شامل: کردها، علوی‌ها و لیبرال‌ها است. دشمنان خارجی تنها نیستند؛ آنها همدستان داخلی هم دارند که برای تضعیف دولت ترکیه گماشته شده‌اند. گروه‌های کُرد تجزیه‌طلب از همدستان داخلی دشمنان برای تجزیه ترکیه هستند. حتی حزب سیاسی حاکم، حزب عدالت و توسعه (AKP) نیز به گمان آنها ابزاری در دست دشمنان است. در واقع، آنها معتقدند حزب عدالت و توسعه (AKP) به عنوان بخشی از 'پروژه اسلام معتدل' ایالات متحده است و با حمایت

این کشور به قدرت رسانده شده تا از اقداماتش در عراق و اجرای طرح 'ابتکار خاورمیانه بزرگ‌تر' حمایت کند."[1]

داغی گفت:" اما بجز هراس ارگنکون از ایجاد دولت کُردی مستقل در عراق، چیزهای دیگری هم بود؛ مظنونان ارگنکون بر این باورند که اصلاحات سیاسی به نام دموکراتیزه‌سازی، توطئه‌ها و نقشه‌هایی است که توسط اتحادیه اروپا برای تضعیف دولت-ملت ترکیه، زمین‌گیر کردن قدرت ترکیه برای جنگ علیه حزب غیرقانونی کارگران کردستان [PKK] و کاهش توان رژیم سکولار انجام می‌شود. آنها تا جایی پیش رفتند که می‌گفتند ترکیه در اشغال منافع و قدرت‌های خارجی است. دارایی‌های اقتصادی ترکیه به سرمایه‌داران خارجی که بورس سهام استانبول (IMKB) را دستکاری می‌کنند فروخته شده و بازار پولی به ضرر منافع ترکیه است. جامعه مدنی ترکیه که توسط ایالات متحده تأمین مالی می‌شود، بخشی از 'شبکه سوروس' شده که توطئه و نقشه‌هایی علیه نیروهای ناسیونالیست طرفدار استقلال طراحی کرده است."[2]

---

[1] *تودیز زمان*، ۱۲ ژانویه ۲۰۰۸.

[2] همان. برای توضیحات بیشتر پیرامون این موضوع به کتاب خون، باورها و برگه‌های رأی... مراجعه کنید.

بازداشت، توقیف و تفتیش منزل مقامات بلندپایه مظنون به عضویت در ارگنکون یا همکاری با آن، که نقش عمده‌ای در عملیات‌ها، اعمال غیرقانونی مخفیانه و دیگر کارها علیه PKK، احزاب سیاسی مختلف کُردی و چندین ناسیونالیست کُرد داشتند، برای حزب جامعه دموکراتیک (DTP) فرصتی فراهم آورد این بحث را پیش بکشد که حزب عدالت و توسعه (AKP) و سردمدارانش باید از این اعمال، خصوصاً پس از ۲۰۰۲ مطلع باشند. نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و سازمان اطلاعات ملی (MİT) به طور حتم از فعالیت‌ها و عملیات‌های سازمان‌های مخفی و واحدهای ویژه مختلفی که بصورت غیرقانونی برای جنگ با حزب کارگران کردستان (PKK) و دیگر جنبش‌ها و گروه‌های ناسیونالیست کُرد دایر شدند مطلع بودند، و با آنها همکاری کرده ، وارد عمل هم شده بودند. اما هدف اصلی ارگنکون کردها بود.

ارگنکون، کردها و خیزش ناسیونالیسم

وقتی دادگاه قانون اساسی در ۳۰ ژوئیه دعوی علیه بستن حزب عدالت و توسعه (AKP) را با رأی مرزی ۶ به ۵ رد کرد، کردها این گونه تصور می‌کردند که حداقل قضات به شواهد و مدارک مربوط به پرونده نگاه کرده و آنها را مد نظر قرار داده اند. آنها فکر می‌کردند

قضات دادگاه باید ملاحظات مشابهی در مورد کیفرخواست و محاکمه ارگنکون مد نظر قرار دهند. اما در این پرونده چنین اتفاقی نیفتاد، اگر چه مظنون های زیادی بازداشت، توقیف و زندانی شدند اما حتی در پایان سال ۲۰۱۰ نیز محاکمات کمی انجام شده بود. این رویداد یکی از فرضیات جنکینز را تقویت می‌کرد که می گفت AKP باید با احتیاط با TAF برخورد کند تا از پرونده دعوی برای بسته شدن جلوگیری کند، دلیل دیگر نیاز حزب عدالت و توسعه (AKP) به همکاری با نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، جنگ علیه حزب کارگران کردستان (PKK) بود. همچنین، AKP حداقل تا زمان انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ با نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و متحد آن یعنی ارگنکون برای جنگ علیه کردها همکاری می‌کرد.

احمد ترک، رهبر حزب جامعه دموکراتیک (DTP) به طور قطع اظهار داشت: "محاکمه ارگنکون تست تورنسل[1] سیاستمداران DTP بود. اگر محاکمه و اقامه دعوی علیه ارگنکون به شرق رود فرات (که اکثراً کردنشین است) سرایت نکند، مسئله کُردی حل نخواهد شد. ۱۷۰ نفر از دوستان من قربانی جنایت‌های نامکشوف شده‌اند. ما

---

[1] ماده آبی رنگی که در اثر اسید زیاد به رنگ قرمز تبدیل می‌شود و هر گاه قلیا به آن بزنند به رنگ آبی در می‌آید. منظور این است که سبب شفاف‌سازی موضع و جبهه سیاستمداران DTP شد.-م.

[DTP] احساس می‌کنیم قضیه ارگنکون برای آینده ترکیه و تحول سیاست‌هایش بسیار مهم است. من معتقدم اگر همه ابعاد قضیه ارگنکون روشن شود، مردم کُرد و ترک یکدیگر را بهتر درک خواهند کرد. روشن نمودن اثرات ارگنکون برای واداشتن مردم کُرد و ترک به مآل اندیشی مفید خواهد بود."[۱]

رئیس DTP قویاً تاکید کرد که، "منشاء توطئه ارگنکون، مسئله کُردی بود. ریشه، تقویت و رشد سازمان ارگنکون در مناطق کُردی بود. عملیات‌های زشتی که آنها در مناطق کردنشین مرتکب می‌شدند، قدرتشان را منسجم و سازمانشان را قوی‌تر می‌کرد. آنها در کمال آسایش و به راحتی در منطقه مرتکب این اعمال می‌شدند و در نهایت می‌خواستند قدرت را در دست خود بگیرند. ارگنکون را نباید به دلیل جنایاتی که در مناطق کردنشین مرتکب شد به سادگی مورد عفو قرار داد. همه ابعاد ارگنکون باید افشا شود. ما خواستار روشن شدن قتل محمد سنجار، موسی آنتر و تاجران کُرد هستیم.[۲] در دهه ۱۹۹۰ پنج نفر بازداشت شدند. استاندار و فرمانده نظامی مسئولیت آنها را بر عهده

---

[۱] حرّیت، ۲۵ آگوست ۲۰۰۸.

[۲] همان. موسی آنتر از روشنفکر، فعال و نویسنده برجسته کُرد بود. او در سپتامبر ۱۹۹۲، احتمالاً توسط عوامل ارگنکون به قتل رسید. محمد سنجار از اعضای حزب دموکراسی (DP) بود که در ۴ سپتامبر ۱۹۹۳ در جریان شرکت در تظاهراتی سیاسی در شهر جنوب شرقی باتمان به قتل رسید.

گرفتند. همان شب آن پنج نفر را از زندان بیرون آورده و در کنار رود مراد اعدام کردند. اگر این جنایات روشن نشوند، قضیه ارگنکون حل نخواهد شد.

آمنه آینا، معاون احمد ترکِ اظهار داشت: "مهم نیست حزب عدالت و توسعه (AKP) چقدر تلاش کند که نشان دهد اعمال و توطئه‌های ارگنکون علیه خودش بوده، حقیقت مطلب این است که عملیات‌ها با آگاهی، اجازه و تأیید فرمانده کل انجام گرفته‌اند. عملیات‌های ارگنکون چیزی جز "پاکسازی منطقه‌ای" توسط قدرت‌های سیاسی نبودند. موضع ما روشن است. هر چقدر ابعاد پرونده ارگنکون بیشتر فاش شود، آگاهان و سیاستمداران کُرد بیشتر متوجه خواهند شد که قضایا آن گونه نیست که آنها نشان می‌دهند، در حقیقت، روشنفکران و سیاستمداران کُرد به قضیه ارگنکون پی برده و وارد عمل خواهند شد."[۱]

من در ادامه، مطالب بیشتری از آینا نقل خواهم کرد چرا که او یکی از دقیق‌ترین و تیزبینانه‌ترین تحلیل‌ها را از همدستی و همکاری میان حزب عدالت و توسعه (AKP)، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MİT)، پلیس ملی و ... ارائه کرد. او بطور رسمی و علنی اعلام کرد سیاست‌مداران کُرد، حتی کسانی که عضو

---

[۱] همان.

حزب عدالت و توسعه (AKP)، حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP)، و حزب حرکت ملی (MHP)، MHP حزبی ناسیونالیست افراطی است، و اعضای دیگر احزاب سیاسی، باید بپذیرند که سرکوب ناسیونالیسم کُردی هدف اصلی ارگنکون بوده و عملیات آنها با حمایت و اطلاع TAF و بطور حتم با آگاهی AKP پس از به قدرت رسیدن در ۲۰۰۲ صورت گرفته است. آینا اظهار داشت ایالات متحده و اروپا نیز به منظور تقویت موقعیت ترکیه در برابر ایران و در خاورمیانه از عملیات‌های ارگنکون حمایت کرده‌اند.

این مطلب از آنجا صحیح است که ایالات متحده و اسرائیل از سال ۲۰۰۷ بطور مداوم ایران را تهدید به حمله کرده‌اند؛ این تهدیدات تا پایان سال ۲۰۱۰ نیز ادامه یافته است. آینا گفت: "در نتیجه روشن می‌شود که مذاکرات و معاملات جدیدی بر سر کردها در جریان است و سیاست‌ها و توافقات جدیدی مدنظر قرار گرفته‌اند."[1]

آینا با عملیات‌های دولت علیه ارگنکون مخالفت کرد چرا که بازداشت‌ها و محاکمات با اجازه و اطلاع ستاد کل نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و همچنین اجازه و پذیرش حزب عدالت و توسعه (AKP) انجام شده است. او تأکید داشت که، "حزب عدالت و توسعه (AKP) هرگز نمی‌توانست بدون اجازه ستاد کل ارتش به تحقیق در

---

[1] همان.

مورد ارگنکون بپردازد. با دستگیری اعضای ارگنکون از یک شاخه خاص در ارتش، آنها تلاش دارند ظاهر نامرتب و نگاه بی‌تفاوت را در دولت ریشه‌کن کنند؛ تا بتوانند ادعا کنند دولت مورد سازماندهی مجدد واقع شده است." بنابراین می‌توان گفت روابط میان AKP و TAF مورد سازماندهی مجدد قرار گرفته و همکاری نزدیک‌تری بین حزب عدالت و توسعه (AKP)، نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) بوجود خواهد آمد."[1] آینا خاطرنشان ساخت TAF و AKP برای مدیریت جنگ علیه حزب کارگران کردستان (PKK) و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی باید به پاکسازی عملیات‌های ارگنکون در ژاندارمری می‌پرداختند و از روش مؤثرتری برای این کار استفاده می‌کردند. همچنین، شاید به این فکر کرده باشند که قطع عملیات‌های ارگنکون منتج به امکانات و فرصت‌های مطلوب بیشتری برای مذاکره با حزب جامعه دموکراتیک (DTP)، دیگر NGOهای جنوب‌شرق و بورژوازی کُردی در جنوب‌شرق و دیاربکر فراهم خواهد کرد و آنها می‌توانند از طریق اجازه استفاده بیشتر از پخش محدود برنامه در رادیو و تلویزیون دولتی (TRT) به اقناع کردها بپردازند.

---

[1] *تودیز زمان*، ۹ ژوئیه ۲۰۰۸.

به نظر می‌رسد تحلیل‌های آینا درباره سیاست‌های TAF و AKP نتیجتاً درست از آب در آمدند. طی نیمه نخست ژانویه، نخست‌وزیر اردوغان و رئیس ستاد مشترک ایلکر باشبوغ نشان دادند که بازداشت‌ها، بخصوص بازداشت کادر فعال و بازنشسته ژاندارمری به اندازه کافی پیش رفته است.[1] همزمان فاش شد که اعضای ارگنکون چندین عملیات متفاوت با نام رمزهایی چون دختر بلوند (*Sarıkız*)، نور ماه (*Ayışığı*)، دستکش (*Eldiven*)، شب‌تاب (*Yakamoz*)، چماق (*Balyoz*) و قفس (*Kafes*) طراحی کرده بودند. هدف عملیات‌های مزبور براندازی حکومت، ایجاد آشوب در سراسر کشور و ترور غیرمسلمانان برگزیده‌ای چون هرانت دینک بود. دینک از فعالان ارمنی و مقاله‌نویس *آگوس* (Agos) مهمترین روزنامه به زبان ارمنی در استانبول بود که توسط یکی از عوامل ارگنکون در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۷ همانند کشیشان و میسیونرها کشته شد. همچنین، بسیاری از توطئه‌ها و نقشه‌ها برای کشتن ناسیونالیست‌های کُرد بود. ناتوانی ظاهری نظام قضایی، حتی در اول نوامبر ۲۰۱۰ نیز مشهود بود چرا که نمی‌توانست تعیین کند کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی به پرونده مظنونان اصلی طراحی کودتا را دارد. مظنونان اصلی کسانی چون

---

[1] در ژانویه ۲۰۰۹ کارآگاهان و پلیس حدود ۱۰ موج بازداشت و دستگیری افراد مظنون به عضویت در ارگنکون یا درگیر در فعالیت های آن را صورت دادند.

فرمانده سابق نیروی زمینی TAF آیتاچ یالمان، فرمانده سابق نیروی دریایی اوزدن اورنک و فرمانده سابق نیروی هوایی ابراهیم فیرتینا بودند. این پدیده نشان داد ترس و نگرانی کردها از این‌که عاملان توطئه‌ها و جنایات هرگز به هیچ مجازاتی چون زندان محکوم نخواهند شد بجا بوده است و در عوض به نظر می‌رسید برای آنها به مجازات ناچیزی اکتفا کرده‌اند.[۱] این امر در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۰ اثبات شد و آن زمانی بود که پرونده فرماندهان TAF توسط دفتر دادستان دولت در استانبول به دلیل کمبود مدارک رد شد، سپس به دفتر دادستان دولت در آنکارا برگردانده شد و در توجیه این کار اظهار داشتند دفتر آنکارا کارشناسان بیشتری برای بررسی پرونده در اختیار دارد. در اواخر سال ۲۰۱۰ حدود هفت سال پس از تلاش برای کودتایی که سه فرمانده مزبور در آن دست داشتند هنوز پرونده قضایی آن مختومه نشده بود. به نظر می‌رسد دفتر دادستان آنکارا نیز مانند دفتر دادستان استانبول با توجیه کمبود مدارک پرونده را رد کرده باشد.[۲]

[۱] *رادیکال*، ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰.

[۲] *حرّیت*، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۰.

وحشی‌گری‌های بیشتر ارگنکون علیه کردها

سیاست‌مداران ترکیه بخصوص گروه پارلمانی حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در پاسخ به اظهارات اردوغان و باشبوغ خیلی داغدار بودند. احمد ترک بخصوص از زمان آخرین افشای مربوط به ارگنکون و سلاح‌های مدفون در مناطق ترکیه و اما بیشتر در مناطق کردنشین، خیلی خشمگین بود. احمد ترک پافشاری می‌کرد تحقیقات در مورد ارگنکون ادامه یابد و عاملان جنایات محاکمه شوند. او گفت: "اگر شما دم مار را قطع کنی و سرش را له نکنی، خطرناک‌تر می‌شود، دولت می‌خواهد کثافت‌ها را زیر فرش جارو کرده و پنهان کند. بگذارید همه ببینند که در 'جغرافیای کُردی' باتمان و دیاربکر چه روی خواهد داد."[1] احمد ترک خاطر نشان کرد: "دو سال از قتل هرانت دینک می‌گذرد اما هنوز فردی که ماشه را چکانده زندانی است، و کسانی که نقشه قتل او را کشیده بودند هنوز دستگیر نشده‌اند." وی اضافه کرد که، مقامات امنیتی و پلیس مسئول تحقیقات در مورد قتل دینک تحت حمایت حکومت هستند." رئیس حزب جامعه دموکراتیک (DTP) گفت ،ارگنکون از کسانی تشکیل نشده که توسط دولت اجیر شده باشند بلکه متشکل از کسانی است که در دولت کار می‌کنند. مقصر ارگنکون و جنایت‌ها و رسوایی‌های آن

---

[1] *رادیکال*، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹.

خود دولت است،" اگر مسئله کُردی حل شده بود ما شاهد بوجود آمدن این جانیان نبودیم. جنایات ارگنکون ... نتیجه سیاست انکار توسط دولت بود."[1]

احمد ترک سرسختانه می‌گفت در حالی که ارگنکون زائیده غرب (کشور) است، در مناطق کُردی شرق رود فرات رشد کرده و تقویت شده است. "این سازمان هر چه رشد کرده در جغرافیای کردستان بوده است. ژنرال‌های بازداشت شده کجا انجام وظیفه کرده‌اند؟ در داخل جغرافیای کردستان. آنها علیه چه کسانی عملیات‌هایشان را هدایت می‌کردند؟ کردها. بنا به آمارهای رسمی، ۱۷۰۰۰ جنایت ناشناس وجود دارد. نود درصد این جنایات در مناطق کُردی صورت گرفته‌اند. مردم به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده و اجسادشان داخل چاه‌های پر از اسید انداخته شده است. آنها را نیمه شب از خانه‌هایشان بیرون کشیده و به قتل رسانده‌اند. آنها را مجبور به خوردن مدفوع کرده و تحت شکنجه‌های غیرقابل تصور قرار داده‌اند."[2] رهبر DTP گفت اسلحه‌های ارگنکون که زیر خاک مخفی شده‌اند فقط در بخش‌های غربی نیستند بلکه در سراسر ترکیه قرار دارند و آنهایی که پیدا شده فقط قسمتی از اسلحه‌های مخفی شده

---

[1] همان.

[2] همان.

بوده‌اند. بدون شک، این اسلحه‌ها علیه کردها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. او پرسید بقیه اسلحه‌های مدفون کجا هستند؟ و آیا ممکن است دولت نداند آنها را کجا خاک کرده‌اند؟ و نداند علیه چه کسانی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند؟ او فکر می‌کرد محموله‌های اسلحه بسیار بیشتری از آنچه که در غرب کشور پیدا شده در منطقه کُردی پیدا می‌شوند.

سزگین تانریکولو شک نداشت که اغلب اعضای ارگنکون بابت قتل‌ها و جنایاتی که مرتکب شده‌اند مورد محاکمه قرار نمی‌گیرند. وی توضیح داد موضع نظام دادگاه نظامی این بود که JITEM به عنوان نهادی نظامی وجود نداشته است![1] او خاطر نشان ساخت دادستان‌ها بسیاری از جنایات عوامل ارگنکون را برای تعقیب قانونی به ستاد مشترک فرستاده‌اند اما ستاد مشترک هرگز به پرس‌وجوهای آنان پاسخ نداده است. علاوه بر این، وی گفت: "در ترکیه فارغ از ماهیت اتهام، برای محاکمه نظامیان مجوز لازم است، آدم‌ربایی فعالیتی نظامی نیست. اما ما چه داریم؟ دادگاه عادی توپ را به زمین دادگاه نظامی می‌اندازد و آنها هم پرونده را به ستاد مشترک می‌فرستند. از این نظر، دادگاه نظامی مانند چاهی بی‌انتها عمل می‌کند."[2]

---

[1] *تودیز زمان*، ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹.

[2] همان.

چاه‌های اسید

علاوه بر چاه‌های بی‌انتهای دادگاه نظامی، چاه‌های به مراتب بدتری هم وجود داشتند. خانم بژان ماتور؛ شاعر کُرد، نوشت؛ یادآوری اسامی عوامل ارگنکون و قتل‌هایی که مرتکب شده‌اند، قلب مردم شیرناک (شیرناخ) که شهر کوچکی در مرز عراق است را آکنده از ترس و وحشت می‌کند. دلیل اصلی ترس آنها این است که جسد مقتولین را داخل چاه‌های شرکت خطوط لوله ترکیه که مملو از اسید شده‌بود می‌انداخته‌اند؛ بشکه بشکه اسیدی که عوامل ارگنکون، همانند ژنرال ولی کوچوک، ظاهراً مشکلی در تهیه آنها از شرکت‌های داروسازی نداشتند. خانم ماتور به مقامات ترکیه توصیه کرد همان‌گونه که به کاوش اسلحه‌های مدفون ارگنکون در حومه استانبول پرداختند، به کاوش "چاه‌های اسید" نیز بپردازند. وی درخواست نمود "پاک‌سازی" ارگنکون آن‌گونه که قبلاً احمد ترک خواسته به شرق فرات هم گسترش یابد و در آنجا هم انجام شود. او فکر می‌کرد اگر این کار صورت گیرد شانسی برای "بهبود واقعی" در برخی ابعاد و جوانب باقی می‌ماند. ماتور خاطر نشان ساخت "چاه‌های اسید" برای مدتی طولانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و یکی از عوامل مشهور ارگنکون، عبدالقادر آیگان، قاتل موسی آنتر اندیشمند کُرد، جسد وی

را داخل یکی از همین چاه‌ها انداخته است.[1] او تأکید کرد چاه‌های اسید برای از بین بردن هر گونه اثر قربانیان مقتول بکار برده می‌شد و از این رو هیچ اثری از آنها بر جای نمانده است.

ظاهراً مقصود قاتلان پاک کردن حافظه تاریخی و فرهنگی جای گرفته در اذهان ساکنین بوده چرا که این حافظه تاریخی پرورش دهنده ناسیونالیسم و بخصوص جنبش‌های ملی است. خانم ماتور خاطر نشان کرد: "چاه‌های اسید جنوب‌شرق دقیقاً مانند اتاق‌های گاز، کوره‌های آدم‌سوزی و انداختن مردم در اقیانوس، برای از بین بردن همه چیز طراحی شده‌اند. هدف این جنایات فقط پایان دادن به زندگی قربانیان نبوده است. ارزش‌های دیگری نیز هدف این ویرانگری واقع شده‌اند."[2]

ظاهراً منظور ماتور از "ارزش‌ها"، اندیشه‌های *کوردایه‌تی* و ناسیونالیسم کُردی بوده که طی ۳۰ سال گذشته در جنوب‌شرق و در میان کردها قوی‌تر شده‌اند. این اندیشه‌ها بود که چاه‌های اسید درصدد از بین بردنشان بودند. افشای چاه‌های اسید دستاوردهای مثبت پخش برنامه کانال کُردی TRT۶ در کاهش رقابت ناسیونالیسم کُرد و ترک

---

[1] شایان ذکر است که آیگان نیز از ترکیه و همچنین دادگاه گریخت و به سوئد فرار کرد و پناهندگی گرفت.

[2] همان.

را تا حد زیادی کمرنگ کرد. در ژانویه ۲۰۰۹ تردید کمی وجود داشت که جنگ بین دولت و حزب کارگران کردستان (PKK) طی ۲۶ سال گذشته، درگیری و عملیات‌های پاک‌سازی قومی توسط نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، اخراج اجباری میلیون‌ها نفر، ویران کردن جنگل‌ها و تخریب خانه‌ها و املاک و زمین‌ها، بطور اساسی سبب نفرت و بیگانه شدن کردها از دولت و عوامل مذکور آن و حتی ترک‌ها شده است. افشای ارگنکون نیز همان‌گونه که به تفصیل توسط احمد ترک، سزگین تانریکولو، بژان ماتور و دیگران صورت گرفت موجب بیگانه شدن بیشتر کردها و تقویت مطالبات آنها برای آموزش به زبان مادری و آموزش زبان مادری شد، که در ادامه به این مطالب خواهم پرداخت.

فصل ۲
آموزش به زبان مادری

یکی از مطالبات اولیه‌ی کردها طی دهه گذشته، داشتن حق تکلم و استفاده از زبان مادری خود در نهادهای آموزشی بوده است. این مطالبات طی دهه اول قرن ۲۱ با صدای بلندتری درخواست می‌شدند. در دهه ۱۹۸۰ تمرکز مطالبات کردها بر داشتن حق تکلم به کُردی در اماکن عمومی، اجرای موسیقی کُردی، انتخاب نام کُردی برای فرزندان در صورت تمایل، و بازگرداندن اسامی اماکن کُردی بود که حکومت از دهه ۱۹۳۰ به این سو (آنها را به اسامی ترکی) تغییر داده بود.

در ژوئیه ۲۰۰۳ ترکیه برای برداشتن موانع قانونی برای پخش برنامه به کُردی و حق آموزش و یادگیری به زبان کُردی اصلاحاتی انجام داد. در مارس ۲۰۰۴ دوره‌های آموزش زبان کُردی در باتمان، شانلی اورفا، و وان دایر شد. در ژوئن ۲۰۰۴ تلویزیون ترکیه پخش برنامه به زبان‌های کُردی، بوسنیایی، عربی و قفقازی را آغاز کرد. ترکیه همچنین قانون ثبت احوال را در ۲۰۰۳ اصلاح کرد که به والدین اجازه می داد برای فرزندانشان اسامی کردی انتخاب کنند. اما تعداد کمی از امتیازات داده شده توسط دولت در ۲۰۰۴-۲۰۰۳ به دلیل کندی فرایند

بوروکراتیک اداری اجرا شد؛ البته این کندی عملکرد، با تأکید حکومت انجام شد. روشن بود که حکومت امیدوار است بدون اجرایی شدن امتیازات اعطایی در حیطه زبان، رضایت اتحادیه اروپا جهت پذیرش کامل ترکیه به عنوان عضو EU را بدست آورد.

مسئله زبان به هنگام دیدار نخست‌وزیر اردوغان از شهر کردنشین دیاربکر در جنوب‌شرق ترکیه بیشتر در کانون توجه قرار گرفت. طی مذاکرات با رؤسای ۱۵ سازمان جامعه مدنی، نخست‌وزیر از سزگین تانریکولو، رئیس کانون قدرتمند وکلای دیاربکر و یکی از طرفداران آموزش به زبان کُردی پرسید:"اگر شما جای من بودید (در مورد قضیه زبان) چکار می‌کُردید؟"[1] تانریکولو پاسخ داد: "بگذارید آموزش به زبان مادری صورت گیرد و گروه‌های مطالعات کُردشناسی در دانشگاه‌ها باز کنید." اردوغان در جواب گفت: " فقط کردها در ترکیه نیستند. فردا چرکس‌ها و لازها (مردم اصالتاً گرجی که عمدتاً در سواحل دریای سیاه زندگی می‌کنند) همین حق را مطالبه می‌کنند. چون شما در موقعیت پاسخگویی نیستید، برایتان حرف زدن آسان است. برای مرد مجرد طلاق دادن زنش آسان است."[2]

---

[1] حرّیت، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۸. نقل قول های بعدی را از این گزارش گرفته‌ام.

[2] همان.

اردوغان و تانریکولو در ۸ آوریل نیز بار دیگر بر سر مسئله زبان با هم مجادله پیدا کردند. تانریکولو دوباره علاوه بر پروژه‌های توسعه اقتصادی، که سیاست اصلی حزب عدالت و توسعه (AKP) برای حل مسئله کُردی بوده است، از توجه به قضایای سیاسی همانند حق آموزش به زبان مادری و حق استفاده از زبان کُردی در ادارات دولتی، دفاع کرد.[۱] اردوغان دوباره سرسختی کرد. او در پاسخ گفت: "آموزش به زبان مادری فقط برای اقلیت‌هاست"، و منظورش این بود که کردها را اقلیت نمی‌داند. این موضع رسمی حکومت ترکیه از ۱۹۲۳ بوده است، چون کردها مسلمان هستند، آنها را به عنوان اقلیت آن‌گونه که در معاهده لوزان ذکر شده مدنظر قرار نداده؛ و فقط غیرمسلمانانی چون یونانی‌ها، یهودیان و ارمنی‌ها را اقلیت دانسته‌اند. تانریکولو در پاسخ به این نکته اشاره کرد که،"دولت AKP تکلم و آموزش به زبان ترکی را برای ترک‌های آلمان مطالبه کرده است، چرا حزب عدالت و توسعه (AKP) از حق مشابه برای کردها حمایت نمی‌کند؟" اردوغان به تندی و با عصبانیت پاسخ داد و گفت: "تو دروغ می‌گویی، تو صادق نیستی." او هم دوباره تانریکولو و حزب جامعه دموکراتیک (DTP)، مهم‌ترین حزب سیاسی کُردی را برای امتناع از سازمان تروریستی خواندن حزب کارگران کردستان (PKK)

---

[۱] حرّیت، ۹ آوریل ۲۰۰۸. نقل قول‌های مذکور را از این گزارش گرفته‌ام.

مورد سرزنش قرار داد. این چیزی بود که هیچ ناسیونالیست کُردی که می‌خواست اعتبار ناسیونالیستی‌اش را حفظ کند، نمی‌توانست انجام دهد.[1] در این هنگام تانریکولو جواب داد که وی مجبور نیست صداقتش را به هیچ کس اثبات کند و گفت: " تو (اردوغان) نمی‌توانی به من توهین کنی."[2]

در دیدار مشابهی با اردوغان در آنکارا، محمد کایا، رئیس اتاق تجارت و صنعت دیاربکر گزارش کاملی از مزایای پروژه‌های توسعه اقتصادی در جنوب‌شرق تهیه کرد. او در طرح‌های پیشنهادی خاطر نشان کرد در تمام مدارس، برنامه‌های آموزشی و نهادهای عمومی، باید امکان استفاده از زبان کُردی به عنوان زبان ترجیحی فراهم گردد. طرح پیشنهادی درخواست می‌کرد واحدهای درسی تاریخ و ادبیات کُردی نیز در دانشگاه‌های ترکیه ارائه شوند.[3]

---

[1] حزب جامعه دموکراتیک (DSP) در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد. این حزب در نتیجه ادغام حزب خلق دموکراتیک (DEHAP) و جنبش جامعه دموکراتیک (DSM) بوجود آمد. DSM در سال ۲۰۰۴ توسط کردهای سابقاً عضو پارلمان لیلا زانا، اورهان دوغان، هاتیپ دجله و سلیم ساداک پس از آزادی از زندان تأسیس شد. DSP در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹ به حکم دادگاه قانون اساسی بسته شد. سپس بلافاصله حزب صلح و دموکراسی (BDP) جایگزین DSP شد. صلاح‌الدین دمیرتاش به عنوان رئیس گروه ۲۰ نفری هیئت پارلمانی BDP انتخاب شد. همزمان با نگارش این متن در دسامبر ۲۰۱۰، وی هنوز رهبر BDP بود.

[2] همان.

[3] همان.

نکته مهم دیگر این که تانریکولو مسئله زبان را در درون چارچوب بزرگتر نقض حقوق بشر، مدنی و سیاسی در ترکیه جای می‌داد. این کار به طور ضمنی حاکی از آن بود که بی‌میلی دولت و AKP برای به رسمیت شناختن مطالبات کردها در حیطه زبان او را ناامید کرده است. در مصاحبه‌ای با اعضای پروژه حقوق بشر کُردی (KHRP) در ۱۲ مارس ۲۰۰۸، فقط دو ماه پس از مجادله تندش با اردوغان در دیاربکر و یک ماه قبل از درگیری بدتر با نخست‌وزیر اولین کلمات تانریکولو این بود، "آنچه باید اتفاق بیافتد، می‌افتد." منظور ضمنی وی این بود که وضعیت روابط بین کردها و ترک‌ها به گونه‌ای است که به نظر نمی‌رسد هیچ راه‌حلی از طریق مذاکره بوجود آید.[۱] رئیس کانون وکلای دیاربکر گفت، از اصطلاح "وضعیت بحرانی" که مرتباً برای توصیف مسئله کُردی و خصومت بین دولت و کردها بکار می‌رود خوشش نمی‌آید چرا که وضعیت جنوب‌شرق ترکیه در طول قسمت اعظم ۳۰ سال گذشته این گونه بوده است. او بر این باور است که وضعیت به گونه‌ای بوده که هیچ جای مانوری وجود ندارد مگر این‌که هر یک از طرفین قدمی برای سازش و مصالحه بردارند. او

[۱] نقل قول های بالا و بعدی را از گزارش زیر گرفته‌ام:

"Return to a State of Emergency? Fact-finding Mission Report: Protecting Human Rights in South-East Turkey (London: KHRP, June ۲۰۰۸).

گفت، اگر این مصالحه در آینده نزدیک اتفاق نیافتد، "قدر مسلّم مسئله جدایی سرزمینی مطرح می‌شود." او به هیئت اعزامی گفت: "نیاز یک کشور به دلیران برای کسب آزادی شرط لازم است و فقط افراد دلیر قادر به تمیز مطالب برای تعیین حقوق و آزادی‌های اساسی و بنیادی هستند" همچنین او به هیأت KHRP گفت: "دلیری مفهوم کهنه شده‌ای است و کاستی‌های بنیادینی دارد زیرا در جوهر دموکراسی این ایده وجود دارد که دموکراسی برای همه است. بطور خلاصه، مشکل کُرد همین است. متأسفانه فقط مردمان شجاع می‌توانند برای حقوق انسانی بپاخیزند و بپذیرند که باید بهای آن را بپردازند."[1]

برخوردهای تانریکولو با اردوغان بر سر قضیه استفاده از زبان کُردی سبب ادامه مطالبات ناسیونالیستی کُردی از دولت و AKP شد. قضیه اصلی حول دو مفهوم "آموزش زبان مادری" و "آموزش به زبان مادری" بود. کردها خودشان تفاوت چندانی بین این‌که کدامیک از دو مفهوم مزبور نیاز آنها و دیگر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی را برآورده می‌کند قائل نمی‌شدند، اما با توجه به خصومت دولت و حزب عدالت و توسعه (AKP) و اعطای برخی امتیازات زبانی به کردها مسئله اینجاست که کدامیک از دو مفهوم مزبور قابل دستیابی است.

---

[1] همان.

تانریکولو دو هفته پس از درگیری با اردوغان در ۸ آوریل دیدگاه‌هایش در مورد معنا و اهمیت این دو مفهوم را توضیح داد.[۱] وقتی از وی پرسیده شد که منظورش از "زبان مادری" چه بوده، تانریکولو در پاسخ گفت:"آموزش به زبان مادری یعنی استفاده از زبان در همه سطوح آموزش و تحصیل. اما آموزش زبان مادری به سادگی یعنی آموزش دادن زبان. اگر چه من از حق آموزش به زبان مادری برای هر کسی دفاع می کنم، بنا به اوضاع و شرایط، ترکیه فقط می‌تواند در زمینه آموزش زبان مادری به اتفاق آراء دست پیدا کند. اما مشکل اینجاست که هم اکنون در ترکیه ممنوعیت‌های مطلقی برای همّه‌ی زبان‌های مادری بغیر از ترکی وجود دارد. نخست‌وزیر می گوید فقط اقلیت‌ها حق آموزش زبان مادری را دارند. ترکیه برای آموزش بیشتر زبان مادری راه را باز کرده است، اما فقط در دوره‌ها و کلاس‌های خصوصی. اغلب این دوره‌ها و کلاس‌ها به واسطه مقررات و محدودیت‌ها بسته شده‌اند. آنها فقط برای افراد بالای ۱۵ سال گشوده شده بودند و یافتن معلم برای آنها خیلی سخت بود. آموزش زبان مادری باید در مدارس صورت گیرد. باید دروس اختیاری در مدارس عمومی وجود داشته باشند. ما همچنین خواستار دایر شدن

[۱] *تودیز زمان*، ۲۰ آوریل ۲۰۰۸.

برنامه‌های مطالعات کُردی در دانشگاه‌ها و برداشته شدن همه ممنوعیت‌ها و موانع پخش به زبان‌های غیر ترکی هستیم."[1]

تانریکولو سپس به مسئله پخش برنامه اشاره کرد و گفت: "در مورد پخش برنامه، از نظر قانونی هیچ مانعی وجود ندارد. قانون تصریح کرده که پخش این برنامه‌ها مجاز است. اما مقررات شورای عالی رادیو و تلویزیون (RTÜK) پخش برنامه‌ها را فقط به رادیو و تلویزیون ترکیه (TRT) محدود کرده است. ما دادخواست شکایتی علیه این مقررات مطرح کردیم اما دادخواست ما به دلیل اینکه ما حق اقامه چنین دعوی را نداریم، رد شد."[2] او در ادامه خاطر نشان کرد، اردوغان می‌گوید:"[مسئله زبان] فقط جنبه‌ای اقتصادی دارد. او به ما گفته که، کردها می‌توانند رئیس جمهور، نخست وزیر و نماینده پارلمان باشند. من به او گفتم، مسئله دارای جنبه فرهنگی هم هست و این نه فقط برای کردها بلکه برای همه کسانی است که در ترکیه احساس تفاوت می‌کنند. آنها باید از حق آموزش، پخش برنامه و دریافت خدمات به زبان مادری خودشان برخوردار باشند. سپس نخست وزیر به من گفت اشتباه می‌کنم و هیچ جایی در جهان نیست که چنین چیزی امکان پذیر باشد و مثال آلمان را آورد. اما من به او

---

[1] همان.

[2] همان.

گفتم، در آلمان امکان آموزش ترکی در دوره‌های خصوصی وجود دارد. من به او گفتم در سوئد حتی امکان یادگیری زبان لاز هم وجود دارد. در ادامه او گفت که من دروغ می‌گویم؛ در نتیجه من جلسه را ترک کردم."[1]

وقتی تانریکولو خواستار ارائه خدمات عمومی به زبان مادری شد و در هر صورت پیشنهاد زبان اداری غیر از ترکی را مطرح کرد، او جواب داد، "هیچ بحثی در این مورد نداریم و هیچ دلیلی برای این کار وجود ندارد. فقط یک زبان اداری در جمهوری ترکیه وجود دارد و آن هم زبان ترکی است. مورد شهرداری منطقه سور دیاربکر بسیار نمایشی است. شورای آنها تصمیم به ارائه برخی خدمات به زبان کُردی گرفته است. علیه شهردار آنجا به دلیل اینکه بروشورهایی به زبان کُردی منتشر کرده اقامه دعوی شده است؛ این بی‌معنی است. اگر این جنایت است، پس مطالبی هم که وزارت فرهنگ به زبان انگلیسی منتشر می‌کند، جنایت است. ترکیه دیگر نباید با این نوع مسائل سروکار داشته باشد."[2]

وضعیت شهرداری منطقه سور از توابع شهرداری دیاربکر که تانریکولو به آن اشاره کرد اینگونه بود که عالی‌ترین دادگاه اجرایی

---

[1] همان.

[2] همان.

ترکیه حکم داد که عبدالله دمیرباش به عنوان شهردار منطقه سور اخراج است زیرا اجازه داده دفترش بروشورهای شهرداری را به زبان‌های غیرترکی یعنی کُردی، انگلیسی و سریانی چاپ کند. دادگاه حکم داد که شهرداری و دمیرباش که به عنوان شهردار اجازه چاپ را داده، مواد ۳ و ۴۲ قانون اساسی ترکیه و قانون ترکیه را نقض کرده‌اند. مواد ۳ و ۴۲ در مورد اتحاد کشور، زبان رسمی، پرچم و سرود ملی، شهر پایتخت، وظایف و حقوق در آموزش است. دادگاه حکم داد که شهرداری بخش "وظایف آموزش" و همچنین بخش ماده ۳۰۱ قانون جزا که حمله به دولت را ممنوع ساخته است نقض کرده است. دادگاه باتفاق آراء به نفع وزارت کشور که دعوی را مطرح کرده بود رأی داد. دادگاه حکم کرد برخلاف تلقی وکلای شهرداری، اعمال دمیرباش و شهرداری را "نمی‌توان به عنوان حق خودمختاری حکومت‌های محلی اروپایی که در ماده ۸ منشور اروپایی خودگردانی محلی آمده است" قلمداد کرد. بنا به حکم، دمیرباش و دیگر شهرداران، به همراه ۲۱ نفر دیگر که در دعوی ذکر شده بودند باید مورد مجازات‌های جنایی قرار گیرند. کیفرخواست مشابهی نیز علیه عثمان بایدمیر شهردار دیاربکر به دلیل استفاده او از حرف "W" کُردی که در ترکی وجود ندارد، مطرح شد. بنا به قانون ترکیه استفاده از حروفی که در زبان ترکی وجود ندارند ممنوع است. آین بوداک

شهردار جزره نیز به دلیل سخنرانی با زبان کُردی در مراسم نوروز در ۲۱ مارس ۲۰۰۸ ، بنا به قانون ضدترور مورد محاکمه قرار گرفت. علی‌رغم برخی امتیازاتی که از طرف دولت به زبانهای غیرترکی داده شد، بازداشت‌ها و دستگیری‌ها تا پایان سال ۲۰۱۰ ادامه یافت.

در بسیاری جوانب سال ۲۰۰۸ سال شروع قرار گرفتن مسئله زبان در کانون مطالبات جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی برای کسب حقوق مدنی، بشری، زبانی و سیاسی برای کردها بود. مطالبات کردها برای آموزش به زبان مادری نیز به تدریج افزایش یافت. حتی سزگین تانریکولو، کسی که در بالا به وی اشاره شد، و اظهار داشت اگر چه طرفدار قوی آموزش به زبان مادری است، اما بنا به شرایط ترکیه کردها حداقل فعلاً می‌توانند به آموزش زبان مادری دست یابند. پس از چند ماه، او نیز خواستار آموزش به زبان مادری شد.

کُردی در پارلمان

احتمالاً در اثر سخنرانی اردوغان در دیاربکر در ۲۱ فوریه به مناسبت آغاز به کار کانال TRT ۶، دو روز بعد احمد ترک، رئیس گروه پارلمانی DTP که اصولاً ترکی صحبت می‌کند، برای چند دقیقه قبل از این‌که کانال تلویزیونی پارلمان صحبت‌هایش را قطع کند به کُردی سخنرانی کرد. احمد ترک در سخنرانی‌اش به زبان کُردی

گفت:"چندزبان‌گرایی موهبت است و باید اجازه داد این موهبت زنده بماند و باید از آن محافظت کرد. همه زبان‌های جهان زیبا و معصوم هستند و به برادری بین مردم کمک می‌کنند؛ زبان‌ها برادرند. گفتن این‌که هر زبان خاصی کشور را تقسیم می‌کند، فقط نژادپرستی را تقویت می‌کند. این نیز دموکراتیک نیست که بگوییم همه زبان‌های کشور با هم برابر هستند یا باید با هم برابر باشند."[1] کار احمد ترک در شکستن تابوی صحبت به زبان دیگری غیر از ترکی (بغیر از مواقعی که مقام بلندپایه‌ای از کشور دیگری دیدار می‌کند)، در پارلمان سبب موجی از مخالفت و هتاکی توسط نمایندگان ترک پارلمان شد. حتی چندی از اندیشمندان کُرد نیز با عمل احمد ترک مخالفت کردند چرا که به نظرشان "مشکل زبان کُردی را به بحران تبدیل کرد و به ایجاد فضای تردید و بی عزمی برای حل این مشکل" کمک کرد.[2]

سیاست‌مداران کُرد درگیر رقابت‌های انتخاباتی برای انتخابات محلی ۲۹ مارس صریح و بی‌پرده صحبت می‌کردند. آمنه آینا، نماینده پارلمانی حزب جامعه دموکراتیک (DTP) از ماردین خاطر نشان ساخت،"برای تکلم به زبان‌مان نیازی به اجازه حزب عدالت و توسعه (AKP) یا نیروهای مسلح ترکیه (TAF) نداریم. ما همه جا با زبان

[1] *رادیکال*، ۲۴ فوریه ۲۰۰۹.

[2] *تودیز زمان*، ۱ مارس ۲۰۰۸. یکی از این روشنفکران کُرد سار محمد متینر بود.

خودمان صحبت خواهیم کرد. هیچ اختلاف و تقسیم بندی بین کردها نیست. اگر شما کانال تلویزیونی زبان کُردی بوجود آورده‌اید و در آن کانال هنوز می‌گویید، 'یک زبان'؛ 'یک ملت'؛ این اختیار و قدرتی به کردها نمی‌دهد. چرا آنها [دولت و AKP] تاکتیک‌هایشان را تغییر داده‌اند؟ آیا بخاطر در راه بودن انتخابات است؟ ما آماده‌ایم برای ۳۰ سال دیگر هم به منازعه ادامه بدهیم. هیچ‌کس نباید در این مورد تردید کند. ترک‌ها هم اکنون می‌گویند، 'روژ باش' یعنی 'صبح بخیر'. که چه؟ این به دلیل در راه بودن انتخابات است. انتخابات ۲۹ مارس یک رفراندوم است."[1] در واقع آینا به این اشاره داشت که دولت از نظر سیاسی باید چگونه و به چه شکلی اداره شود.

پخش برنامه به زبان مادری و واکنش‌ها به آن

دولت، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، احزاب سیاسی و حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP) با پشتیبانی از اعطای برخی امتیازات در زمینه زبان، درصدد ممانعت از مطالبات روزافزون برای آموزش به زبان مادری بودند و امید داشتند حداقل آن کردهایی را آرام کنند که از پخش برنامه کُردی در شبکه TRT راضی می‌شدند. در ۴ ژوئن ۲۰۰۸ محمد آیدین وزیر AKP اعلام کرد حکومت سیاستی را در پیش

---

[1] *رادیکال*، ۱ مارس ۲۰۰۸.

گرفته که به رادیو و تلویزون اجازه می‌دهد پخش برنامه به زبان‌های دیگری غیر از ترکی را انجام دهند. اما چنان پیشرفتی "به این سادگی‌هایی نیست که فکر کنید".[1] در نهایت، آیدین گفت: "نه تنها به کُردی، بلکه به زبانهای دیگری نیز که در ترکیه تکلم می‌شوند برنامه پخش خواهد شد. برای ساختن شالوده و زیربنای این کار زمان زیادی لازم است. یافتن و تعلیم کارشناسان لازم و غیره زمان زیادی می‌طلبد."[2]

در واقع، تنها یک روز پس از اظهارات آیدین، دنیز بایکال رهبر حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP)، حزب اپوزسیون اصلی در پارلمان، طی دیداری از جنوب‌شرق که خود عنوان "گشایش کُردی" را برایش برگزید قضیه زبان را در کانون توجه قرار داد. او نیز مانند آیدین گفت از این جانبداری می‌کند که نه فقط کردها بلکه همه گروه‌ها بتوانند از حقشان برای استفاده، آموزش و انتشار به زبان مادری خود بهره ببرند. البته بایکال و آیدین، مانند اردوغان اظهاراتشان را در حالی ابراز می‌کردند که می‌دانستند افرادی که به زبان‌های لازی، قفقازی، یونانی، سریانی، بوسنیایی، ارمنی، عربی، و دیگر زبانهای مورد استفاده در ترکیه صحبت می‌کنند بسیار کمتر از

---

[1] حرّیت، ۵ ژوئن ۲۰۰۸.

[2] همان.

کسانی هستند که به زبان کُردی تکلم می‌کنند. در واقع، در سال ۲۰۰۸ روزنامه‌های ترکیه برآورد کرده‌اند تنها ۱۵۰۰۰ یونانی، ۷۰۰۰۰ ارمنی و ۲۰۰۰۰ یهودی در ترکیه زندگی می‌کنند که از این تعداد نیز اکثر یهودیان فقط به زبان ترکی صحبت می‌کنند. اما همه این زبان‌ها از زمان مساوی و یکسانی برای پخش برنامه در کانال TRT برخوردار می‌بودند. برنامه‌های کُردی به کرمانجی، لهجه اصلی کردهای ترکیه، و همچنین زازا/دمیلی و سورانی پخش می‌شدند که سورانی لهجه اصلی مورد تکلم کردهای ایران و عراق است.[1] واضح است که هدف از پخش برنامه به چندین زبان و لهجه برای کاهش جذابیت ناسیونالیسم کُردی تا حد ممکن، و کاهش مطالبات کردها در سایه تکثرگرایی، چندفرهنگ‌گرایی و تنوعی است که دموکراسی ترسیم می‌کند.

در ۱۱ ژوئن ۲۰۰۸، پارلمان ترکیه قانونی را اصلاح کرد که به شبکه TRT اجازه می‌داد به کُردی برنامه پخش کند. سزگین تانریکولو به قانون جدید پخش برنامه زیاد خوشبین و دلگرم نبود. او به طور قطع اظهار داشت علی‌رغم اختلافات و تفاوت‌های میان رهبران و اندیشمندان کُرد در مورد حمایت از کانال کُردی TRT و این‌که

---

[1] تعداد قابل ملاحظه‌ای از کردها در عراق نیز کرمانجی صحبت می‌کنند، برخی اوقات آنها را بادینانی می‌نامند که به منطقه جغرافیایی محل سکونتشان اشاره دارد.

کانال مزبور چقدر در بین کردها جای خود را باز می‌کند، "بدون اجازه به صاحبان تلویزیون‌های خصوصی برای پخش برنامه به کُردی، این مطالبات [مطالبات گسترده کردها برای پخش بی قید و شرط برنامه به کُردی] برآورده نخواهد شد."[1] کانال TRT ۶ سرانجام در ۱ ژانویه ۲۰۰۹ با هیاهوی بسیار افتتاح شد. در واقع، نخست‌وزیر اردوغان کانال را افتتاح و حتی کلماتی را نیز به کُردی ادا کرد و گفت: "TRT شَش له سه‌ر خیری بی (شاید TRT شش مفید باشد). بدیهی است ایراد عبارت کُردی توسط اردوغان برای نشان دادن این مطلب بود که بطور رسمی تابوی تکلم به کُردی در نهادی حکومتی شکسته شده است. این برای اولین بار بود که یک نخست‌وزیر ترکیه بطور آشکار و برای عموم در رایو یا تلویزیون به کُردی صحبت می‌کرد. با این حال، کارشناسان متذکر شدند رئیس جمهور عبدالله گُل در پیامش به TRT، هیچ کلمه کُردی بکار نبرد که مستلزم استفاده از حروف ممنوعه الفبای کُردی --w (و)، x (خ) و q (ق)- باشد که در ترکی استفاده نمی‌شوند، از این رو هنوز نمی‌توان این حروف را چاپ یا منتشر کرد. پیغام واضح و روشن بود، قضیه زبان کُردی باید با منتهای تلاش و احتیاط مدیریت می‌شد تا از مطالبات پیرامون آموزش به زبان مادری تا حد امکان کاسته می‌شد.

[1] حرّیت، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۸.

جنگ لفظی: استفاده از زبان مادری در جنوب‌شرق

مصادف با تابستان سال ۲۰۰۸ در رقابت بالقوه‌ای بین گروه‌های ناسیونالیست کُرد جنوب‌شرق ترکیه و حکومت بر سر این‌که چه زمان، در کجا و چگونه به کُردی تکلم و مطالب به این زبان چاپ شود صورت گرفت. همزمان با افتتاح کانال کُردی رسمی حکومت برای کمک به هر بچه‌ای برای کسب هویت ملی [ترکی]، گروه‌ها و سازمان‌های کُردی دامنه فعالیت خود را گسترده‌تر کرده و والدین و بچه‌های کُرد را به کسب هویت کُردی (کوردایه‌تی) قوی‌تر تشویق و ترغیب نمودند. در کشمکش بین ناسیونالیسم ترکی و کُردی، "جنگ لفظی" در کانون نبرد حیاتی آنها قرار گرفت.

یک هفته پس از این‌که مدیر TRT، ابراهیم شاهین اعلام کرد حکومت در کمال تعجب روی شبکه تلویزیون ماهواره ای روژ(*Roj*) در دانمارک برنامه پخش می‌کند، معاون رئیس گروه پارلمانی DTP، کاموران یوکسک اعلام کرد حزب جامعه دموکراتیک (DTP) فشار خواهد آورد در قانون جدید آموزش به زبان کُردی تصویب شود. شایان ذکر است یوکسک بر "آموزش به زبان مادری" تأکید کرد نه "آموزش زبان مادری". وی گفت:"ما دروس آموزش زبان کُردی را بصورت نمادین در خیابان‌ها برگزار خواهیم کرد. وقتی پارلمان از سرگرفته شد، ما در جلسات پارلمانی خود میزبان دانش‌آموزانی

خواهیم بود که دوست دارند به کُردی آموزش ببینند. یوکسک مدعی شد،" در این مورد نیز بحث خواهیم کرد که آیا وزراء می‌توانند در پارلمان به کُردی صحبت کنند یا خیر".[۱] صلاح‌الدین دمیرتاش رهبر گروه پارلمانی DTP نیز اضافه کرد "تظاهراتی برای حق آموزش به زبان مادری برگزار خواهد شد. ما در چاچوب طرحی دموکراتیک از این مبارزه حمایت خواهیم کرد."[۲]

یک سازمان جدید کُردی به نام تافگەر و پَروَردَیا کوردی (TZPKürdi) خود را وقف پیشرفت کُردی کرده و دیگران را به تحریم نظام آموزشی دعوت کرد.[۳] یوکسک اظهار داشت حزب جامعه دموکراتیک (DTP) خواستار حمایت از تحریم اعلام شده‌ی سازمان TZP Kürdi شده است. او گفت برخی والدین کُرد جهت اعتراض به نبود زبان کُردی در مدارس، از فرستادن فرزندانشان به مدرسه خودداری کرده‌اند. یوکسک گفت: "من نمی‌توانم بگویم دقیقاً در کجا، اما در دیاربکر، کورتالان و نوسیبین، آموزش نمادین کُردی در وسط خیابانها به عنوان بخشی از راهپیمایی انجام خواهد شد." "مهدی اِکِر، نماینده دیاربکر در پارلمان و وزیر کشاورزی و

---

[۱] *تورکیش دیلی نیوز (TDN)*، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸.

[۲] همان.

[۳] این اطلاعات را از دکتر سلیمان الیک دریافت نمودم.

روستاها، در جلسات، راهپیمایی‌ها و رقابت‌های انتخاباتی به کُردی صحبت می‌کند. اگر استفاده او از زبان کُردی را درست می‌دانند باید آنرا وارد قانون هم بکنند."[1]

در ۲۱-۲۲ سپتامبر، حزب جامعه دموکراتیک (DTP) کنگره سالانه خود را با حضور ۶۰۰ نفر برگزار کرد. دستور کار اصلی کنگره، انتخاب کاندیداها برای انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ بود. اما دومین بخش دستور کار به "*طرح آموزش به زبان مادری*" می‌پرداخت. برخی از حاضران سرودهایی را به ترکی و کُردی در ستایش از عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان (PKK) که در جزیره ایمرالی در دریای مرمره زندانی است خواندند. دیگران هم سرود پیروزی را خواندند و پلاکاردهایی را در دست گرفتند که روی آنها نوشته شده بود، "من می‌خواهم به زبان مادری‌ام آموزش ببینم."[2] لیلا زانا سخنرانی‌اش را کاملاً به زبان کُردی ادا کرد و گفت: "هر کسی زبان خودش را دارد. در این روزهای تیره و تار همه شما باید در این نبرد همراه ما باشید."[3] وقتی بازپرس دیاربکر تحقیقاتی را برای مورد اعتراض قرار دادن کنگره آغاز کرد، بنگی یلدیز، عضو DTP

---

[1] *TDN*، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸.

[2] *TDN*، ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸.

[3] همان.

نماینده باتمان در پارلمان اظهار داشت: "در پارلمان استفاده از زبان کُردی قضیه حساسی است. اما البته طبیعی است که امضاها به کُردی نوشته می‌شوند. این مفهومی طبیعی برای منطقه است و از زمان عثمانی‌ها و توسط کسانی هم که جمهوری را پایه‌گذاری کردند، مورد استفاده قرار گرفته است."[1]

در روزهای آخر سپتامبر، "جنگ لفظی" بر سر قضیه آموزش زبان کُردی شدیدتر شد. در ۲۶ سپتامبر اعلام شد برخی شهرها و شهرداری‌ها آگهی‌ها و اطلاعیه‌های عمومی را به زبان کُردی منتشر کرده‌اند. بصورت همزمان، مقامات *پلاتفرم آموزش زبان کُردی*[2] اعلام کردند از این پس روابط رسمی و اداری و آگهی‌های عمومی در استان آگری و دوغوبایزید به زبان کُردی انجام خواهد شد. همچنین مقامات اظهار داشتند چاپ چند زبانه در استان‌های حکّاری و یوکسکوا به پیروی از کار عبدالله دمیرباش در سال ۲۰۰۶ به عنوان شهردار منطقه سور، صورت خواهد گرفت. خانم گل‌جهان شمسک، شهردار منطقه بستانچی وان گفت او همیشه در میان مردم کُردی صحبت می‌کند، و هر وقت فرصتش پیش بیاید، بیانیه‌های رسمی نیز به زبان کُردی صادر خواهند شد.

---

[1] *صباح*، ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸.

[2] Kürt Dili Eğitim Platformu

ناصر آراس شهردار منطقه بولانیک شهر موش اعلام کرد که بیانیه‌ها به زبانی که در منطقه زبان غالب است، یعنی کُردی، انجام خواهد شد. شهردار دوغوبایزید، مقدس کوبیلای خاطر نشان کرد که او نیز مانند بسیاری شهرداران دیگر کُرد با مردمی که به دفترش مراجعه می‌کنند کُردی صحبت می‌کند. او گفت:"مقامات دوغوبایزید مایلند کاری را بکنند که عبدالله دمیرباش در سور انجام داد اما از این‌که محاکمه، بازداشت یا زندانی شوند می‌ترسند." وی گفت:"اما هم اکنون برخی اوقات بیانیه‌هایمان را به زبان کُردی منتشر می‌کنیم. این چیزی است که مردم می‌خواهند. مردم می‌گویند: 'آگهی‌ها و بیانیه‌ها صادر می‌شوند اما به دلیل اینکه به زبان ترکی هستند، ما آنها را نمی‌فهمیم.' در نتیجه، ما مجبور شدیم بیانیه‌های رسمی‌مان را به کُردی منتشر کنیم."[1]

ورود سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) ترکیه به کشمکش "آموزش به زبان مادری"

یکی از قراینی که نشان می‌داد مبارزه کردها برای کسب حق آموزش زبان کُردی بر تفکر حکومت رسمی اثر گذاشته است، انتشار گزارشی توسط اتاق فکر مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه

---

[1] *Milliyet.com.tr*، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۸.

(TESEV) بود. TESEV گزارش خود را تحت عنوان " نقشه راه برای حل مسئله کُردی: طرح‌هایی از منطقه به حکومت" منتشر کرد. گزارش بر اساس مصاحبه‌های گسترده‌ای با سیاست‌مداران و اندیشمندان کُرد جنوب‌شرق بود. محققان برای تهیه گزارش حتی با نویسنده مشهور کُرد یاشار کمال نیز مصاحبه کردند. او علی‌رغم این‌که رمان‌هایش را عمدتاً به ترکی نوشته، به طور قطع از این طرفداری می‌کرد که باید فضای بسیار بیشتری برای زبان کُردی فراهم گردد. قابل توجه این‌که، کمال با این وجود خواستار "آموزش به زبان مادری" نبود.[1] هر چند موسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی (TESEV) به موضوعات متنوعی می پرداخت اما تمرکز اصلی آن بر قضیه زبان بود. گزارش خاطر نشان کرد که اگر چه اکنون پخش برنامه به زبان کُردی، همانند پخش برنامه به دیگر زبان‌ها کار مثبتی است اما اعطای چنین امتیازاتی مطالبات ناسیونالیست‌های کُرد را برآورده نمی‌کند. در گزارش TESEV توصیه‌های زیر آمده است: قانون اساسی و قانون بنیادی آموزش ملی باید به گونه‌ای تغییر یابد که کُردی به عنوان دومین زبان یا زبان ترجیحی تعلیم شناخته شود؛ قوانین مانع اجتماع و آزادی بیان باید برداشته شوند؛ نام مکان‌هایی که از کُردی (و دیگر زبان‌ها) به ترکی تغییر یافته، باید به نام اصلی خود

---

[1] حرّیت، ۲۶ دسامبر ۲۰۰۸.

بازگردانده شوند؛ واعظین در مساجد باید همانند ترکی اجازه سخنرانی به کُردی را نیز داشته باشند؛ برای اشتغال به کار در مراکز درمانی جنوب‌شرق، باید اولویت به کسانی داده شود که کُردی می‌دانند؛ در دادگاه‌ها و نظام قضایی منطقه باید افرادی به کار گماشته شوند که کُردی می‌دانند؛ در سالن‌های دولتی تئاتر باید به کُردی نمایش اجرا شود و باید نهادهای کُردی ویژه زبان و ادبیات کُردی دایر شوند.[1]

چنگیز چاندار، یکی از معتبرترین روزنامه‌نگاران ترکیه که نقدی بر گزارش TESEV نوشت، اظهار داشت علاوه بر توصیه‌های TESEV درباره استفاده از زبان کُردی، وی مایل است زبان کُردی نیز به عنوان زبان رسمی در کنار زبان ترکی پذیرفته شود. او نیز فکر می‌کرد علایم جاده‌ای باید به هر دو زبان باشند. معلوم نبود چاندار منظورش فقط برای جنوب‌شرق بود یا سرتاسر ترکیه، با این حال به نظر می‌رسید وی پیشنهاد می‌کند این کار باید برای همه ترکیه انجام شود. چاندر هشدار داد که هیچ کدام از توصیه‌های مذکور در مورد زبان، حتی اگر اجرا شوند، در صورت به رسمیت شناخته نشدن هویت کُردی، در حل مسئله کُردی مؤثر نخواهند بود. مهم نیست چقدر بر "موهبت بودن

[1] *رفرانس*، ۱ ژانویه ۲۰۰۹. این گزارش توسط جنگیز چاندار نوشته شده، او عنوان زیر را برای آن برگزید: "هویت کُردی=زبان مادری؛ زبان مادری=کُردی."

تفاوت‌ها" تأکید شود، بلکه مهم این است که در صورت به رسمیت شناخته نشدن هویت کُردی، همه آن کارها "به صورت نوعی ریاکاری تاریخی باقی می‌ماندند."[1] او همچنین متذکر شد افزایش تلاش‌های دولت و نهادهای مختلف برای پاسخگویی به مسئله کُردی در نتیجه پیشرفت‌های عراق بوده که در قانونش، زبان کُردی را در کنار زبان عربی به عنوان زبان رسمی دوم کشور پذیرفته است. چاندار خاطر نشان کرد:"از آنجا که به نسبت عراق، کردهای بیشتری در ترکیه زندگی می‌کنند، آیا ما (ترکیه) می‌توانیم در قضیه حقوق زبان مادری کردها را راضی کنیم؟ از آنجا که سیاست انکار و آسیمیله کردن ترکیه نتیجه نداده، بنابراین ترک‌ها باید ثابت کنند(با تمام وجود و رگ و پی‌شان)می‌خواهند با کردها زندگی کنند، و از این طریق است که می‌توانند کردها را راضی کنند که با آنها یکپارچه بمانند. با به رسمیت شناختن زبان و هویت کُردی، ترکیه به صلح و آرامش دست می یابد. انجام چنین کاری مشکل است؟" چاندار گفت: "ادامه راهی که می‌پیماییم بسی مشکل‌تر است."[2] شایان ذکر است در یکم ژانویه ۲۰۰۹ شواهد کمی حاکی از آمادگی دولت برای اجازه تأسیس و تجهیز دانشکده‌های کُردشناسی در دانشگاه‌های بزرگ وجود

---

[1] همان.

[2] همان.

داشت، با این حال متعاقباً اجازه تدریس زبان کُردی در دانشگاه آتاتورک در ماردین داده شد. مجوز دانشگاه آتاتورک شامل تأسیس یک دانشکده کُردشناسی نبود بلکه اجازه تدریس زبان کُردی در یک انستیتوی زبان‌های زنده ویژه زبان‌های کُردی، عربی، سریانی و ارمنی به علاوه زبان‌های اروپایی بود. واضح بود که دولت ترک هنوز درصدد کمرنگ، تضعیف و مدیریت ناسیونالیسم کُردی تحت عنوان گوناگونی و تکثرگرایی بود. قابل ذکر است که گزارش TESEV هیچ اشاره‌ای به آموزش زبان مادری نکرد، چه برسد به آموزش به زبان مادری.

به نظر می‌رسد دلایل متعددی برای این امر وجود داشت. یک، مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه (TESEV) و کسانی که از توصیه‌های آن طرفداری می‌کردند خیلی امیدوار بودند که امتیازات اعطایی در زمینه زبان، طرفداری از آموزش زبان مادری یا آموزش به زبان مادری را کاهش دهد، و جلوی کردهای ترکیه را برای مطالبه خودمختاری سیاسی بیشتر چه در قالب طرح‌هایی برای نظام اداری استانی متفاوت یا دیگر اشکال نظام‌های تمرکززدایی بگیرد. این حامیان متوجه شده بودند بیان *کوردایه‌تی* که بطور روزافزونی میان کُردها تقویت می‌شود تحت تأثیر رشد و کمال جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در عراق است، و می‌تواند در آینده به درخواست

کردها در ترکیه برای کسب اشکال مشابهی از خودمختاری سیاسی کردهای عراق شود. این امر، متعاقباً، تلاشهای ترکیه برای باقی ماندن به عنوان یک کشور متحد تحت لوای ناسیونالیسم ترکی را بیشتر به چالش می‌کشد. در چنان وضعیتی، دولت فقط با کنترل روزافزون پلیس و ارتش قابل اداره است و نیروی اجبار دولت در نتیجه جنگ داخلی کم شدت مداوم بین دولت و کردها ادامه دارد. بسیاری از طرفداران گزارش TESEV امیدوار بودند، چه خودشان از حزب عدالت و توسعه (AKP) طرفداری بکنند یا نه، این حزب در انتخابات محلی در شرف انجام در ۲۹ مارس ۲۰۰۹ نسبت به انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ آرای بیشتری کسب کند. کسب چنان سهم بالقوه‌ای (توسط AKP) می‌تواند حزب جامعه دموکراتیک (DTP) را در پارلمان از بین برده، در سراسر ترکیه بویژه در جنوب‌شرق به حاشیه رانده، و کاهش جذابیت حزب کارگران کردستان (PKK) را در پی داشته باشد. این جریانات فرصت‌هایی برای پرداختن به قضایای معوق بین ناسیونالیستهای میانه‌رو کُرد و طرفدارانشان بوجود می‌آورد. اما قضیه حیاتی این خواهد بود که آیا دولت اجازه آموزش زبان مادری را خواهد داد؟! آموزش به زبان مادری که اصلاً مد نظر قرار نمی‌گیرد.

به این دلایل مذکور است که ناسیونالیستهای کُرد به طور قطع با افتتاح کانال تلویزیونی TRT۶ مخالفت می‌کردند. رهبران DTP و

PKK افتتاح کانال ۶ را نوعی سیاست "نگهبان فرهنگی" مشابه نظام نگهبانان روستا می‌دانستند، که صدها هزار کُرد بواسطه آن طی ۳۰ سال گذشته در کنار دولت علیه جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی همکاری کرده‌اند. اگر سیاست "نگهبان زبان" مؤثر واقع شود، به احتمال خیلی زیاد خواهد توانست کردها را به کاهش حمایت فعال و غیرفعال از حزب کارگران کردستان (PKK) یا حزب جامعه دموکراتیک (DTP) یا دیگر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی بکشاند؛ این امر تبعات سنگینی برای PKK و DTP خواهد داشت. اگر چنین چیزی روی دهد، سیاست‌هایی چون توصیه‌های DTP برای برقراری یک نظام استانی جدید برای حکومت بطور کامل به دست فراموشی سپرده خواهند شد.

تمرکز زدایی اداری برای ترکیه

مقامات دولت ترکیه، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان‌های اطلاعاتی و احزاب سیاسی امیدوار بودند امتیازات داده شده به کردها در قضیه زبان، بدون اجرای آموزش زبان مادری یا آموزش به زبان مادری، سبب بازداشتن کردها و ناسیونالیست‌های کُرد میانه‌روتر در جانبداری و پیگیری سناریوهای متفاوت تمرکززدایی نظام اداری ترکیه شود. این سناریوها با شعار ترکیه دیگر بیش از این نمی‌تواند از

آنکارا اداره شود، در حال پیگیری بودند. در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۸ که عید روز جمهوری در ترکیه است، اعضای پارلمانی حزب جامعه دموکراتیک (DTP) اطلاعیه‌ای در پارلمان با عنوان *طرح راه‌حل دموکراتیک DTP برای مسئله کُرد* منتشر کردند. اعضای پارلمانی DTP اطلاعیه را به زبان‌های ترکی، انگلیسی و همچنین کُردی منتشر نمودند. نمایندگان پارلمان اظهار داشتند این برای اولین بار بوده که اطلاعیه‌ای به زبان کُردی در پارلمان پخش شده است. این رویداد نیز تأکید مجددی بود بر اهمیتی که مسئله زبان در جدال ناسیونالیستی کُردی-ترکی می‌یافت.[۱]

هر چند "طرح خودمختاری" حزب جامعه دموکراتیک (DTP)، از آنجایی که اولین بار به عنوان بخشی از دومین کنگره فوق‌العاده DTP در سال ۲۰۰۷ منتشر شد، برای نمایندگان پارلمان ترکیه شناخته شده بود، طرح مذکور فقط به دلیل انتشار در پارلمان در مراسم روز جمهوری در معرض دید ملی قرار گرفت. حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در اطلاعیه خود امکان تداوم شعارهای مداوم نخست‌وزیر تحت عنوان یک ملت، یک دولت، یک پرچم و یک مردم را به چالش نکشید، با این حال مطالبات کردها در مورد زبان حاکی از آن بود که به نظر آنها در ترکیه دو (دسته) مردم وجود دارد؛ نه یک

---

[۱] *TDN*، ۳۰اکتبر ۲۰۰۸؛ *رادیکال*، ۳۱اکتبر ۲۰۰۸. مبحث ذیل بر پایه این دو گزارش است.

مردم، همچنین دو ملت وجود دارد؛ نه یک ملت، اما DTP نظام ۸۱ استانی کنونی حکومت ترکیه را به چالش کشید. DTP نوشت که راه‌حل دموکراتیک خود را در مورد مسئله کُردی برای بهبود ساختار اداری کهنه، مرکزگرا، دیوان سالار و بدترکیب ۸۱ استانی کنونی به ۲۰ الی ۲۵ منطقه خودمختار پیشنهاد می‌کند. چنان نظامی این اطمینان را بوجود می‌آورد که مدیران محلی اختیار تصمیم‌گیری در این مورد را بدست آورده‌اند که به چه زبانی تکلم و کدام پرچم برافراشته گردد.

سخنگویان حزب جامعه دموکراتیک (DTP) روشن ساختند که طرح مزبور از هیچ نوع نظام فدرالی یا خودمختاری قومی طرفداری نمی‌کند. با این وجود، هر منطقه‌ای قادر خواهد بود نمادها، رنگ‌ها و پرچم‌های استانی خود را برگزینند. چنین نظام غیرمتمرکزی خواهد توانست تا حدود زیادی سبب بهبود نظام متمرکز کنونی شود که از نظر بوروکراتیک بطور روزافزونی رشد کرده و غیرقابل مدیریت می‌شود. اما طرح خودمختاری DTP طی سال ۲۰۱۰ در دنیای سیاست ترکیه طنین‌انداز شد. طرح مزبور به وضوح توسط حزب کارگران کردستان (PKK) نیز مورد حمایت قرار گرفت. در ژوئن ۲۰۱۰ جمیل بایک، از رهبران اصلی حزب کارگران کردستان (PKK)، از قرارگاه فرماندهی‌اش در کوه‌های قندیل در عراق، اظهار داشت سیاست و خط

مشی حزب کارگران کردستان (PKK) استقلال کامل از حکومت مرکزی است. بایک گفت در آینده نزدیک PKK "خودمختاری دموکراتیک" اعلام می‌کند.[1] وی بر این باور بود اگر کردها راه‌حلی واحد برای پیگیری حل سیاسی دموکراتیک مسئله کُردی از خود نشان می‌دادند، موفق می‌شدند. او همچنین اظهار داشت دولت این راه‌حل معقول را خراب کرده است. بایک گفت مخالفت دولت ترکیه با این راه‌حل معقول بدان معناست که کردها اکنون خودشان باید به خودمختاری دموکراتیک دست یابند. قابل توجه این‌که، بایک اظهاراتش را اندکی پس از دیدار حزب صلح و دموکراسی (BDP) با همه اعضای ۹۹ شهرداری و شورای شهرها و شهرک های جنوب‌شرق ایراد نمود. در جلسه مزبور BDP تصمیم گرفته بود در راستای کسب خودمختاری شهرها و شهرک‌ها از حکومت مرکزی تلاش کند. حزب صلح و دموکراسی (BDP) مبنای حقوقی خواسته‌اش را بر قانون اداری محلی اتحادیه اروپا قرار داد[2]. حدود دو ماه بعد، صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر گروه پارلمانی حزب صلح و دموکراسی (BDP) دوباره مطالبات حزبش پیرامون خودمختاری دموکراتیک را تکرار کرد و گفت مهم نیست دولت ترکیه چه می‌کند هیچ کس نباید

---

[1] *تاراف*، ۲۵ ژوئن ۲۰۱۰ به نقل از منابع خبری *آژانس خبری فرات* (*Firat News Agency*).

[2] همان.

شک کند که "دیر یا زود" این قضیه خود را نشان می دهد. وی گفت در نهایت همه خواهند توانست "هوای آزادی را تنفس کنند."[1]

در ۲۲ اکتبر ۲۰۱۰ دمیرباش به همراه شهردار دیاربکر عثمان بایدمیر، دوباره در جلسه اتحادیه شهرهای آناتولی جنوبی پشت تریبون قرار گرفتند و در مورد کارگاه "چارچوب اداره محلی اروپا و اداره محلی در ترکیه" سخنرانی کردند. اول بایدمیر سخنرانی کرد و در سخنانش تکرار نمود که نیاز مبرمی به تمرکززدایی نظام اداری ترکیه وجود دارد و فقط در چنان چارچوبی مسئله کُردی قابل حل است. اما او گفت، به عنوان شهردار شش سال اخیر، او و کارکنانش نتوانسته‌اند نظام اداری محلی اروپا را پیاده کنند زیرا همه افراد مجرب و نخبه مورد نیاز برای انجام این کار زندانی شده‌اند. او به حدود ۱۵۰۰ نفر زندانی اشاره داشت که در ۱۴ آوریل بازداشت شدند. این افراد تنها ۱۵ روز پس از انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ و عملکرد بسیار بهتر DTP از آنچه انتظار می‌رفت دستگیر شدند. بایدمیر بخصوص به محاکمه‌ای اشاره داشت که بعداً در دیاربکر علیه ۱۵۱ کُرد که ۱۳۱ نفر از آنها در بازداشت بودند اجرا شد. در میان افراد زندانی، بازداشتی و به قید ضمانت آزاد شده، تعداد زیادی از اعضای BDP، مجریان سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) و اعضای مؤسسه حقوق بشر

---

[1] *رادیکال*، ۱ سپتامبر ۲۰۱۰.

(IHD) وجود داشتند. ۱۵۱ نفر مزبور به عضویت در انجمن‌های دموکراتیک کردستان/شاخه ترکیه (KCK/TM) متهم شدند.

گمان بر این بود که انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) شاخه شهری حزب کارگران کردستان (PKK) در سراسر ترکیه است که شاخه‌های در سوریه، ایران و عراق نیز دارد. ترکیه نیز مدعی بود که KCK سازمانی واسطه بین PKK و BDP است. همان گونه که قبلاً ذکر شد، به دلیل شباهت طرح‌های خودمختاری BDP و PKK به یکدیگر، می‌توان این گونه استنباط کرد که روابطی بین همه‌ی سه نهاد مزبور –PKK، KCK و BDP– وجود دارد، با این حال تفاوتها و اختلافاتی نیز بین هر سه آنها وجود داشته و دارد. در این مورد بعداً به بحث می‌پردازیم. اما شکوه و گلایه بایدمیر از زندانی، تعقیب، بازداشت و آزار و اذیت دائم اعضای حزب صلح و دموکراسی (BDP) و انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) بود چرا که (این کار دولت) تقریباً امکان بنیانگذاری هرگونه نظام اداری محلی مؤثر و کارآمد و پاسخگو را از کردها سلب می‌کرد. البته این کار می‌توانست به عنوان بخشی از سیاست‌های دولت ترکیه برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی و کاهش چالش‌های ناشی از ناسیونالیسم کُردی باشد و بدون شک مقصود دولت ترکیه نیز همین بوده است. بایدمیر به حاضران گفت، توجه داشته باشند که قضیه تمرکززدایی و اداره محلی نه تنها

برای جنوب‌شرق و مناطق اکثراً کردنشین ترکیه بلکه برای همه ترکیه لازم است. او نیز متقاعد شده بود که مسئله کُردی قابل حل نیست مگر این‌که در چارچوب حکومتی با تمرکززدایی بیشتر قرار گیرد. او گفت به توانایی‌های مردم عادی دیاربکر برای همکاری جهت نیل به موفقیت حکومت محلی قوی و مشارکتی اطمینان دارد.

صلاح‌الدین دمیرتاش سپس به انتقاد از نخست‌وزیر اردوغان پرداخت و گفت، وی به اندازه یک سلطان عثمانی مستبدانه عمل می‌کند. دمیرتاش گفت، اگر BDP طرحی برای متلاشی کردن ترکیه ارائه کرده، اردوغان خود این کار را انجام داده است. اگر مأموریت او این است باید برای جلوگیری از این اتفاق هر کاری انجام داد. دمیرتاش اعلام داشت که، BDP چنان طرحی ندارد. از زمان تأسیس جمهوری ترکیه این کشور دارای حکومت مرکزی خودکامه بوده و در دوران ۸ سال حکومت حزب عدالت و توسعه (AKP) این شیوه حکومتی قویتر نیز شده است. در این مرحله از سخنان بود که دمیرتاش تأکید کرد ترکیه دیگر نمی‌تواند از آنکارا اداره شود. او گفت: تنوع قومی، مذهبی، زبانی و اعتقادی در ترکیه تمرکززدایی را به امری الزامی تبدیل کرده است. او تأکید زیادی کرد که لازم است همه مردم ترکیه و نه فقط کردها در مورد این مسائل به بحث بپردازند، با این حال ملی شدن بحث به حل مسئله کُردی هم کمک می‌کند.

سپس در ادامه دمیرتاش گفت یکی از دلایل این‌که کردها در ترکیه آرزو و امید به داشتن کشوری جداگانه را رها کرده‌اند، بخاطر باور به این امر است که مطالباتشان در چارچوب کشور غیرمتمرکز و واقعاً دموکراتیکی قابل تحقق است. کشور کُردی بدون دموکراسی جوابگوی نیازها و مطالبات کردهای امروز ترکیه نخواهد بود. رهبر حزب صلح و دموکراسی (BDP) گفت، هیچ کس در ترکیه بجز BDP چنان طرح اداری دموکراتیکی ندارد.

ناتوانی حکومت مرکزی در بحث پیرامون قضایای کردها، علویان، غیرمسلمانان و آموزش به زبان مادری بیشتر به خاطر وجود ساختار حکومتی بسیار متمرکز است. دمیرتاش گفت کلید حل این قضایای وابسته به اجتماع در پذیرش مدل‌های اداری خودمختار است.[1]

یک روز پس از سخنرانی در کنفرانس شهرهای جنوب آناتولی، دمیرتاش دوباره به قضیه زبان پرداخت و گفت نه حزب صلح و دموکراسی (BDP)، و نه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) یا حزب کارگران کردستان (PKK) نخواسته‌اند آن‌گونه که در عراق زبان کُردی در کنار زبان عربی به عنوان زبان رسمی پذیرفته شده در ترکیه نیز در کنار زبان ترکی به زبان رسمی کشور تبدیل شود. دمیرتاش اظهار داشت که بنا به دیدگاه وی سخنرانی احمد ترک به

---

[1] همان.

زبان کُردی در پارلمان "نقاب روی مسئله کُردی را برداشت."[1] او متذکر شد مردم می‌گویند "گشایش کُردی" و حکومت آن را به "گشایش دموکراتیک" تغییر داد اما این تغییر برای کسانی نیست که زبان مادری آنها کُردی است بلکه برای دولت است.

او خاطر نشان ساخت، نه تنها پخش برنامه کُردی در TRT بلکه سخنرانی احمد ترک به زبان کُردی در پارلمان مورد انتقاد همه از جمله رئیس ستاد نیروهای مسلح ترکیه قرار گرفت. آنها سخنرانی احمد ترک را به عنوان کاری "غیرقانونی" قلمداد کردند اما پخش برنامه کُردی در TRT را "گشایش فرهنگی" می دانند. پس می‌توان گفت تکلم به کُردی برای کردها ممنوع و برای دولت آزاد است. علاوه بر این، او گفت این در حیطه اختیارات نیروهای مسلح ترکیه (TAF) نیست که تعیین کنند در پارلمان چه چیزی گفته شود. دمیرتاش متذکر شد طعنه آمیز است که نخست‌وزیر می‌تواند همان گونه که در مراسم افتتاحیه کانال ۶ TRT این کار را کرد، به زبان کُردی صحبت کند و بدین ترتیب قانون احزاب سیاسی ترکیه را نیز نقض نماید. رهبر پارلمانی BDP تأکید کرد نمی‌توان با سرهم بندی قانون کنونی ترکیه مسئله کُردی را حل نمود؛ حل این مسئله فقط با

---

[1] بیانت (*Bianet*)، ۲۳اکتبر ۲۰۱۰.

گنجاندن آن در قانون اساسی جدید و چارچوب بزرگتر دموکراتیزه سازی میسر است.

دمیرتاش سپس تکرار کرد که کردها و حزب صلح و دموکراسی (BDP) درخواست نکرده‌اند که زبان کُردی مانند حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) به زبان رسمی تبدیل شود و زبان ترکی به عنوان زبان رسمی حکومت باقی خواهد ماند. با این وجود، در اداره حکومت محلی زبان‌های دیگر باید اجازه داشته باشند بنا به نیازها و اختیارات آنها مورد استفاده قرار گیرند. در برخی حکومت‌های محلی زبان کُردی می‌تواند به دومین زبان تبدیل شود. او تأکید کرد ماده ۴۲ قانون اساسی کنونی که تصریح کرده آموزش باید به زبان ترکی باشد باید تغییر کند و ماده ۶۶ نیز که شهروندی را با اصطلاح قومی [ترکی] تعریف نموده باید تغییر یابد. قانون اساسی جدید باید این امر را به رسمیت بشناسد که ترکیه جامعه‌ای چند فرهنگی با گروه‌های قومی متفاوت دارد. جالب توجه این‌که، دمیرتاش همچنین اظهار داشت که ایالات متحده دیگر نباید خواستار انحلال PKK شود، بلکه باید مسئله کُردی را با خط مشی‌ها و سیاست‌های چندگانه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد بحث قرار دهد. او گفت BDP با چنان سیاست‌هایی موافق است و هر کاری که ممکن باشد انجام خواهد داد تا نشان دهد

این سیاست‌ها موفق بوده‌اند، اما او متذکر شد که BDP فقط یکی از چندین بازیگر (سیاسی) است.[1]

گشایش دموکراتیک: قانون و عدالت در قضیه کُردی[2]

سزگین تانریکولو در مورد قضایای قانون و عدالت در ترکیه، بویژه پیرامون مسئله کُردی با دمیرتاش هم‌نظر بود. او استدلال کرد این قضایا تنها از طریق یک قانون اساسی جامع و جدید قابل حل هستند. وی تأکید کرد در قانون جدید باید سه اصل را پوشش دهد:

اصل اول؛ به رسمیت شناختن آموزش به زبان مادری است.

اصل دوم؛ جایگزینی تعریف شهروندی بر اساس هویت قومی ترکی با مفهوم اساسی و بنیادین شهروندی است که برای همه هویت‌های قومی موقعیت یکسان و مشابهی قائل شود.

اصل سوم؛ تقویت ادارات محلی است.

او تأکید کرد این سه اصل باید در کنار پنج اصل دیگر قرار گیرند: ۱- نفی جانبداری قومی ۲- به رسمیت شناختن تفاوت فرهنگی ۳-

---

[1] همان.

[2] این عنوان همانند عنوان مقاله سزگین تانریکولو است که در ماه اکتبر در نشریه *گونجل هوکوک* (*Güncel Hukuk*- نشریه حقوق معاصر) در ترکیه منتشر کرد. من بطور کلی این مقاله را خلاصه کرده‌ام. برداشت تانریکولو و دیدگاهش در مورد سیاست ترکیه و سیاست این کشور در قبال مسئله کُردی را که در سراسر این مطلب روشن است، مورد پذیرش من نیز هست.

حقوق فرهنگی ۴-تمرکززدایی اداری ۵-تقویت مشارکت دموکراتیک.

این هشت اصل فقط در چارچوب دموکراسی قابل اجرا بوده و باید در مقدمه قانون اساسی ذکر شوند. شهروندی بنیادین بدان معناست که تعریف شهروندی فارغ از هرگونه دلالت ضمنی بر تعلقات قومی، مذهبی یا فرهنگی است. تنوع فرهنگی و حقوق فرهنگی در وهله اول شامل حق آموزش به زبان مادری است. تقویت ادارات محلی برای حصول اطمینان از استحکام دموکراسی لازم است.

تانریکولو تأکید کرد که اگر در پی جامه عمل پوشاندن به واقعیت و عدالت باشیم، نظام نگهبانان روستا باید منحل شود. وی اظهار داشت در ۲۰ مارس ۲۰۰۹ تعداد ۷۱۹۰۷ نفر نگهبان روستا عمدتاً در مناطق کردنشین وجود داشت. او متذکر شد که در برهه زمانی از ژانویه ۱۹۹۹ تا مارس ۲۰۰۹ نگهبانان روستا مرتکب ۱۶۱۳ مورد نقض حقوق بشر شده‌اند. قضیه شایان ذکر اساسی دیگر، قضیه املاکی است که در نتیجه کوچ یا مهاجرت اجباری حدود ۲ میلیون کُرد از ۳۴۲۸ روستا، مزرعه و کشتزار بوجود آمدند. غرامت دولتی برای خسارات تحت عنوان "جنگ علیه ترور" یعنی مهاجرت‌های اجباری در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۸ متوقف شدند که باید پرداخت آنها دوباره صورت گیرد. این کار در مورد همه افراد مفقودالاثر و مقتول توسط مهاجمین نیز صدق

می‌کند. بعلاوه، برای تسکین آلام و کاهش تلخی‌ها، باید قتل‌ها و ضرب‌وشتم‌هایی که طی ۳۰ سال گذشته روی داده توسط کمیته‌ای حقیقت‌یاب بررسی شوند.

قضیه مهم دیگر که قابل ذکر است قضیه زندان دیاربکر است که اگر نه هزاران، حداقل صدها کُرد از سال ۱۹۸۰ به این سو در آن زندانی شدند و بسیاری از آنها در معرض شکنجه‌هایی قرار گرفتند که منجر به قتلشان شد. تانریکولو خاطرنشان کرد که این زندان نباید مورد استفاده قرار گیرد. در واقع، چند ماه پس از این‌که وی این مطالب را نوشت، نخست‌وزیر اردوغان توصیه کرد زندان مذکور تخریب شود. اما مردم دیاربکر درخواست کردند برای یادبود میراث رنج‌ها و به یاد کسانی که در آن فوت کرده‌اند، زندان به موزه تبدیل شود. او همچنین خواستار پایان دادن به حبس بچه‌ها شد که چند صد نفر از آنها در زندان‌های ترکیه بودند. وی از پارلمان ترکیه نیز خواست حق آزادی بیان بدون ترس از زندانی شدن، اجازه به خانواده‌های کُرد برای انتخاب اسامی‌کردی برای فرزندانشان و بازگرداندن اسامی اماکن جغرافیایی به نام‌های کُردی اصلی‌شان را تصویب کنند. همه موارد فوق می‌توانند با آموزش به زبان کُردی و ایجاد مؤسسه کُردشناسی و دانشکده زبان و ادبیات کُردی تقویت شوند.

محاکمه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) در دیاربکر

محاکمه ۱۵۲ نفر از فعالان کُرد که ۱۰۴ نفر از آنها در بازداشت به سر می‌بردند، در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۰ در دیاربکر شروع شد و به مرور همه امور را تحت تأثیر قرار داد. دولت همه فعالان مزبور را به عضویت در *انجمن‌های دموکراتیک کردستان/کنگره ترکیه* متهم کرد. KCK مخفف عبارات کُردی *کوما جواکن کوردستانه* است و عبارت متصل *کنگره ترکیه* بدین خاطر اضافه شده که KCK دارای شاخه‌هایی در ایران و سوریه نیز هست. گمان بر این بود که KCK شاخه شهری PKK است و بطور تنگاتنگی با هم پیوند دارند و آنها وسیله‌ای برای اجرای سیاست‌های PKK در شهرهای کشورهای محل فعالیت آن است. اگر چه حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب صلح و دموکراسی (BDP) مدعی هیچ نوع رابطه سیاسی با انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) نشده‌اند، با این حال بسیاری از اندیشمندان و روزنامه‌نگاران ترکیه که یکی از آنها مومتازر تورکونه است، استدلال کرده‌اند بین KCK، PKK و BDP روابط نزدیکی برقرار است. تورکونه مانند بسیاری روشنفکران ترک، PKK را یک سازمان ترور می‌دانست که "با ترور و حملات خشن در پی دستیابی به اهدافش" است.[1] اما تورکونه استدلال می‌کند حزب کارگران کردستان (PKK)

---

[1] *تودیز زمان*، "KCK چگونه سازمانی است؟"، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰.

علاوه بر سازمان ترور بودن، همان‌گونه که از عنوانش پیداست، حزبی سیاسی است. با این حال، برخلاف PKK، انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) سازمانی مخفی است که با PKK پیوند اساسی دارد. اغلب اعلام می‌شود حزب صلح و دموکراسی (BDP) بخشی از پیکره حزب کارگران کردستان (PKK) است، این بدان معناست که BDP بخشی از پیکره KCK نیز هست. علاوه بر این، تورکونه استدلال می‌کند KCK به عنوان جانشینی بجای دولت عمل می‌کند؛ "(انجمن‌های دموکراتیک کردستان/KCK) همه مسئولیت‌های یک دولت را به نحو مناسبی به عهده گرفته و قدرت دولت را در ابعاد محلی بکار می‌برد. KCK مدرسه می‌سازد و کسانی را که از قوانینش عدول می‌کنند تنبیه می‌نماید."[1] تورکونه استدلال می‌کند که مجادله دولت و انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) برای کسب قدرت در جنوب‌شرق ترکیه است و در صورتی که مردم جنوب‌شرق ترکیه تحت اقتدار KCK یا آن را بپذیرند این نهاد خیلی تقویت می‌شود. به زعم وی این وضعیت در مورد استان حکّاری نیز که در عمق منطقه جنوب‌شرق واقع شده صدق می‌کند. در ادامه او اظهار داشت که نیروهای مسلح ترکیه (TAF) "تنها کاری که می‌کنند نادیده گرفتن سیادت انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) است مبادا که توجه

---

[1] همان.

به آنها سبب افزایش تنش شود." به نظر می‌رسید دولت از برخورد مؤثر و کارآمد با KCK عاجز است و محاکمه‌ای که در دیاربکر به راه انداخت مؤید این گفته بود.[1]

امره اوسلو از اعضای سابق پلیس ملی است که برای ادامه تحصیل به کانادا و ایالات متحده رفته در آنجا مدرک دکترای تخصصی خود را اخذ کرده است و هم اکنون در دانشگاه یدیتپه تدریس می‌کند. اوسلو در مورد خصوصیات انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) تا حدودی با تورکونه اختلاف نظر دارد.[2]

به زعم اوسلو، بنا به اساسنامه انجمن‌های دموکراتیک کردستان، "KCK سیستمی است که از نظامی دموکراتیک، اجتماعی و کنفدرال طرفداری می‌کند. در این نظام دموکراسی به معنای برابری، آزادی و احترام و سبک زندگی بوم شناختی است. این نهاد دارای ساختار سازمانی دو جنبه‌ای است. مردم از طریق ابلاغیه‌های رسمی، نمایندگان، کنگره‌ها و پارلمان‌های محلی در این نظام مشارکت می‌کنند. در نظام مزبور مردم از طریق حکومت‌های منتخبی که باید قابل اتکا باشند خود را اداره می‌کنند."[3]

---

[1] همان.

[2] *تودیز زمان*، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۰.

[3] همان. اوسلو این گفته را از ماده ۲ اساسنامه KCK نقل کرده است.

بنا به این خصوصیات انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK)، که بر پایه اساسنامه خودش است، اوسلو اظهار داشت KCK مسئول جذب نیروی شبه‌نظامی جدید و سازماندهی فعالیت‌ها برای پشتیبانی شبه‌نظامیان حزب کارگران کردستان (PKK) است. اوسلو استدلال می‌کند که KCK طبق قانون ترکیه به وضوح سازمانی غیرقانونی است و باید به این خاطر مورد اتهام قرار گیرد. وی اظهار داشت: "اعلام جرم علیه آنها نتوانسته نشان دهد که افراد متهم شده واقعاً مرتکب هرگونه خشونتی شده باشند."[۱] وی گفت: "احتمالاً آنها با سازمان‌های زیر مجموعه KCK کار کرده‌اند و شواهدی برای اثبات چنان همکاریی وجود دارد."[۲]

بر این اساس، اوسلو استدلال کرد حامیان نه بخاطر خشونت‌ورزی به جانبداری از انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) بلکه باید بخاطر ارتباط با سازمانی غیرقانونی مورد اتهام واقع شوند. وی نتیجه گرفت که شهرداران منتخب که محاکمه شده‌اند باید از زندان آزاد شده و اجازه یابند سر کارشان برگردند.

در واقع، ۱۵۲ نفر از حامیان که ۱۱۴ نفر از آنها محاکمه شدند به "عضویت در انجمن‌های دموکراتیک کردستان/کنگره ترکیه

---

[۱] همان.

[۲] همان.

(KCK/TM) به عنوان سازمان شهری حزب کارگران کردستان (PKK) متهم شدند. اتهام آنها اقدام علیه وحدت دولت و یکپارچگی کشور، و عضویت در سازمانی تروریستی و ترغیب (دیگران) برای عضویت در آن بود." در بین حامیان مذکور ۲۸ نفر از اعضای حزب منحله DTP [در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹ بسته شد]، ۱۲ نفر شهردار از جمله عثمان بایدمیر، ۲ نفر از اعضای شوراهای استانی و ۲ نفر از اعضای شورای شهرداری بودند. هنوز حامیان دیگری نیز بودند که یکی از برجسته‌ترین آنها رئیس کمیسیون حقوق بشر شاخه دیاربکر (IHD) مُحرِم اَربَی بود.[۱]

افراد مذکور فقط بخش کوچکی از ۲۲۰۰ نفر بازداشتی توسط پلیس در استان‌های مختلف در ۱۴ آوریل ۲۰۰۹ بودند. آنها تنها ۱۵ روز پس از ۲۹ مارس انتخابات محلی بازداشت شدند که در آن حزب جامعه دموکراتیک (DTP) از آنچه گمان می‌رفت عملکرد بسیار بهتری نسبت به حزب عدالت و توسعه (AKP) داشت.[۲] برآورد شده به هنگامی که محاکمه در حال انجام بود، حدود ۱۵۰۰ نفر هنوز در

---

[۱] *Kurdishmedia.com*، ۲۰اکتبر ۲۰۱۰.

[۲] برای اطلاع از جزئیات انتخابات نگاه کنید به کتاب *خون، باورها و برگه‌های رأی: مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه ۲۰۰۷-۲۰۰۹* صفحات ۲۶۵-۲۸۵ نوشته رابرت اُلسن، ترجمه هاشم کرمی، چاپ ۱۳۹۱، انتشارات پانیذ. آمار کسانی که توسط پلیس بازداشت شده‌اند مربوط به کسانی است که از BDP حمایت کرده بودند.

بازداشت بسر می‌بردند. بسیاری از تحلیلگران فکر می کردند "گشایش دموکراتیک" دولت و AKP بخاطر انتخابات ۲۹ مارس و به منظور پیشنهاد امتیازاتی به کردها برای جلوگیری از موفقیت DTP در انتخابات ارائه شد. هنگامی که گشایش دموکراتیک با شکست مواجه شد، دادگاه قانون اساسی به انحلال حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹ حکم کرد. حزب منحله همان گونه که ذکرش رفت بدون درنگ خود را در قالب حزب صلح و دموکراسی (BDP) سازماندهی مجدد کرد.

اما به نظر می‌رسید دادگاه عجله‌ای برای آزاد نمودن افراد بازداشتی در بند پلیس ندارد. این مسئله بویژه مورد اعتراض عثمان بایدمیر واقع شد، او نیز بخاطر شرکت در کنفرانس شهرهای آناتولی جنوبی در ۲۲ اکتبر، چهار روز پس از شروع محاکمه، تحت تعقیب قانونی قرار گرفت. به دلیل این که تعداد بسیار زیادی از مقامات و افراد شایسته و باتجربه در زندان بودند، مقامات منتخب کُرد قادر نبودند برای پایه‌گذاری سیاست‌های تمرکز زدایی سریع‌تر حرکت کنند. به نظر می‌رسید دولت، نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و حزب عدالت و توسعه (AKP) از این روش (زندانی کردن نخبگان) به عنوان بخشی از سیاست‌هایشان برای مهار جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه به هر وسیله ممکن استفاده می کردند.

محاکمه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) و مسئله زبان

جای تعجب نبود که قضیه تکلم به زبان کُردی در نهادهای رسمی مانند دادگاه، سریعاً منجر به محاکمه شد و در همان روزهای اول این اتفاق روی داد. بجز تعداد کمی که زبان کُردی نمی‌دانستند یا در مکالمه با آن خوب نبودند، قریب به اتفاق همه حامیان (قضیه مذکور) درخواست مترجم کردند تا دفاعیاتشان از کُردی به ترکی ترجمه شود. پس از بحث و گفتگوهای بسیار، قاضی با اظهار این‌که آنها همگی زبان ترکی می‌دانند و در بازجویی‌های اولیه به ترکی صحبت کرده، و همگی تحصیلات عالیه به زبان ترکی داشته‌اند، درخواست متهمان را رد کرد. علاوه بر این، قاضی گفت ترجمه دفاعیات از کُردی محاکمه را خیلی به درازا خواهد کشاند. اما در ادامه محاکمه، آنها هر روز صبح وقتی اسمشان را برای اعلام حضور می‌خواندند، تقریباً همه متهمان به کُردی جواب می‌دادند.[۱] عثمان بایدمیر پس از پایان ارائه مشخصات هویتی و اطلاعات محل سکونت خود در پایان به جای عبارت ترکی "تشکور اِدَریم" گفت "زُر سپاس" که عبارتی کُردی به معنای "خیلی ممنون" است. وقتی وکلا درخواست استیناف کرده و پرونده را از دادگاه چهارم جزایی به دادگاه ششم جزایی

[۱] حرّیت، ۲۰اکتبر ۲۰۱۰.

دیاربکر منتقل کردند، حامیان انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) یک پیروزی کسب کرده بودند زیرا در دادگاه اخیر پرونده به دلیل کمبود مدارک علیه متهمان با بن‌بست مواجه شده بود. در نتیجه برای اتخاذ تصمیم، پرونده KCK به ۱۲ نوامبر موکول گردید.[۱] پس از آن نیز به دلیل دشواری رسیدگی قضایی دوباره به ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ موکول شد. هر تصمیمی که نظام قضایی در ترکیه برای پرونده اتخاذ می‌نمود، مرکزیت مسئله زبان، و بخصوص اهمیت مطالبه آموزش به زبان مادری که در کانون توجه جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه قرار گرفته بود را بیشتر نمایان می‌کرد.

محاکمه KCK در دیاربکر و درخواست متهمان برای دفاع از خود به زبان کُردی، در میان کردهای ترکیه بازتاب و انعکاسی قوی داشت. در ۹ نوامبر نماینده گروه پارلمانی BDP بنگی یلدیز سخنرانی شروع جلسه برای گروه BDP را کاملاً به زبان کُردی انجام داد. این در حالی است که تنها ۲۱ ماه قبل در ۲۳ فوریه ۲۰۰۹ هنگامی که احمد ترک فقط برای چند دقیقه محدود در برابر کانال تلویزیونی TRT پارلمان به کُردی صحبت کرد واکنش شدیدی برانگیخت. این مثال خوبی است از دستاوردی تاریخی و بزرگ که برای تکلم به زبان

---

[۱] *بیانت*، ۸ نوامبر ۲۰۱۰.

کُردی در محافل رسمی و عمومی، و با محاکمه KCK در کمتر از دو سال بدست آمد.

گولتان کشاناک، معاون رئیس حزب صلح و دموکراسی (BDP) پس از یلدیز شروع به سخنرانی کرد. گولتان بخاطر این‌که قاضی دادگاه KCK گفته بود متهمان نمی‌توانند به "زبانی ناشناخته" صحبت کنند به شدت از او انتقاد کرد. کشاناک نخست‌وزیر اردوغان را سرزنش کرد چرا که او گفته بود اگر متهمان ترکی می‌دانند؛ باید ترکی صحبت کنند، اما اگر نمی‌دانند، در این صورت می‌توانند کُردی صحبت کنند.[1] با توجه به نگرش منفی حزب عدالت و توسعه (AKP) و دولت نسبت به تکلم به زبان کُردی، کشاناک گفت:"ما کردها در نهایت به این تفکر می‌رسیم: آیا با یادگیری زبان ترکی جرمی مرتکب شده‌ایم که مانع دستیابی به حقوقمان است؟ اگر این درست باشد، از این به بعد کردها انتخاب خواهند کرد که دیگر زبان ترکی یاد نگیرند. کردها شاید بگویند، با توجه به این واقعیت که من نمی‌توانم حقوق خود را به زبان مادری‌ام کسب کنم، لازم نیست زبان ترکی بیاموزم و چرا باید ترکی بیاموزم؟ اگر این کار [یادگیری زبان ترکی] توجیهی برای ممانعت از ما برای استفاده از زبان کُردی است، پس کردها حق استفاده از زبان کُردی را در همه ابعاد زندگی‌شان

---

[1] *رادیکال*، ۹ نوامبر ۲۰۱۰.

دارند."[۱] کشاناک در ادامه گفت در هفت ماه پیش‌رو، قبل از انتخابات سراسری ژوئن ۲۰۱۱، که حزب کارگران کردستان (PKK) متعهد شده هیچ عملیات جنگی انجام ندهد، دوره‌ای حیاتی برای حل مسئله کُردی است و باید آن را به دقت مورد ارزیابی قرار داد:" هر کاری که طی این ۷ ماه انجام دهیم تعیین‌کننده وقایع پیش‌رو خواهد بود."[۲] کشاناک در ادامه در انتقاد از حزب عدالت و توسعه (AKP) گفت این حزب هیچ اراده سیاسی برای حل مسئله کُردی ندارد و آنها تمام ۸ سال مدیریتشان را تلف کرده‌اند. مواضع یلدیز و کشاناک سبب بالا گرفتن بحث پیرامون تکلم به زبان کُردی در درون دولت، امورات عمومی و موارد آموزشی و قانونی شد. تهدید به عدم یادگیری زبان ترکی در مباحث عمومی، دولت را با چالش بزرگ‌تری مواجه می‌ساخت.

محاکمه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) در دیاربکر قضیه آموزش به زبان مادری را به ابزار بسیج همگانی و اصلی‌ترین پوشش محافظ جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه مبدل کرد. این واقعیت که برخی اعضای حزب صلح و دموکراسی (BDP) و اندیشمندان کُرد مانند صلاح‌الدین دمیرتاش رئیس BDP و معاون

---

[۱] همان.

[۲] همان.

رئیس، گولتان کشاناک زبان کُردی نمی‌دانستند، یادگیری زبان کُردی را در لیست اولویت‌های اجباری رهبران کُرد قرار داد. بنگی یلدیز اظهار داشت این خود زبان کُردی بود که در دیاربکر محاکمه می‌شد. او تأکید کرد "اگر حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب صلح و دموکراسی (BDP) نبودند، الان هیچ کُردی نبود."[۱] کشاناک با تأکید اظهار داشت" این [محاکمه در دیاربکر] کودتایی سیاسی است، اگر ما این نوع طرز فکر را بپذیریم، دیگر وجود نخواهیم داشت. در واقع، ما چنان کشمکشی قوی علیه چنین سیاستی سازماندهی خواهیم کرد که بزودی عمر آن را کوتاه می کنیم. این قضیه به قضیه‌ای برای دموکراسی ترکیه تبدیل شده است."[۲] یلدیز و کشاناک اعلام کردند BDP بدون درنگ یک دوره آموزش زبان کُردی برای همه اعضای پارلمانی BDP که به خوبی زبان کُردی نمی‌دانند برگزار خواهد کرد. نماینده پارلمانی BDP از سییرت، عثمان اوزچلیک برای آموزش دوره مذکور به مدت چهار ساعت در هفته داوطلب شد؛ و از افراد دیگری نیز که خواستار یادگیری (زبان کُردی) بودند دعوت به عمل آمد.

---

[۱] *رادیکال*، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۰.

[۲] همان.

حتی هنگامی که محاکمه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) در حال اجرا بود و سپس به ۱۳ ژانویه موکول شد، دولت ترک بطور ضمنی نشان داد بازوی قضایی دولت ابزار اصلی برای مدیریت قدرت روزافزون مطالبات جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی بخصوص مطالبات در حوزه زبان خواهد بود. در ۲۳ نوامبر پرونده محاکمه ۱۹ نفر از اعضای BDP در مجموع با ۲۴۳۷ سال حبس در۵۴۴ مورد دعوی علیه آنها خاتمه یافت. تنها یکی از نمایندگان (BDP)، نماینده استانبول یعنی اِفِک اوراس تبرئه شد. احمد ترک و آیسل توغلوک به اتهام اظهاراتشان که شامل تبلیغات هم می‌شد، در مجموع به ۱۳۹/۵ سال حبس محکوم شدند.

۶۹ مورد اتهام علیه نماینده ماردین آمنه آینا اقامه شده بود. نماینده شهر وان اوزدال اوچر و نماینده شیرناک (شیرناخ) سواهیر بایندیر نیز با ۵۷ مورد اتهام مواجه شدند. نمایندگانBDP پس از جلسه ۲۲ ژوئیه تقریباً هر بار که در پارلمان سخنرانی می‌کردند به تخلف متهم می‌شدند.

اعطای حق آموزش به زبان مادری؟

محاکمه و مطالبات کردها برای آموزش به زبان مادری، مومتازر تورکونه را بر آن داشت سؤالات خوبی در این مورد مطرح کند که

اگر مطالبات کردها برای آموزش به زبان کُردی محقق شود چه اتفاقی روی می‌دهد.[1] تورکونه سه سئوال مطرح کرد:

۱-آیا اعطای حق آموزش به زبان کُردی، ترکیه را تجزیه می‌کند؟

۲-اگر ترکیه حق آموزش به زبان کُردی را انکار کند تجزیه می‌شود؟

۳-کدام مورد کردها را به تلاش برای تجزیه سوق می‌دهد: کشوری که آموزش به زبان کُردی در آن آزادانه صورت می‌گیرد یا کشوری که این موضوع را انکار می‌کند؟

تورکونه استدلال کرد که "دشمن واقعی کردها دولت نیست بلکه بازار است" و "سودی غیر قابل انکار برای ترک‌ها و کردها در یکپارچه نگه داشتن این کشور وجود دارد." او سپس به مزایای بزرگ برداشتن لزوم ویزا بین ترکیه و سوریه برای دیدار از این دو کشور پرداخت که این کار بدون شک منجر به افزایش تجارت بین آنها می‌شد. تورکونه استدلال کرد افزایش تجارت بین ترکیه-سوریه نشان می دهد انجام تجارت در یک بازار مستلزم استفاده از یک زبان رایج و مشترک است. بنا به استدلال تورکونه "این زبان در وهله اول زبان انگلیسی و در مرتبه بعد زبان ترکی خواهد بود. بنابراین، آموزش به

---

[1] *تودیز زمان*، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰. گزارش ذیل بیشتر بر اساس نوشتار تورکونه است.

زبان کُردی فقط برای شأن و مقام دادن به کردها و در موضع برابر قرار دادن آنان با دیگران و به تبع حصول اطمینان از یکپارچگی کشور است؛ با این حال، آموزش زبان کُردی به همان اندازه که در بازار بزرگ‌تر منطقه موفق شود مورد پذیرش قرار خواهد گرفت."[1]

تورکونه پرسید:"اگر دادگاه دیاربکر با درخواست کردها مبنی بر اعطای حق تکلم به زبان کُردی در دادگاه موافقت می‌کرد، چه اتفاقی می‌افتاد؟ محاکمه به درازا می‌کشید و خدمات قضایی به تأخیر می‌افتادند. همه ماجرا همین است."[2] سپس، او به نقل بحث جنگیز چاندار پرداخت که گفته بود حزب کارگران کردستان (PKK) برای جلوگیری از خونریزی باید به انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) تبدیل شود:"از آنجا که ارتش از PKK یک هیولا ساخته است، دادگاه KCK را به سازمان سیاسی نمایندگی عالی تبدیل خواهد کرد."[3] بر این اساس، او نتیجه گرفت "قوی‌ترین اطمینان برای اتحاد و یکپارچگی ترکیه، استفاده آزاد از زبان کُردی و استفاده به عنوان زبان آموزشی است."[4]

---

[1] همان.

[2] همان.

[3] همان.

[4] همان.

استدلال تورکونه در مورد این‌که بازار معیاری است که استفاده، اعتبار و اثربخشی زبان‌های بکار گرفته شده را تعیین می‌کند استدلالی قوی با اعتبار مفهومی است. اما او به نقش بورژوازی کُردی در ترکیه برای پذیرش برتری زبان‌های ترکی و انگلیسی به عنوان دو زبان مسلط که در بازار بکار گرفته خواهند شد، اشاره نکرد. او به استفاده از زبان عربی در مورد عراق و حتی استفاده از آن در بازار حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نیز اشاره نکرد. آیا زبان ترکی به یکی از دو زبان برتر بازار بین منطقه کردنشین ترکیه و منطقه کردنشین عراق تبدیل خواهد شد؟ چنین اتفاقی ممکن است چرا که دو منطقه دارای دو لهجه یکسان نیستند. لهجه غالب در کردستان عراق، سورانی و در ترکیه، کرمانجی است. اگر چه در استان دهوك حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) کرمانجی بطور گسترده‌ای تکلم می‌شود، اما نظام آموزشی به سورانی است. بنابراین، در بازار بین ترکیه و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) زبان‌های انگلیسی و ترکی ممکن است به زبان‌های بازار تبدیل شوند. اما چنان سناریویی نیز از طرف کردهای جنوب‌شرق ترکیه به چالش کشیده می‌شود چرا که تکلم به زبان کُردی و عطش آموزش زبان مادری و همچنین آموزش به زبان مادری به سنگ بنای جنبش ناسیونالیستی آنها تبدیل شده بود. رها نمودن این اصول به نفع زبان‌های ترکی و انگلیسی در بازار، موجب

تضعیف استفاده از زبان کُردی در مباحث عمومی و آموزش می‌شود؛ این امر دستاوردهای جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه را که بویژه طی دهه اخیر کسب شده کاهش می‌دهد. البته، پذیرش زبان‌های انگلیسی و ترکی به عنوان زبان‌های برتر در بازار به تضعیف جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه منجر خواهد شد چرا که اکنون ناسیونالیست‌ها استفاده از زبان و آموزش کُردی را سنگ بنای مطالبات و کشمکش برای تمرکززدایی قرار داده‌اند. تا جایی که به ترکیه و سوریه مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد تورکونه بر این باور است که اقتصاد قوی‌تر ترکیه بدان معناست که زبان ترکی (در کنار زبان انگلیسی) جایگزین زبان عربی خواهد شد. منظور ضمنی استدلال تورکونه این است که جذبه بازار همان گونه که بر ناسیونالیسم کُردی کردهای عراق غلبه کرد، بر ناسیونالیسم کُردی کردهای ترکیه نیز چیره خواهد شد و بورژوازی کُردی ترکیه بازار را انتخاب خواهد کرد. امکان روی دادن این پدیده محتمل است. از این نظر، مهم است که احتمال به عضویت درآمدن ترکیه در اتحادیه اروپا طی حدود دو دهه آتی مورد بررسی قرار گیرد. اگر چنین چیزی روی دهد، در این صورت نصف جمعیت کل کردها در اتحادیه اروپا قرار خواهند گرفت.

به نظر می‌رسد اگر چنین چیزی روی دهد، کردهای عراق و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) روابط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی نزدیک‌تری با کردهای ترکیه خواهند داشت. چنان سناریویی، بر این نیز دلالت خواهد داشت که کردهای جنوب‌شرق و شرق ترکیه در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند مطالبات قوی‌تری برای خودمختاری کامل و شاید حتی ایجاد خومختاری مبتنی بر قانون اساسی مانند آنچه کردهای عراق بدست آورده اند، داشته باشند.

در چنان سناریویی، ممکن است کردهای عراق و کردهای ترکیه، هر دو بپذیرند که زبان‌های انگلیسی و ترکی به دو زبان برتر بازار تبدیل شوند. پذیرش برتری زبان‌های انگلیسی و ترکی در بازار بدون در نظر گرفتن جایگاهی شایسته برای زبان کُردی، برای ناسیونالیستهای کُرد جنوب‌شرق مشکل خواهد بود چرا که آنها قسمت زیادی از کشمکش ناسیونالیستی خود را معطوف در کانون توجه قرار دادن قضیه زبان و رهایی از زبان ترکی و ترک‌ها نموده‌اند. مسئله حیاتی برای این جریانات، میزان پایبندی KRG به مشی گستردش سورانی به عنوان زبان اصلی منطقه تحت حکومت خود و عدم تشویق آموزش کرمانجی در مدارس و دانشگاه‌هایش است. بنابراین، ممکن است کشمکشی بین کرمانجی با سورانی، و میان کردهای ترکیه و سوریه با کردهای عراق و ایران روی دهد. در صورتی که این

اختلافات تداوم یابند، زبان‌های انگلیسی و ترکی به راحتی در دهه‌های آتی به زبان‌های برتر بازار منطقه تبدیل می‌شوند.

به نظر می‌رسد دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه (AKP) همانند دیگر احزاب سیاسی بر این باورند اقتصاد پویا و در حال رشد و گسترش ترکیه فرصت‌های کافی برای کردها و بویژه بورژوازی کُرد فراهم می‌کند تا بازار را به جای کلاس درس انتخاب کنند. این بدان معناست که جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه در مرحله بعد روی بازار و کلاس تمرکز خواهد کرد.

پس از محاکمه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK)

محاکمه KCK در دیاربکر حاکی از آن بود که جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه به سطح جدیدی از بسیج نیروها دست یافته‌اند. جنگیز چاندار متوجه این تغییرات شده و متذکر شده بود حکومت محاکمه KCK و پاسخ به مطالبه آموزش به زبان مادری را تا ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ به تأخیر انداخت، این رفتار همراه با گسترش آتش‌بس حزب کارگران کردستان (PKK) تا اتمام انتخابات سراسری در ژوئن، نشانه‌ای قوی از بوجود آمدن فضای مذاکره و گفتگو به جای جنگ بود.[1] چاندار گفت، در عوض، کردها کشمکش را به

[1] *رادیکال*، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۰.

سمت نوعی "نافرمانی مدنی" یا "مقاومت مدنی" سوق می‌دادند.[1] چاندار استدلال کرد دفاع قوی از تکلم به زبان کُردی در دادگاه و بطور بالقوه در همه‌ی نهادهای عمومی، احتمال ایجاد جذابیت عمومی و مردمی را دارد. و همچنان که این جذابیت رشد می‌یابد، به جایگزینی برای کشمکش مسلحانه تبدیل می‌شود. چنان جنبشی بیهودگی کشمکش مسلحانه را نشان داده، و سرعت جنبش از نزدیک شدن زمان گفتن "بدرود سلاح" خبر می‌دهد.

چاندار اظهار داشت که، او نیز می‌داند فرهنگ و پیشینه تاریخی چندانی در ترکیه برای استفاده از ابزارهای مدنی برای دستیابی به اهداف وجود ندارد، اما به زعم وی، نه مقاومت مسلحانه کردها قابل شکست است، و نه آنها می‌توانند نیروهای مسلح دولت را شکست دهند.[2] در ۷ دسامبر، حزب صلح و دموکراسی (BDP) اعلام کرد اغلب نمایندگانش به همراه اعضا و مقامات حزب فراگیری دروس زبان کُردی را در دفتر مرکزی حزب آغاز خواهند کرد. صلاح‌الدین دمیرتاش، که خود نیز کُردی نمی‌داند، گفت، مدیران حزب آنقدر به یادگیری زبان کُردی ادامه خواهند داد که آن را به جایگاهی برسانند

---

[1] *رادیکال*، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۰.

[2] همان.

که به زبان "سیاست" تبدیل شود.[1] علاوه بر این، "به هر میزان که یادگیری کُردی در جامعه فراگیرتر شود، بخصوص هنگامی که والدین به فرزندانشان زبان بیاموزند، آسیمیله کردن کردها با شکست مواجه خواهد شد. نکته اصلی این است که بچه‌ها زبان مادری را در خانواده بیاموزند و در نهادهای آموزشی آن را بهبود ببخشند."[2]

قضیه زبان، شامل حق تکلم به زبان کُردی در پارلمان تا پایان سال ۲۰۱۰ سیاست ترکیه و کردها را تحت تأثیر خود قرار داد. در دسامبر سری ساکیک نماینده پارلمانی BDP از شهر موش در پارلمان به کُردی سخنرانی کرد. سخنرانی او نسبت به سخنرانی ۲۳ فوریه ۲۰۰۹ احمد ترک که موج اعتراضات شدیدی برانگیخت، با مخالفت کمتری مواجه شد. پس از این‌که ساکیک سخنانش را تمام کرد، یکی از نمایندگان ترک از او پرسید که به کُردی چه گفته است؛ ساکیک در پاسخ گفت که او گفته "اعضای ارجمند پارلمان، چرا از سخنرانی به زبان مادری می‌هراسید؟ همه ما باید به زبان مادری خود احترام بگذاریم."[3] ساکیک در ادامه گفت "برخی نیروها می‌توانند از استفاده از زبان مادری‌مان جلوگیری کنند؛ کانال تلویزیونی پارلمان شاید

---

[1] *http:en.firatnews.com*، ۸ دسامبر ۲۰۱۰.

[2] همان.

[3] *رادیکال*، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰.

بتواند آن را سانسور کند، اما نه قانون اساسی و نه هر قانون اساسی دیگر و نه حتی هیچ توافقی در معاهده لوزان، هویت مرا محدود نخواهد کرد. ما بخاطر این زبان است که اینجا هستیم."[1] حاسیپ کاپلان نماینده پارلمانی BDP از شیرناک (شیرناخ) به پیروی از ساکیک وقتی در جایگاه ویژه حضور یافت قطعه شعری کُردی را خواند اما کانال تلویزیونی پارلمان بلافاصله پخش برنامه را متوقف نمود. کاپلان به شدت به مرال آکشنر نایب رئیس پارلمان اعتراض کرد، و پس از چند دقیقه کانال تلویزیونی پارلمان پخش برنامه شعرخوانی کاپلان را مجدداً وصل کرد. آکشنر با گفتن این‌که قطع برنامه تلویزیون بخاطر مشکلات فنی بوده، معذرت خواهی کرد.[2] دیگر نمایندگانی که فقط به ترکی تکلم می‌کنند، کمی به کار ساکیک و کاپلان معترض شدند. از این رو، کمتر از دو سال از زمانی که احمد ترک سخنرانی‌اش را به مناسبت روز تعیین شده از طرف یونسکو به عنوان روز بین‌المللی زبان مادری ایراد کرد و با چنین همهمه‌ای میان اعضای پارلمان مواجه شد، به نظر می‌رسید ثبات قدمِ اعضای پارلمانی BDP در کسب حق تکلم به زبان کُردی در پارلمان،

---

[1] همان.

[2] همان.

منجر به پذیرش و تن دادن رئیس، نایب رئیس و همچنین اعضای پارلمان شده است.

موفقیت نمایندگان کُرد در کسب حق تکلم به زبان کُردی در پارلمان امید کردها را برای کسب حق آموزش به زبان مادری یا حداقل آموزش زبان مادری بیشتر کرد. بطور قابل ملاحظه‌ای، یک روز قبل از سخنرانی ساکیک و کاپلان به زبان کُردی در پارلمان، شورای کل استان تونجلی به تغییر نام استان به نام سابق یعنی درسیم رأی داد. نام استان در سال ۱۹۳۵ پس از درگیری، شورش و جنگ بین کردها و دولت توسط وزیر کشور بعدی شوکرو کایا به تونجلی تغییر یافت. تغییر اسامی اماکن جغرافیایی کُردی توسط دولت از دهه ۱۹۲۰ به این سو بخشی از سیاست‌های دولت برای ریشه کن کردن هویت کُردی بوده است.[1]

در اواخر سال ۲۰۱۰ مبارزه برای تکلم، خواندن، تحصیل، و داشتن علائم راهنما به زبان کُردی در جاده، بازار و خیابان افزایش یافت. در ۱۵ دسامبر، صلاح‌الدین دمیرتاش نیز از مسئولین دولتی خواست تخلیه و تخریب قریب به ۳۰۰۰ روستا و مزرعه و حدود ۱۷۰۰۰ قتل نامکشوف که توسط نیروهای امنیتی دولت یا عوامل ارگنکون انجام

[1] برای آگاهی بیشتر در مورد این موضوع نگاه کنید به کتاب: خون، باورها و برگه‌های...، صفحات ۱۹۹-۲۰۱.

شده است را به رسمیت شناخته و بخاطر آنها عذرخواهی کنند. او در کنفرانس مطبوعاتی‌اش خاطرنشان ساخت که بولنت آرینچ، از نمایندگان اردوغان و وزیر دولت، تنها چند روز قبل جمله‌ای را به زبان کُردی در پارلمان ایراد نموده است، اگر یک وزیر دولت می‌تواند در پارلمان به کُردی صحبت کند چرا نمایندگان کُرد نتوانند چنین کنند؟[1] آرینچ پس از تکلم به کُردی، حمله‌ای را علیه آمنه آینا صورت داد و گفت حتی ناسیونالیستهای کُردی مانند آینا نمی‌توانند به کُردی صحبت کنند، منظور وی این بود که مبارزه حزب صلح و دموکراسی (BDP) برای آموزش به زبان مادری صرفاً یک راهکار برای کسب امتیاز در انتخابات سراسری ژوئن ۲۰۱۱ بوده است. دمیرتاش متذکر شد آینا به زیبایی به زبان ترکی که به اکراه آموخته صحبت می‌کند، و بهتر است آرینچ آنقدر که آینا ترکی آموخته، به یادگیری زبان کُردی بپردازد. در ضمن، او باید بخاطر اظهارات نابجایش عذرخواهی کند.[2] دمیرتاش، که خودش نیز زبان کُردی نمی‌داند، گفت، این واقعیت که او و دیگر نمایندگان BDP زبان کُردی نمی‌دانند "مایه شرم دولت" است.[3] دمیرتاش در ادامه

---

[1] *رادیکال*، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۰.

[2] همان.

[3] همان.

انتقاداتش از آرینچ گفت، او نتوانسته به زبان مادری‌اش آموزش ببیند و به همین خاطر اگر امروز در پارلمان با همان ۳۰۰ کلمه‌ای که از مادرش آموخته به کُردی صحبت کند مانند کودکی چهار ساله به نظر خواهد رسید. دمیرتاش در ادامه انتقادات خود اظهار داشت به منظور حمایت از حق تعلیم به زبان کُردی، لازم است حکومت‌های محلی و سازمان‌های مدنی قوی در سراسر منطقه کردنشین بوجود بیایند.[۱]

دمیرتاش سپس دامنه اظهاراتش را گسترده کرد و گفت:"از این به بعد زبان بازرگانی و اصناف، زبان کُردی است و اسامی مغازه‌ها نیز به کُردی خواهد بود." وی گفت، حتی همه منوهای غذا در رستورانها نیز باید به زبان‌های کُردی و ترکی باشند. همچنین اضافه کرد که هیچ قانونی برای ممانعت از این کار وجود ندارد. علاوه بر این، نایب رئیس حزب صلح و دموکراسی (BDP) گفت:"ما برای انجام این کارها منتظر اصلاح و تغییرات قانون اساسی نخواهیم ماند."[۲] BDP و دیگر سازمان‌های کُرد نیز روی بازگرداندن اسامی شهرها، شهرک‌ها، روستاها و مزارع به نام کُردی اصلی آنها کار می‌کنند. وی خاطر نشان کرد که تاکنون اسامی ۹۷ روستا به نام کُردی اصلی خود بازگردانده شده است و علی‌رغم مخالفت استاندار دیاربکر این روند تا آخر ادامه

---

[۱] همان.

[۲] همان.

خواهد یافت. او تأکید کرد که بولنت آرینچ باید از این کارها حمایت کند و اعلام داشت که خودش نیز سر کلاس‌های زبان کُردی حضور می‌یابد. وی گفت، پروسه مشابهی برای بازگرداندن اسامی اصلی اماکن سریانی مسیحی و عربی طی خواهد شد. عثمان بایدمیر، که در کنار دمیرتاش نشسته بود، بعد از سخنان وی اظهار داشت شهر دیاربکر علائم راهنمای دو زبانه را برای نصب در محدوده‌های ورودی و خروجی ۹۷ شهر، شهرک و روستا تهیه کرده است. بایدمیر گفت نصب آنها با "رضایت خاطر زیادی" مواجه خواهد شد.[۱]

پاسخ حکومت به مطالبات دو زبانه بایدمیر و دمیرتاش

روز بعد از سخنرانی دمیرتاش و بایدمیر در مورد لزوم وجود دو زبان، رئیس پارلمان محمدعلی شاهین در کنفرانسی مطبوعاتی درصدد پاسخ به اظهارات آنها برآمد و گفت که، تکثر زبانی در ترکیه را به رسمیت شناخته و آنرا موهبتی برای کشور می‌داند. اما وی اضافه کرد تنها یک زبان رسمی در ترکیه وجود دارد و آن هم زبان ترکی است و این زبان پارلمان است. شاهین پرسید چرا نمایندگان حزب صلح و دموکراسی (BDP) این‌قدر برای کُردی صحبت کردن در پارلمان پافشاری می‌کنند. وی متذکر شد که ۷ نماینده پارلمان آلمان اصالتاً

---

[۱] همان.

ترک هستند اما اجازه ندارند در پارلمان به زبان ترکی صحبت کنند. وی بطور ضمنی بر این امر اشاره داشت که نمایندگان کُرد باید در موضع خود تجدید نظر کنند و گام‌هایی منطقی برای مسئله زبان بردارند. دمیرتاش در پاسخ شاهین گفت:"آلمان کشور ترک‌ها نیست اما ترکیه کشور کردهاست."[1] شاهین گفت اگر رئیس حزبی سیاسی (یعنی دمیرتاش) بگوید اعضای حزبش از قانون پارلمان پیروی نخواهند کرد آنها قانون شکنی می‌کنند. شاهین گفت وی نیز از حذف ماده ۸۱ قانون احزاب سیاسی حمایت می‌کند. این قانون استفاده از زبان دیگری غیر از زبان ترکی را در پارلمان ممنوع نموده است اما تا زمانی که قانون اساسی خودش تغییر نکرده اجرای قانونی الزامی است.[2] شاهین در ادامه پرسید آیا دمیرتاش خودش علائم راهنما را عوض می‌کند؟ صحبت‌های شاهین نشان داد که با رویکرد وجود دو زبان برای علائم راهنمای عمومی، رسماً مخالفت خواهد شد. او جوابیه خود را با گفتن این‌که فکر می‌کند دمیرتاش و بایدمیر صرفاً درگیر تبلیغات انتخاباتی شده‌اند به پایان برد.[3] با این حال، اگر چنین کارهایی ادامه یابند، تعقیب قانونی دولت برای مقابله با آنها عملی

---

[1] *آژانس خبری فرات*، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰.

[2] *رادیکال*، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۰.

[3] همان.

خواهد شد. نماینده BDP عثمان اوزچلیک گفت، چنین کارهایی توسط بازپرسان دولت، اقدام دولت برای بستن حزب تلقی خواهد شد.[1] نماینده BDP حاسیپ کاپلان اضافه کرد که شاهین با اصرار به پیگرد قانونی عمومی، پارلمان را به دادگاه تبدیل کرده است. کاپلان گفت "من انتظار داشتم رئیس پارلمان بپذیرد که در ترکیه مشکل آموزش به زبان مادری وجود دارد و مشکل را می‌توان در چارچوب قانون اساسی جدید حل کرد، اما او اصرار بر پیگیری توسط بازپرس دولت را ترجیح داد."[2]

در ۱۷ دسامبر از رئیس جمهور گل به هنگام دیدار با شهردار آنکارا، در مورد مجادله دمیرتاش با شاهین پرسیده شد. او پاسخ داد، از قوانین باید اطاعت شود و عمل برخلاف این قوانین "هیچ فایده‌ای نخواهد داشت".[3] گزارشگران متذکر شدند همان روز قبل (۱۶ دسامبر) بود که نماینده حزب صلح و دموکراسی (BDP) سواهیر بایندیر در پارلمان به کُردی صحبت کرده بود. او جمله مشهوری از نمایشنامه نویس مشهور انگلیسی شکسپیر نقل کرد، "بودن یا نبودن مسئله این است" و سپس عبارت مذکور را به زبان‌های کُردی و ترکی

---

[1] *رادیکال*، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰.

[2] همان.

[3] همان.

تکرار کرد. او سپس سخنرانی خود را به کُردی ایراد کرد و متذکر شد که چند ماه پیش در یک زد و خورد بین نیروهای امنیتی و معترضان کُرد ران او شکسته است. او گفت: "با از بین بردن من نمی‌توانید مردم کُرد را از بین ببرید. حتی اگر دو پای مرا بشکنید، نمی‌توانید من را مجبور کنید از مبارزه برای آزادی دست بکشم."[1] در جوابیه‌ای دیگر (عبدالله)گل گفت:" از قوانین پارلمان باید پیروی، و تحمل نظر مخالف نیز به همه نشان داده شود.

مشاجرات و حواشی مجادله بر سر وجود دو زبان به اندازه‌ای شدید بود که سخنگوی فرماندهی نیروهای مسلح ترکیه (TAF) را نیز به واکنش واداشت. در ۱۷ دسامبر TAF بیانیه مکتوبی صادر کرد و در آن ابراز داشت که بحث پیرامون مطالبات زبانی کردها و اقدام یکجانبه برای ایجاد علائم راهنما و تغییر اسامی و ... به زبان کُردی دارد به محدوده رادیکالی نزدیک می‌شود که مخالف فلسفه پایه‌گذاری جمهوری (ترکیه) است؛ و این وضعیت نگرانی زیادی در نیروهای مسلح بوجود آورده است. نیروهای مسلح ترکیه همیشه جانبدار دولت-ملت واحد سکولار بوده و خواهند بود؛ و این مفاهیم در قانون اساسی نیز گرامی داشته شده‌اند؛ زبان رسمی زبان ترکی است و این یکی از از مواد غیرقابل تغییر قانون اساسی است. زبان،

---

[1] همان.

فرهنگ و اتحاد در ایده‌ها بخش‌هایی مسلّم برای ملت بودن است. نتیجه هرگونه فقدان یکپارچگی زبانی در بسیاری نمونه‌های تاریخی دردناک دیده شده‌اند."[1]

دمیرتاش بلافاصله به بیانیه TAF پاسخ داد و گفت فرماندهان نیروهای مسلح ترکیه سعی دارند با نوعی قیمومیت بحث زبان را به عهده بگیرند و این برخلاف دموکراسی است. او گفت، فرماندهان TAF و همچنین نمایندگان ترک پارلمان باید به متن قانون اساسی ۱۹۲۱ نظری بیاندازند تا بدانند که آیا آن موقع در پارلمان به زبان کُردی صحبت می‌شده یا نه، و کردها در پارلمان بوده‌اند یا نه.[2] دمیرتاش گفت، بیانیه مکتوب فرماندهان TAF کاملاً برخلاف دموکراسی است. علاوه بر این، فرماندهان باید بدانند جمهوری ترکیه بر پایه مفهوم نژادپرستی بنا نشده بلکه اصول برابری، برادری و تحمل ایده مخالف از پایه‌های آن است. دمیرتاش اضافه کرد این هجمه‌های نیروهای مسلح ترکیه باید متوجه حکومت شود نه حزب صلح و دموکراسی(BDP).

---

[1] *تودیز زمان*، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰.

[2] *رادیکال*، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰. البته همان گونه که دمیرتاش و فرماندهان نیروهای مسلح ترکیه (TAF) کاملاً به آن آگاه بودند در ۱۹۲۱ نمایندگان کُرد زیادی در پارلمان حضور داشتند.

دمیرتاش گفت: "حکومت (حزب عدالت و توسعه/AKP) از طرفی مدعی است به قیمومیت نیروهای مسلح ترکیه پایان می‌دهد و از طرف دیگر بیانیه آنها را تأیید می‌کند، این رفتار ما را به تعجب می‌اندازد."[1] دمیرتاش سپس به سئوالش پاسخ داد و گفت، AKP در هر فرصتی که در پارلمان دست داد به انتقاد از BDP پرداخت، اما شک دارم نمایندگان AKP از بیانیه TAF هیچ انتقادی بکنند.

ورود مؤسسه تجار و صنعتگران ترکیه (TÜSIAD) به بحث

یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها پیرامون بحث زبان توسط رئیس مؤسسه تجار و صنعتگران ترکیه (TÜSIAD) خانم امیت بوینر صورت گرفت. او در چهاردهمین کنفرانس عالی تجارت جهانی که توسط کنفدراسیون جهانی تجارت و بنگاه‌های ترکیه (TÜRKONFED) برای روزهای ۱۷–۱۸دسامبر در دیاربکر برنامه‌ریزی شده بود سخنرانی کرد. خانم بوینر در سخنرانی شروع خوبی داشت و عبارتی را به زبان کُردی ایراد کرد، "ژی بوو وَخاوبونه دیاربکر مالا مه‌یه" (برای برادری، صلح و برابری دیاربکر خانه ماست).[2] بسیاری از

---

[1] همان.

[2] *تودیز زمان*، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰.

مدیرعامل‌های عالی رتبه شرکت‌های بزرگی چون مدیر عامل تورک سل، ثریا سیویل آنجا حضور داشتند.

کنفرانس با سخنرانی عزیز اوزکلیچ، رئیس مؤسسه تجار منطقه صنعتی دیاربکر (DOSIAD) آغاز شد. نکته قابل توجه این‌که وی سخنرانی خود را به زبان کُردی انجام داد. او نیز متذکر شد که منطقه صنعتی دیاربکر در ۹۵ درصد ظرفیت خود است و انتظار می‌رود ۶۵۰۰ شغل ایجاد کند. اوزکلیچ سپس به مسائل کُردی-ترکی پرداخت و گفت، سازمانش از "گشایش دموکراتیک" حمایت می‌کند و از هر قدمی که تاکنون در این راستا برداشته شده حمایت کرده و تحولات و پیشرفت‌ها را از نزدیک رصد می‌کند. او سپس به جوانب تاریخی کشمکش کُردی-ترکی اشاره کرده و گفت: "مردم همیشه می‌گویند کردها و ترک‌ها مانند برادرند. بلی، آنها هزار سال با هم زندگی کرده‌اند. این خیلی شبیه وقتی است که شما می‌خواهید عقد نکاح و مراسم ازدواج رسمی داشته باشید و مانند زوجی است که توسط ملایی به عقد هم درآمده اما نمی‌توانند مراسمی تدارک ببینند. من می‌خواهم از همین جا به همه اعلام کنم، بیایید کارخانه‌ای برای غذا، شغل، برادری، دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بگشاییم. بیایید برای بچه‌هایمان آینده‌ای شاد و سرشار از صلح فراهم کنیم."[1]

---

[1] همان.

سخنران بعدی رئیس سازمان فدراسیون صنعتگران شرق و جنوب‌شرق (DOGÜNSIFED) تارکان کاداوغلو بود. او تأکید کرد منطقه جنوب‌شرق ۳ میلیون بچه در سن مدرسه دارد و "وقتی شب به این فکر می‌کنیم این بچه‌ها وقتی بزرگ شدند شغل ندارند، خوابمان نمی‌برد. ما از سرمایه‌گذاران می‌خواهیم بدون ترس سرمایه‌گذاری کنند. ما چاره‌ای نداریم جز این‌که برای غلبه بر مشکل امنیت نیروهایمان را متحد کنیم. اینجا بزرگ‌ترین مشکل، مسئله کُردی است. ما از برنامه دموکراسی حمایت می‌کنیم، اما پروسه -دموکراتیزه شدن- نزدیک منطقه نیست. بدون یکپارچه کردن جامعه مدنی و رهبران افکار عمومی، پیشرفتی در این کار حاصل نخواهد شد. همه باید بخشی از این فرایند شوند."[1]

سخنران بعدی که همه منتظر سخنانش بودند خانم بوینر بود. پس از مقدمه‌ای به زبان کُردی که ذکر شد، او بطور خلاصه به بیان مشکلی پرداخت که منجر به اختلاف بزرگی بین مناطق ترکیه شده بود. او سپس در کمال تعجب تأکید کرد که مؤسسه تجار و صنعتگران ترکیه (TÜSIAD) از حکومت محلی قوی حمایت می‌کند. این دیدگاه قطعاً برخلاف دیدگاه نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، حزب عدالت و توسعه (AKP) و احزاب سیاسی دیگر است. او متذکر

---

[1] همان.

شد: "هیچ صلحی در کشور نخواهد بود مگر این‌که در اینجا صلح برقرار شود. ما می‌خواهیم رویای آینده‌ای را داشته باشیم که در آن سلاح‌ها را به خاک سپرده‌ایم. طی ۷۰ سال گذشته، تلاش‌های دردناکی انجام داده‌ایم تا به مشکل کُردی به عنوان مشکلی کُردی نپردازیم. پس از تحمل دردهای غیرقابل بیان، امروز گرفتار شده و تاکنون ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه کرده‌ایم، ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که نمی‌توانیم مسائل را به همان صورتی که هست بنامیم. افراد شجاعی طی این راه طولانی به ما هشدار داده‌اند. ما آنها را تنبیه کرده‌ایم. برخی از آنها کشته، برخی زندانی و برخی نیز تبعید شده‌اند. در همه این موارد، افرادی بوده‌اند که دستاوردهای ناعادلانه‌ای کسب کرده‌اند. کسانی که رنج دیده‌اند نسل فقیری هستند که زندگی‌شان خراب شده است. ما نمی‌توانیم به نادیده گرفتن مشکلات واقعی ادامه دهیم."[1]

بوینر تأکید کرد باید فضای منطقه برای سرمایه‌گذاری بهبود یابد و سازمانش آماده است از همه طرف‌های خواهان سرمایه‌گذاری در جنوب‌شرق حمایت کند. قابل توجه این‌که، او نیز بر اهمیت اتحاد بازیگران منطقه‌ای و بطور آشکار حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و عراق برای توسعه منطقه تأکید کرد. این خط‌مشی و سیاست در

---

[1] همان.

کنفرانس سالانه حزب دموکرات کردستان (KDP) که در ۱۱-۱۷دسامبر در اربیل برگزار شد، توسط نمایندگان آن مورد حمایت قرار گرفت.

او در پایان سخنانش اظهار داشت بخش اشتغال در جنوب‌شرق تا اندازه‌ی زیادی دولت محور است، این وضعیت باید تغییر یابد زیرا ایجاد شغل برای توسعه منطقه و بهبود استاندارد زندگی در آنجا لازم است. بوینر سخنان خود را این گونه پایان برد و گفت، هر زمان که وی از جنوب‌شرق و دیاربکر دیدن می‌کند، شخص بهتری می‌شود. ظاهراً منظور وی از این گفته این واقعیت بود که با دیدار از دیاربکر و جنوب‌شرق، بیشتر به سرکوب کردها و تجارب وحشتناک گذشته و حال آنها آگاهی می‌یابد و به عنوان رئیس مؤسسه‌ای که نماینده بزرگترین بنگاه‌های سرمایه‌داری ترکیه است، احساس می‌کرد که می‌تواند شرایط کردها و دیگر مردمان جنوب‌شرق را بهبود بخشد.[۱]

طرح خودمختاری دموکراتیک کردها

احمد ترک، معاون رئیس کنگره جامعه دموکراتیک (KDK) است که نماینده سازمان‌های تجاری زیادی در جنوب‌شرق بوده و همان ارگانی است که از اظهارات امیت بوینر در مورد حمایت مؤسسه تجار و

---

[۱] همان.

صنعتگران ترکیه (TÜSIAD) از حکومت محلی قوی استقبال کرده بود. مطالبه حکومت محلی قوی طی دو تا سه سال گذشته بطور جدی توسط رهبران کُرد پیگیری شده است. کنگره جامعه دموکراتیک (KDK) در ۱۸-۱۹دسامبر در دیاربکر طرح جامعی با عنوان "مدل دموکراتیک کردستان خودمختار" اعلام کرد. این طرح برای جنوب‌شرق بود و جزئیات بسیار بیشتری از طرح DTP داشت که در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۸ به پارلمان ارائه شده بود. کارگاه این طرح توسط جمع کثیری از شرکت کنندگان کُرد و ترک مانند سرمقاله‌نویس، جنگیز چاندار و نورای مرت و همچنین اعضای سابق دولت، سازمان اطلاعات ملی ترکیه (MİT) و مقامات حکومتی و دیپلماتیک بود.

مهم‌ترین توصیه طرح مزبور این بود که اداره سیاسی منطقه خودمختار در سراسر روستاها، بخش‌ها، شهرک‌ها، شهرها و مناطق پیرامون آنها سازماندهی شود. هیئت عالی رتبه‌تری به نام کنگره جامعه نمایندگی این سازمان‌ها را به عهده خواهد گرفت. این طرح تأکید می‌کرد مدل مزبور هیچ تغییری در مرزها ایجاد نخواهد کرد؛ و فقط در درون مرزهای خود منجر به اتحاد بیشتر برای نیل به هدف واحد خواهد شد. این نتایج به نوبه خود منجر به قرارداد اجتماعی جدیدی بین ترکیه و کردها، و در حالت خوشبینانه بین کردها و ترک‌ها بویژه در عرصه امور اجتماعی، فرهنگی و زبانی خواهد شد. احمد ترک

متذکر شد که دیگر کشورهای چند قومی و فرهنگی مانند اسپانیا، ایتالیا، یونان، بلغارستان و هندوستان این قضیه را به گونه‌ای مدیریت کرده‌اند که صلح و تحمل عقیده مخالف در کشورشان برقرار شده است. مهم‌تر از همه‌ی این موارد، احمد ترک گفت، قانون اساسی جدیدی باید نوشته شود که موافق حکومت‌های محلی با قدرت اجرایی قابل توجه باشد. کارگاه تا اوایل ژانویه ۲۰۱۱ نیز ادامه یافت اما شرح اقدامات و مذاکرات انجام شده در آن به مطبوعات راه نیافت.[1]

با این حال بلافاصله بحث‌هایی بوجود آمد زیرا همزمان دو طرح دیگر نیز ارائه شد. یک طرح از طرف حزب صلح و دموکراسی (BDP) بود که در کارگاه دیاربکر مورد بحث قرار گرفت و طرح دیگر توسط حزب کارگران کردستان (PKK) تهیه و بواسطه *آژانس خبری فرات* منتشر شد. طرح *آژانس خبری فرات* به نسبت طرح BDP خودمختاری بیشتری برای منطقه جنوب‌شرق مطالبه می‌کرد. تفاوت اصلی دو طرح مزبور آنجا بود که طرح BDP خواستار این نبود که زبان کُردی در کنار زبان ترکی به عنوان زبان رسمی مطرح باشد. طرح BDP خودمختاری کامل را نیز مطالبه نمی‌کرد اما خواهان اجرای شکلی از تمرکززدایی اداری بود که حکومت‌های محلی در آن اداره خدمات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، اجتماعی، کشاورزی،

---

[1] *رادیکال*، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰.

صنعت، عمران، گردشگری، ارتباطات و مخابرات، امنیت اجتماعی، زنان، جوانان و ورزش را به عهده بگیرند.[1] طرح مذکور اظهار می‌داشت این گونه مطالبات منطقه‌ای مشابه مطالباتی است که مصطفی کمال طی مصاحبه‌ای با احمد امین یالمان در ۱۹۲۳ انجام داده بود. آتاتورک در آن مصاحبه گفته بود: "حکومت محلی بهترین راه‌حل برای اوضاع کنونی است."

طرح حزب صلح و دموکراسی (BDP) همچنین متذکر شد که چنان مطالباتی مشمول قانون اساسی ۱۹۲۳ بوده است و در قانون اساسی ۱۹۲۱ بطور ضمنی تأیید شده که در کنار زبان ترکی به عنوان زبان رسمی، بنا به بافت جمعیتی کشور دیگر زبان‌های محلی را می‌توان برای انجام امور عمومی و همچنین آموزش مورد استفاده قرار داد.[2] همچنین، طرح BDP برخلاف طرح حزب کارگران کردستان (PKK) خواستار ایجاد نیروهای دفاع از خود، یک کردستان کاملاً خودمختار یا پرچمی جداگانه نبود. شکل طرح PKK نشان از کشمکش برای کسب قدرت بین DTK-BDP و حامیان آنها با کسانی بود که از خط مشی PKK-KCK حمایت می‌کردند.

---

[1] من این اطلاعات را در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۰ با یک ایمیل از پروفسور باسکین اورهان دریافت نمودم.

[2] همان.

انتقاد احسان داغی از طرح خودمختاری دموکراتیک

طرح خودمختاری دموکراتیک حزب صلح و دموکراسی (BDP) انتقادات زیادی را برانگیخت. یکی از بهترین تحلیل‌ها توسط احسان داغی انجام شد. او تحلیل خود را با اظهار دیدگاهش در مورد نکات زیادی آغاز کرد که به زعم وی از نقطه نظر دیدگاه دموکراتیک بی معنی بودند. یکی از این موارد ایجاد واحدهای دفاع از خود بود که به نوعی واحدهای اشتراکی کُردی مشابه شوروی بود. داغی فکر می‌کرد مهمترین جنبه طرح این بود که حزب صلح و دموکراسی (BDP) موضع خود را به صراحت رقابت با حزب عدالت و توسعه (AKP) در انتخابات سراسری ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ اعلام کرده بود. اما وی بر این باور بود که BDP برای تمرکز راهبردش بر دولت یا بر AKP دچار سردرگمی‌شده بود. داغی گمان می‌کرد حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب صلح و دموکراسی (BDP) با وجود اختلافاتی که با هم دارند می‌خواهند بر دولت تمرکز کنند، یعنی می‌خواهند بر ارتش، سازمان اطلاعات ملی و دیگر نیروهای امنیتی که برای مدت مدیدی است با آن درگیر بوده‌اند متمرکز شوند. به زعم داغی BDP نمی‌خواهد هیچ "بازیگر سیاسی" دیگری در فرایند راه‌حل یابی دخالت کند: "قرار دادن دولت به عنوان رقیب در این راستا قابل تحلیل است زیرا پایان این فرایند منجر به تبدیل BDP به عنوان تنها

نماینده سیاسی است که می‌تواند با تمام قوا حرکت و راه‌حلی را تضمین کند؛ دولت هم نمی‌تواند از نظر سیاسی با BDP رقابت کند."[1]
داغی استدلال کرد: "در حالی که دولت به شکل کنونی، حتی اگر در مورد راه‌حل به مذاکره بپردازد، نمی‌تواند وفاداری سیاسی کردها را جلب کند اما AKP چنین قابلیتی را دارد. در واقع، حتی در غیاب مشکل کُردی و نیاز به یافتن راه‌حلی برای آن، AKP تنها رقیب BDP است. هراس PKK/BDP از این است که اگر AKP نقش مرکزی در راه‌حل یابی ایفا کند به عنوان بزرگترین حزب بر سیاست کُردی مسلط می‌شود و در نهایت خط PKK/BDP از بین می رود."[2]

داغی استدلال کرد که، چنان برآیندی به بیرون راندن BDP از مرکز سیاست کُردی منجر خواهد شد. داغی فکر می‌کرد، "این ناامنی بزرگترین مؤلفه آن دسته از گروه‌های کُردی است که راه را به روی حل مسئله مسدود می‌کنند."[3] علاوه بر این داغی گفت: "حزب عدالت و توسعه (AKP) تنها رقیب حزب صلح و دموکراسی (BDP) میان کردهاست؛ و BDP به درستی از افزایش محبوبیت AKP میان

---

[1] *تودیز زمان*، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۰.

[2] همان.

[3] همان.

کردها واهمه دارد. اگر چنین اتفاقی روی دهد برای PKK/BDP چه چیزی باقی می ماند؟"[1]

داغی فکر می‌کرد BDP خواستار رقابت نیست و با حمایت شاخه نظامی‌اش (PKK ؛ KCK) درصدد ایجاد انحصار قدرت است بدین منظور که نمایندگی کردها را در سیاست بر عهده داشته باشد، اما به زعم وی چنان رویکردی "غیرقابل تداوم" بود.[2] او به رهبری BDP توصیه کرد تصمیمی در این راستا بگیرد که "آیا آنها برای ایجاد راه‌حل مشارکت می‌کنند یا همچنان می ترسند که راه‌حلی به رهبری AKP آنها را از بین خواهد برد، و به همین خاطر راه را به روی صلح و کامیابی کردها سد خواهند کرد؟ من فکر می کنم هیچ دلیلی برای نگرانی PKK/BDP از جهت دوران پس از حل مسئله وجود ندارد. رهبران PKK/BDP باید با واقعیت روبرو شوند: دولت امروزه توسط حزب عدالت و توسعه (AKP) هدایت می‌شود و مسئله کُردی با وجود AKP در حکومت حل خواهد شد. برای حل مسئله روزهای بهتری از این روزها نخواهد بود."[3] تحلیل داغی بی‌اساس بود چرا که در همان روز مقاله‌نویس و پروفسور دیگر، امرالله اوسلو اظهار داشت

---

[1] همان.

[2] همان.

[3] همان.

بنا به گزارش خبررسان‌های وی، اگر حزب کارگران کردستان (PKK) تا مارس ۲۰۱۱ به مطالباتی که طی پیشنهاد مذاکرات صلح از حزب عدالت و توسعه (AKP) خواسته است نرسد، دوباره درگیری مسلحانه را از سر خواهد گرفت. PKK دوباره تا قبل از انتخابات ژوئن به جنگ می‌پردازد تا جذابیت AKP را برای رأی دهندگان بویژه رأی‌دهندگان کُرد از بین ببرد.[۱]

پیوستن جلال طالبانی به بحث خودمختاری دموکراتیک

جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق، به هنگام بحث در مورد خودمختاری دموکراتیک در *جلسه سازمانهای دموکراتیک* در استانبول بود و بلافاصله به مباحثه پیوست. طالبانی طرح پیشنهادی حزب صلح و دموکراسی (BDP) را کاملاً تأیید کرد و گفت، زبان کُردی در کنار زبان ترکی باید زبان رسمی ترکیه باشد. وی خاطر نشان ساخت از ۱۹۳۲ به این سو زبان کُردی در کنار زبان عربی به زبان رسمی عراق تبدیل شده و این امر سبب غنای فرهنگی عراق شده است. او شعارش را تکرار کرد و گفت دیگر بیش از این دلیلی برای درگیری مسلحانه وجود ندارد. وی دوباره حزب کارگران کردستان (PKK) را به زمین گذاشتن سلاح فراخواند. او قویاً تأکید کرد که

---

[۱] *تودیز زمان*، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۱.

شرایط سیاسی حساس کنونی در ترکیه نیازمند مذاکره است، اما خاطرنشان ساخت که اتخاذ چنان تصمیماتی می‌تواند یک دهه یا حتی بیشتر هم به طول انجامد.[1]

طالبانی سپس در ادامه خاطر نشان کرد که مسائل حل نشده راجع به مسئله کُردی در ترکیه "هم اکنون در حال وقوع هستند. کردها می‌توانند در دیاربکر و شهرهای دیگر در جلسات عمومی دور هم جمع شوند؛ آنها در پارلمان حضور دارند و مطالباتشان را بیان می‌کنند. آنها مطالب دلخواه‌شان را چاپ و پخش می‌کنند. دیگر هیچ کس هویت کُردی را انکار نمی‌کند. آنها -در شهرها، روستاها و قهوه‌خانه‌ها- با همدیگر به زبان کُردی صحبت می‌کنند. در مدارس خصوصی زبان کُردی آموزش داده می‌شود. همه این کارها ۱۰ سال پیش غیرقابل‌تصور بود. کاری که حزب عدالت و توسعه (AKP) در مناطق کردنشین انجام داده، بخصوص پروژه‌های اقتصادی، خیلی مهم هستند. دستاوردهای هشت سال گذشته برابر دستاوردهای ۳۰ سال قبل از آن است. ما در عراق با تمرکز روی مطالبات سیاسی محض و عدم توجه به کشاورزی و زیربناها مرتکب اشتباه بزرگی شدیم. راه‌حل در ترکیه به حکومت و مردم خودش بستگی دارد. اگر مردم عراق نپذیرفته بودند، ما کردها به حقوقمان دست پیدا نمی‌کُردیم. به یاد

---

[1] حرَیت، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۰.

داشته باشید که تنها ۲ میلیون از ۱۲ میلیون نفری که به قانون اساسی عراق رأی دادند کُرد بودند. این مردم هستند که در ترکیه مسئله را حل می‌کنند؛ آنها باید در بین خود به توافقی دست یابند."[1]

تأکید زیاد بر اهمیت مطالبات دو زبانه و همچنین درخواست خودمختاری محلی با نزدیک شدن انتخابات سراسری ۱۲ ژوئن بیشتر شد؛ حزب صلح و دموکراسی (BDP) انتظار داشت در برابر حزب عدالت و توسعه (AKP) تعداد کرسی نمایندگی بیشتری در پارلمان کسب کند. گوکسل بوزکورد در ۱۹ دسامبر در مصاحبه با یک نماینده کُرد عضو حزب عدالت و توسعه (AKP) نوشت نماینده استدلال کرد که "طرح‌های کُردی و تصمیم AKP برای سازش، در منطقه کردهای زیادی را که خواستار حل مسئله هستند تحت تأثیر قرار داده است. BDP هیچ استدلال قانع کننده و قابل دفاعی برای جلب آراء در انتخابات ندارد. بنابراین، آنها سعی می‌کنند ما [AKP] را با پیش کشیدن بحث دوزبانگی به حاشیه برانند."[2] گوکسل در ادامه استدلال کرد که فقط دو حزب واقعی در شرق و جنوب‌شرق ترکیه وجود دارند و AKP حزب کاملاً برتر است. او مثال آورد که دیاربکر

---

[1] *تودیز زمان*، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۱، در مقاله ای توسط علی بولاچ.

[2] نقل از *کوردیش نیوز* (*Kurdish News*)، ۱۹ دسامبر توسط اِستِلا اشمیت (Estella Schmidt).

۱۰ نماینده دارد، شش نفر آنها از AKP و چهار نفر از BDP بودند. در حکّاری AKP دارای ۲ و BDP دارای یک نماینده هستند؛ شیرناک ۳ نماینده دارد، ۲ نفر BDP و یک نفر AKP؛ باتمان ۴ نماینده دارد ۲ نماینده برای هر یک. نماینده کُرد عضو AKP استدلال کرد از آن‌جایی که BDP نیازمند افزایش قابل توجه تعداد نمایندگانش است، تنها راه برای این کار تأکید بر دو زبان‌گرایی است. BDP هر چه بیشتر بر این امر تأکید کند سود بیشتری عایدش می‌شود. واکنش خشم‌آلود و تند حزب عدالت و توسعه (AKP) در عدم پذیرش درخواست علائم تجاری به هر دو زبان کُردی و ترکی، در جبهه بازار و آموزش به زبان مادری امتیازات روزافزونی برای BDP دارد.

مطالبات زبانی هم‌ردیف و به مثابه مطالبات BDP، KCK و کنگره جامعه دموکراتیک (KDK) برای حکومت بر خود و خودمختاری است. همچنین، نماینده مذکور گفت BDP می‌داند که اگر AKP مطالبات دوزبانگی را بپذیرد در بخش‌های غربی کشور با مشکل مواجه می‌شود.[۱] اما، نماینده مزبور متذکر شد که AKP هنوز شش ماه فرصت دارد تا به چالش‌های BDP پاسخ دهد. با این حال، هنری بارکِی از تحلیلگران مطرح در زمینه سیاست ترکیه گفت انتظار ندارد AKP قبل از انتخابات ژوئن گام جسورانه‌ای در این راستا بردارد. اما

---

[۱] همان.

پس از انتخابات انتظار می‌رود حزب عدالت و توسعه (AKP) در مسند قدرت باقی بماند و "به سرعت برای بررسی و حل قضیه کُردی اقدام خواهد کرد."[1]

بحث‌های بیشتر بین دمیرتاش و اردوغان

مطالبه صلاح‌الدین دمیرتاش در مورد آموزش زبان مادری و طرح خودمختاری حزب صلح و دموکراسی (BDP) بلافاصله توسط اردوغان رد شد. در ۲۷ دسامبر، اردوغان بصورت شفاف اعلام کرد: "ترکی زبان رایج در ترکیه است و هر طرحی که مستلزم تغییر این واقعیت باشد نمی‌تواند پذیرفته شود. این موضوع صلح و اتحاد اجتماعی است."[2] اردوغان همچنین از طرح خودمختاری انتقاد کرد و گفت: "طرح این قضایا در مباحث عمومی به هیچ وجه در راستای دموکراسی، آزادی، صلح اجتماعی یا برادری نیست."[3] نخست‌وزیر BDP را متهم به تلاش برای طراحی مجدد سیاست داخلی در راستای رویکرد سازمانهای ترور نمود: "خیلی غیرمنصفانه است که این پروژه‌های غیرمهم به عنوان مطالبات برادران کُرد من معرفی شوند.

---

[1] *Daily News and Economic Review*، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰.

[2] *Daily News and Economic Review*، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۰.

[3] همان.

صاحبان این طرح‌ها نمایندگی چه تعدادی از شهروندان کُرد من را به عهده دارند؟ آنها نماینده چه تعداد از مردم شرق و جنوب‌شرق ترکیه هستند؟ کسانی که از دموکراسی و آزادی حرف می‌زنند مانع شهروندانم برای استفاده از حقوق شهروندی خود می‌شوند. آنها این کار را از طریق تهدیدات و فشار انجام می‌دهند."[1] وی اضافه کرد که حکومت هرگز اجازه نخواهد داد "هیچ نوع عمل جراحی" برای تقسیم ترکیه انجام شود.[2]

دمیرتاش روز بعد درصدد پاسخ برآمد و گفت BDP صرفاً در پی دفاع از حقوق مردم برای استفاده از زبان مادری‌شان است: "این کار تقسیم قومی یا نژادپرستی نیست بلکه حفاظت از یک زبان ممنوع شده است. اما اگر حزب حاکم مصمم به توهین و بی‌احترامی به کردها و بیرون راندن آنان از دولت است باید بیایند و بدون ابهام حرفشان را بزنند. تفاسیر اردوغان تنها ناسیونالیست‌های ترک را خوشنود می‌کند. به نظر می‌رسد نخست‌وزیر می‌خواهد برای انتخابات سراسری دست در دست ناسیونالیست‌ها حرکت کند؛ این انتخاب وی است. کاری که او می‌کند تنها سبب عمیق‌تر شدن بحران می‌شود."[3] اردوغان گفته

---

[1] همان.

[2] همان.

[3] همان.

بود من همه شما [شهروندان ترکیه] را مشابه هم می کنم؛ ملت من یکی است؛ زبان من یکی است. دمیرتاش در انتقاد از این سخنان گفت، خداوند می‌فرماید ما شما را در فرقه‌های متفاوت خلق نمودیم. آقای نخست‌وزیر کدام کتاب مقدس این حرفها را می‌زند؟ کجای این حرف‌هایت مسلمانی است؟[1]

جنگ لفظی اوجالان-بایدمیر

تقریباً همزمان با تحلیل جنگیز چاندار و پس از به تعویق انداختن دادگاه محاکمه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) به ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱، جنگی لفظی بین دو تن از نمایندگان برجسته جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، یعنی رهبر PKK عبدالله اوجالان و شهردار دیاربکر عثمان بایدمیر رخ داد. به نظر می‌رسید دلیل عصبانیت اوجالان محاکمه KCK و این امر بود که جنبش نافرمانی مدنی که بطور روز افزونی تقویت می‌شد ممکن بود به کاهش اهمیت و وزنه حزب کارگران کردستان (PKK) بین جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه و در نتیجه منجر به حاشیه رفتن PKK گردد و از این رو، نقش اوجالان به عنوان طرف صحبت با نهادهای دولتی و حتی ارگنکون از بین رفته و پایان یابد. ظاهراً خشم اوجالان ناشی از

---

[1] همان.

جمله‌ای بود که بایدمیر بطور روز افزونی تکرار می‌کرد و می‌گفت "زمان درگیری مسلحانه گذشته است"؛ این جمله بطور ضمنی دلالت بر این داشت که زمان حزب کارگران کردستان (PKK) و خود اوجالان نیز گذشته است. این، البته مطلب جدیدی نبود که بایدمیر مطرح کرده باشد بلکه تعدادی از دیگر رهبران جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، بخصوص در دیاربکر نیز این مطلب را بیان کرده بودند. بایدمیر در ۱ نوامبر در دیدار با سفیر کانادا مارک بایلی این دیدگاه را تکرار کرد و اظهار داشت: "درگیری مسلحانه کارایی خود را برای حل مسئله کُردی از دست داده است."[1]

اوجالان سه انتقاد و درخواست از بایدمیر و رهبران جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در دیاربکر مطرح کرد. اولین مورد این‌که، "بایدمیر باید از پست شهرداری استعفاء و به کسانی بپیوندد که نزدیک AKP هستند. دومین درخواست این بود که او باید به خودانتقادی صادقانه از خودش و سیاست‌هایش روی آورد. سومین مورد این‌که، او باید خودش را بازنشسته کرده و در خانه با خود فکر کند که قدرتش چقدر بوده است. آیا کسانی که اطراف بایدمیر هستند از چیزی نمی ترسند؟ من جوانان دیاربکر را می شناسم، آنها دهانش را پاره خواهند کرد و اجازه این کار (به حاشیه‌رانی PKK) را نخواهند

---

[1] *بیانت*، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰.

داد. کسی که در کوه‌های قندیل نبوده چطور جرأت می‌کند چنین چیزی بگوید؟ هیچ نیازی به شارلاتان بازی یا تملق ریاکارانه نیست. این کارها من را دیوانه می‌کند؛ نمی‌توانم کلمات مناسبی برای بیان آن پیدا کنم. این افراد چه هستند، قمارباز؟ چرا احمد [ترک] و آیسل [توغلوک] کار اصلی خود را رها کرده و در مورد نیروهای مسلح [PKK] صحبت می‌کنند؟"[۱] "اگر سلاح‌ها رها شوند، شما نمی‌توانید برای بیش از دو ماه روی این صندلی [شهرداری] بنشینید."[۲]

بایدمیر به شیوه مناسبی حمله اوجالان را پاسخ داد و گفت، در فرهنگی که عضوش هستند انتقاد اجتناب‌ناپذیر است. بایدمیر گفت: "انتقاد کردن، ابراز دوستی است؛ انتقاد سبب تقویت می‌شود. انتقاد امری مقدس است. هر کسی حق دارد از من انتقاد کند. باورها و ایده‌ها در یک شب عوض نمی‌شوند. هر کسی حق دارد از هر گفته، ایده، آرزو یا فراخوانی من انتقاد کند. این طبیعی‌ترین حق است."[۳]

اما جنگ لفظی بایدمیر-اوجالان هنوز به پایان نرسیده بود. در ۲۵ نوامبر در پاسخ به گزارشاتی مبنی بر این‌که وی پیامی آشکار برای اوجالان فرستاده و گفته در انتخابات آتی کاندیدای پست شهرداری

---

[۱] *تاراف*، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰.

[۲] همان.

[۳] همان.

نخواهد شد، بایدمیر به رسانه‌ها گفت آنها نباید هر چیزی را که در اینترنت می‌خوانند باور کنند. او گفت بیشتر این مطالب دروغ و دغل بازی کسانی است که نقشه‌های پلیدی برای درست کردن نزاع و درگیری دارند. او تأکید کرد که تنها باید به بیانیه‌های رسمی خودش یا حزبش توجه شود و هیچ ادعا یا اظهاریه دیگری اعتبار ندارد.[۱]

روز بعد انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) از طریق درگاه رسانه‌اش *آژانس فرات* بیان کرد: "چه هنگامی انتقاد لازم و خودانتقادی باید صورت گیرد. هنر و فضیلت در این است که به هنگام ارتکاب اشتباه، خودانتقادی صورت گیرد. در مبارزه برای آزادی، این سنتی بنیادین است. رهبرمان هشدارهای خاص و انتقاداتی از برخی سیاست‌مداران کُرد مطرح کرد. این امری عادی و معمول است. در کردستان همه افراد می‌توانند دیدگاهشان را آزادانه بیان کنند. از طرف دیگر این مطلب باید برای سیاست‌مداران کُرد روشن شود که در مبارزه برای آزادی، لازم است از معیارهای بنیادین خاصی پیروی شود. لازم است که اظهارات افراد در این چارچوب ابراز شود. برخی محافل بصورت بین‌المللی متون متفاوتی را به منظور نفوذ در افکار عمومی و نیل به نتایجی خاص جمع‌آوری می‌کنند. رسانه‌های ترکیه این انتقادات و تهدیدات را برای تفرقه‌اندازی بیان می‌کنند. آنها

---

[۱] *تاراف*، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۰.

می‌خواهند آب را از ۴۰ نهر متفاوت بیاورند. در راه‌حل دموکراتیکی که مدنظر ماست، لازم است طرز رفتار مناسبی پذیرفته شود. ما متأسفیم که رسانه‌های ترکیه چنین کاری نمی‌کنند."[1]

بورژوازی دیاربکر نیز بویژه پس از انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ به روشنی نشان داد که به جای متوسل شدن به سلاح بر این باور است که زمان مذاکره جدی با دولت فرا رسیده است. اما بورژوازی و NGOهای مدنی و مؤسسات حرفه‌ای دیاربکر نمی‌توانستند بصورت سریع و قوی برای ایجاد یا سازماندهی جنبش‌های مدنی برای دور نگاهداشتن خودشان از PKK و بخصوص KCK اقدام کنند. KCK حضوری قوی دارد و در واقع، کنترل زیادی بر همه شهرها، شهرکها و حومه شهرهای جنوب‌شرق دارد. انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ و حضور قوی BDP نیز سبب تقویت آنها شد. از این رو، آنها تلاش نمودند اهرم‌های بیشتری را برای مدیریت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه در دستان خود گرفته یا تحت نفوذ خود در آورند.[2] محاکمه KCK و احتمال بوجود آمدن یک جنبش مردمی قوی‌تر برای نافرمانی

---

[1] *بیانت*، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰.

[2] برای آگاهی از جزئیات سیاست‌های ترکیه، PKK، KCK و بورژوازی کُردی از انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه تا انتخابات محلی ۲۹ مارس نگاه کنید به کتاب خون، باورها و برگه‌های رأی ... صفحات ۸۳-۲۸۵.

مدنی که به میزان بیشتری از اهمیت حزب کارگران کردستان (PKK) می‌کاهد، بدون شک همان دلیلی بود که سبب شد رهبر PKK در برابر اظهارات بایدمیر بگوید، "آنها مرا دیوانه می‌کنند."[1]

مفسرانی مانند سدات لاچینر از سازمان تحقیقات بین‌الملل (USAK) خاطر نشان کردند اوجالان مدتی با نمایندگان دولت صحبت و مذاکره داشته و عجله دارد که از گفتگوهای مداوم نتیجه‌ای بدست آورد. در غیر این‌صورت او قدرت چانه‌زنی‌اش را از دست خواهد داد و به همین دلیل است که این‌قدر [با خشونت] به اظهارات بایدمیر که گفته: "سلاح‌ها وسیله‌ای برای حل مشکل نیستند و نقش آنها در قرن ۲۱ تمام شده"[2] واکنش نشان می‌دهد. روزنامه *تودیز زمان* گزارش کرد: "اوجالان به وکلایش گفته است که افکار عمومی ترکیه می‌گوید افرادی چون بایدمیر باید به عنوان طرف صحبت برای حل و فصل مسئله کُردی مورد توجه قرار گیرد نه او."[3]

سدات لاچینر همچنین فکر می‌کرد مذاکرات اوجالان و حزب کارگران کردستان (PKK) با نمایندگان دولت را نباید به عنوان "اعتدال و میانه‌روی" از جانب آنها دید، این کار آنها برای

---

[1] *تاراف*، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰.

[2] *تودیز زمان*، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰.

[3] همان.

بهره‌برداری کردن از نهادهای دموکراتیک است یعنی می‌خواهند از طرح‌های دموکراتیک دولت به نفع PKK استفاده کنند. بایدمیر و حامیانش با مسلم دانستن این‌که درگیری مسلحانه دیگر ابزار مناسبی برای نیل به اهداف جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه نیست، سبب تضعیف PKK و KCK می‌شوند. این بدان معناست که PKK و KCK هنوز از خشونت حمایت می‌کنند حال آنکه بایدمیر، NGOهای کُردی، سازمانهای مدنی کُردی و بورژوازی کُردی این کار را نمی‌کنند.[1] البته، این بدان معنا نیز هست که دولت باید با دسته دوم به مذاکره بپردازد نه PKK و KCK وابسته به آن.

ابراهیم گوچلو، از اندیشمندان برجسته کُرد نیز فکر می‌کرد که PKK مدتی از بایدمیر و دیگر ضد اوجالانی‌ها ناخشنود بوده است، اما بایدمیر برای مقاومت در برابرشان به اندازه کافی از حمایت عمومی برخوردار است: "بایدمیر سیاست‌مدار مهمی است که در دنیای سیاست به حساب می‌آید، و اوجالان که عاشق اندیشه خود است نمی‌تواند در برابرش بایستد."[2] اما لاچینر و گوچلو، هر دو گفتند: "جای تعجب نیست اگر بایدمیر به وقت خود از دنیای سیاست به

---

[1] همان.

[2] همان.

بیرون رانده شود."[1] هر دو نفر گمان می‌بردند که انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) تلاش نموده بایدمیر و محبوبیت او را که بطور موقت در حال افزایش بود، محدود کرده و با عدم موفقیت مواجه سازد. طعنه‌آمیز این‌که، علی‌رغم تلاش‌های KCK برای محاصره بایدمیر و طرفدارانش در جنوب‌شرق، او در میان ۱۵۲ نفری بود که برای محاکمه KCK بازداشت، توقیف و متهم شده بودند. شاید سیاست دولت این بود که به سرکوب و مدیریت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی و همه فعالان را، چه عضو حزب کارگران کردستان (PKK) و انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) باشند و چه ضداوجالانی، محاکمه کند. بنا به کیفرخواستی که برای پرونده ارگنکون ارائه شد، بایدمیر محکوم به مرگ شده بود.[2] گوچلو فکر می‌کرد بایدمیر از "روابط تاریک بین دولت پنهان [ارگنکون] و اوجالان" زیاد می‌دانست: این دلیل دیگر بایدمیر برای حفظ فاصله بود.[3] لاچینر و گوچلو، هیچ یک به این اشاره نکردند که شاید دولت ترجیح دهد با حزب کارگران کردستان (PKK) و اوجالان مذاکره کند تا رهبران جنبش نافرمانی مدنی که بطور روزافزونی قدرتشان

---

[1] همان.

[2] همان.

[3] همان.

بیشتر می‌شود و به واسطه مطالبات روزافزون برای آموزش به زبان مادری در حال تحکیم و تقویت خود هستند. دسته دوم می‌تواند ثابت کند حریف و مبارز قویتری است تا PKK.

تنها چند روز پس از نزاع رسانه‌ای بین بایدمیر و اوجالان، نفر دوم ناخشنودی خود را با اعلام این مطلب نشان داد که PKK شاید دوره آتش‌بس را تا پس از انتخابات سراسری در ماه ژوئن، آن گونه که قبلاً اعلام نموده، تمدید نکند و آن را تنها تا ۱ مارس ۲۰۱۱ ادامه دهد.[۱] رهبر حزب کارگران کردستان (PKK) گفت، تصمیم مذکور بر اساس این واقعیت بود که دولت به آتش‌بس قبلی اعلام شده توسط PKK، هیچ توجهی نکرد. او گفت این آتش‌بس، آخرین آتش‌بس خواهد بود. او از این‌که دولت و ارتش آماده راه‌حلی برای مسئله کُردی هستند اما AKP آماده نیست، شکایت کرد. چند روز بعد اوجالان دوباره تاریخ آتش‌بس را به ماه ژوئن (یک ماه زودتر) عقب کشید؛ و این نیز نشانه دیگری از کاهش نفوذ PKK و اوجالان در برابر فرایندهای سیاسی سازی در حال اجرا بود.[۲]

---

[۱] *بیانت*، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰.

[۲] *تارف*، ۹ دسامبر ۲۰۱۰.

مذاکرات حزب صلح و دموکراسی (BDP) و حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP)

اوجالان نیز باید از گزارشات اواسط نوامبر در مورد این‌که حزب صلح و دموکراسی (BDP) درصدد ائتلاف با احزاب سیاسی دیگر، بویژه حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP) است نگران شده باشد. اگر چه رهبر CHP کمال کلیچداروغلو چنان راهبردی را از طرف CHP تکذیب کرد، با این وجود بسیاری از مفسران بر این واقعیت تأکید کردند اگر CHP می‌خواهد شانسی داشته باشد تا یک‌بار دیگر به حزب اکثریت یا حتی حزب حاکم در حکومتی ائتلافی تبدیل شود، در واقع ناچار است چنین راهبردی اتخاذ کند. طی روزهای مقدس به مناسبت عید قربان در ماه نوامبر هیئت‌های نمایندگی زیادی از طرف CHP و BDP با یک‌دیگر دیدار کردند که به نظر اغلب کارشناسان این دیدارها چیزی فراتر از تبریک عید بودند. نشانه دیگر مذاکرات بین BDP و CHP در ۲۰-۲۱ نوامبر به هنگامی بروز کرد که کلیچداروغلو به منظور احیای موقعیت افول یافته CHP در استان‌های شرقی و جنوب‌شرقی از دیاربکر دیدار نمود. قابل توجه این‌که، هنگامی که وی در فرودگاه دیاربکر فرود آمد، توسط سزگین تانریکولو مورد استقبال قرار گرفت. تانریکولو یکی از نمایندگان سیاسی برجسته جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در جنوب‌شرق است.

او نیز مانند بایدمیر و دیگر NGOهای دیاربکر برای مدت مدیدی از زمین گذاشتن سلاح طرفداری کرده است. او اغلب اظهار داشته اقدامات مسلحانه، انفجارها و کشتارهای انجام شده توسط PKK (هر چند همیشه از گفتن کلمه "PKK" خودداری کرده) یا توسط عوامل ارگنکون، موانع بزرگی برای انجام مذاکرات جدی بین دولت و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی، برای حل مسئله کُردی بوده است. استقبال تانریکولو از کلیچداروغلو بر این دلالت داشت که NGOهای مهم، سازمانهای مدنی و تجاری نماینده بورژوازی کُردی دیاربکر و استان‌های جنوب‌شرقی خواستار اتمام درگیری مسلحانه هستند و می‌خواهند PKK و اوجالان را به حاشیه برانند.[۱]

بین اعضای دو حزب صلح و دموکراسی (BDP) و خلق جمهوری‌خواه (CHP) به اندازه‌ای تماس برقرار بود که دو حزب را آماده هر گونه ائتلاف نماید، اما رابطه‌ای که کلیچداروغلو در دیاربکر با مقامات عالی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در دیاربکر برقرار کرد بر این دلالت داشت که چنان تماس‌هایی، فارغ از این‌که به شکل هر گونه ائتلاف درآید یا نه، ادامه خواهند یافت. این امر نشان می داد که چنان تماس‌هایی با CHP و دیگر احزاب سیاسی در آینده نیز ادامه خواهند یافت چرا که BDP و دیگر احزاب سیاسی درصدد

---

[۱] حرّیت، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰.

هستند در انتخابات سراسری ژوئن ۲۰۱۱ خود را در برابر حزب عدالت و توسعه (AKP) بیشتر تقویت کنند. لازم به ذکر نیست که چنان سیاستی تا چه اندازه اوجالان و دیگر رهبران PKK پنهان شده در کوه‌های قندیل را آشفته و ناراحت می‌کند.

پیوستن سزگین تانریکولو به حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP)

یک هفته پس از دیدار کلیچداروغلو از دیاربکر معلوم شد که چرا تانریکولو طی همه توقف‌هایی که کلیچداروغلو در دیاربکر داشته، وی را همراهی کرده است؛ او در مصاحبه‌ای با روزنامه *تاراف* اعلام کرد که برخلاف تصور اکثر مفسران می‌خواهند به حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP) بپیوندد نه حزب صلح و دموکراسی (BDP). دلایلی که او برای این تصمیم ذکر کرد تفسیر مهمی است که شاید جهت آتی سیاست کُردی در ترکیه، یا حداقل جهت سیاست ناسیونالیست‌های کُرد طرفدار به زمین گذاشتن سلاح را نشان دهد. تانریکولو دلایل متعددی برای تصمیمش ذکر کرد:

> " از هم اکنون من فعالیت سیاسی خودم را در حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP) ادامه خواهم داد. همان‌گونه که آقای کلیچداروغلو اظهار داشتند نیاز به سومین صحنه سیاست در ترکیه

وجود دارد. از نگاه دموکراسی وجود این صحنه لازم است. من در حزب نقشی به عهده خواهم گرفت زیرا فکر می‌کنم CHP می‌تواند این نقش را پر کرده و مسیری برای رخ دادن آن باز کند. این امری بسیار ضروری است که حل مسئله کُردی فقط در اختیار حزب عدالت و توسعه (AKP) قرار نگیرد. اساساً، همه جای دنیا، این برنامه‌ها و پروژه‌های احزاب چپ و دموکراتیک بوده که به حل چنان مسائلی کمک کرده است. از یک طرف این شامل دور هم جمع شدن چپ پویای ترکیه است؛ و از طرف دیگر به معنای ائتلاف چپ‌های اروپا و جهان است. سیاست حل در چنین فرایندی توسعه خواهد یافت. مسئله کُردی تنها در قالب سومین صحنه‌ی این چنینی حل خواهد شد. لازم است که CHP به وسیله‌ای برای حل مسئله کُردی تبدیل شود. با دنبال کردن مسیر قوانین دموکراتیک همگی خواهند توانست بطور مساوی مشارکت داشته باشند. حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP) راه را برای این کار مهیا خواهد کرد. همه

مجامع مدنی، اندیشمندان و همه احزاب سیاسی دیگر متعهد خواهند شد که این راه را دنبال کنند. راه CHP برای (نیل به) قدرت نه تنها برای کردها بلکه برای همه‌ی ترکیه خوب خواهد بود؛ این حزب دیگر مناطقی را که [از قدرت] دور افتاده‌اند نیز جمع خواهد کرد. گام‌هایی برای انجام این کار برداشته شده است. CHP مایل به انجام این دگرگونی‌هاست."[1]

این واقعیت که یک ناسیونالیست تند کُرد مانند تانریکولو، بازی در نقش مهمی در سیاست CHP را انتخاب می‌کند و برخلاف BDP به مسائلی غیر از مسئله کُردی نیز توجه دارد، نشان می‌دهد وی فکر می‌کند قبولاندن حقوق بنیادین مورد درخواست کردها به دولت، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MİT)، دیگر احزاب سیاسی و بخصوص AKP تا چه اندازه مشکل و چالش‌زا است. روشن بود که تانریکولو فکر می‌کند این مسئله باید در مقیاس ملی و با حمایت دیگر احزاب سیاسی، بخصوص احزابی مانند CHP حل شود که مدعی میراث سوسیالیستی هستند، هر چند که این میراث در چند دهه گذشته ناقص بوده باشد. اقدام تانریکولو بر این هم دلالت داشت

---

[1] *تاراف*، ۳۰ نوامبر ۲۰۱۰.

که وی نه تنها معتقد است دوران درگیری مسلحانه گذشته است، بلکه بر این باور نیز هست که احزاب سیاسی کُردی مانند حزب جامعه دموکراتیک (DTP) و حزب صلح و دموکراسی (BDP)، بدون پیوستگی با دیگر احزاب سیاسی، بویژه آن دسته که چپ یا حداقل چپ میانه تلقی می‌شوند، نخواهند توانست به اهداف اساسی خود دست یابند. کوتاهی در توسعه (پیوستگی با احزاب دیگر) سبب می‌شود دولت، TAF، سازمان‌های اطلاعاتی و پلیس ملی به استفاده از هر وسیله ممکن برای بازداری، مانع‌تراشی، انسداد و ممانعت از مطالبات اساسی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه ادامه دهند.

کلیچداروغلو به سرعت اقدام کرد. تنها چند هفته پس از پیوستن تانریکولو به حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP)، کلیچداروغلو او را به سمت معاون مسئول مسئله کُردی در شرق و جنوب‌شرق منصوب کرد. او همچنین اعلام داشت که CHP دفاتر جدیدی در استان‌های شیرناک و حکّاری باز خواهد کرد و شخصاً به همراه تانریکولو به مسائل رسیدگی خواهند کرد. مشارکت جدید بوجود آمده بین تانریکولو و ریاست CHP، نشانه تغییر ریشه‌ای رویکرد CHP به مسئله کُردی بود.

دیدگاه تانریکولو مبنی بر مشارکت چندین حزب سیاسی چپ، بویژه مشارکت CHP برای حل مسئله کُردی شایان اهمیت بوده و

اثبات خواهد شد. این امر نشان می‌داد برخی رهبران کُرد، چون تانریکولو، فکر می‌کردند کلیچداروغلو که خود نیز یک کُرد علوی است، در تأکید بر رسیدگی مستقیم و شخصی به مسئله کُردی صادق بوده است. به نظر می‌رسد اقدام کلیچداروغلو در منصوب نمودن تانریکولو به عنوان معاون خود، حاکی از صداقتش بود.[1] اقدام کلیچداروغلو همچنین بطور ضمنی بر این دلالت داشت که CHP درصدد است در انتخابات سراسری ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ با AKP درباره مسئله کُردی به رقابت بپردازد. طی روزهای پایانی ۲۰۱۰ فضای سیاسی برای مسئله کُردی بطور آشکار باز می‌شد.

گسترش سیاسی مسئله کُردی

علاوه بر اقدامات ارتش و پلیس، از انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه به این سو، معلوم شد که وسیله مطلوب برای ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، قوه قضائیه است. محاکمه ماه نوامبر KCK مثال خوبی از این نوع مدیریت است. اعطای امتیازات (به کردها) بطور فزاینده اما کنترل شده بود که نمونه‌هایی از آن، حق پخش برنامه کُردی از رادیو و تلویزیون دولت، اجازه آموزش زبان کُردی در مدارس و کلاس‌های خصوصی، و حتی اجازه آموزش زبان

[1] حرّیت، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۰.

کُردی در دانشگاه‌ها بود به شرطی که کلمه کُردی برای عنوان نام دانشکده‌های محل تدریس ذکر نشود.[1]

در اواخر نوامبر، وزیر فرهنگ و گردشگری ارطغرل گونای حتی اعلام کرد که وزارتخانه‌اش حماسه مشهور کُردی *مَم و زین* (*Mem-u Zin*) را منتشر خواهد کرد، این اقدام نیز گامی در راستای اعطای حق زبان بود و هدف از آن جلب همکاری کردهای بیشتر برای جلوگیری از پیوستن یا حمایت آنها از احزاب و سازمان‌های ناسیونالیست کُرد یا گروه‌های مدنی و آموزشی بود.[2] از انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ و بخصوص از انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹، تحلیلگران و خبرگان از این حمایت می‌کردند که حزب کارگران کردستان (PKK) باید به حزبی مشابه حزب جامعه دموکراتیک (DTP) و متعاقب بسته شدن این حزب در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹، به حزبی مشابه حزب جایگزین آن یعنی حزب صلح و دموکراسی (BDP) تبدیل شود؛ این بدان معناست که PKK باید از درگیری مسلحانه دست برداشته و جنبه سیاسی به خود بگیرد.

---

[1] برای مثال، در دانشگاه آتاتورک در ماردین زبان کُردی در دانشکده‌ای به نام دانشکده زبان‌های زنده آموزش داده می شود.

[2] *رادیکال*، ۱ دسامبر ۲۰۱۰.

اما چند تحلیل‌گر نیز فکر می‌کردند سیاسی سازی مسئله کُردی تا جایی ادامه یافته که یکی از تندروترین ناسیونالیست‌های کُرد که سیاست‌مداری قهار است از هر راه‌حل معقول و مناسبی برای حل مسئله کُردی حمایت کرده، و از سیاست‌مداران ناسیونالیست کُرد نیز خواسته است برای تحت فشار گذاشتن دولت به احزاب سیاسی اصلی بپیوندند تا بدین طریق به راه‌حلی قابل قبول برای کردها دست یابند. به نظر می‌رسد تمایل برخی اعضای جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی، همانند تانریکولو، برای ایجاد روابط خوب، AKP را نگران کرده باشد. در ۱۰ نوامبر حسین چلیک، معاون رئیس AKP دوباره گفت، شایان ذکر است که کلیچداروغلو یکی از کردهای علوی اهل درسیم است. چلیک گفت هنگامی که او به یکی از اعضای برجسته CHP تبدیل شد، می دانست که حزب این قضیه را نخواهد پذیرفت بنابراین در مصاحبه با روزنامه و دیگر رسانه‌ها می‌گفت خانواده‌اش ترکمن بوده‌اند. چلیک اظهار داشت این غیرقابل قبول است که کلیچداروغلو این‌قدر فرصت‌طلب است.[1] از طرف دیگر، تانریکولو و دیگر رهبران ناسیونالیست کُرد نیز شاید فکر کرده باشند که ریشه علوی و کُردی کلیچداروغلو ممکن است برای دستیابی به مطالبات کُردی مفید واقع شود.

---

[1] *رادیکال*، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰.

حزب کارگران کردستان (PKK)، اوجالان و فتحا... گولن

علاوه بر روابط روز افزون بین جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه و حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP)، و درخواست روز افزون NGOهای کُردی، بورژوازی کُردی و کنگره جامعه کُردی (KTK) تحت رهبری احمد ترک و آیسل توغلوک، مبنی بر این‌که حزب کارگران کردستان (PKK) باید خلع سلاح شود، باعث شد عبدالله اوجالان و PKK نتوانند ساکت بمانند. در ۸ دسامبر اوجالان از طریق وکلایش، و همچنین در مصاحبه‌ای با حسین گولرجه روزنامه نگار روزنامه *زمان* که در خدمت جنبش فتح ا... گولن است، اعلام کرد PKK به منظور حل مسئله کُردی آماده همکاری با جنبش گولن است.[1] این خبر موجب بهت و حیرت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی شد. جنبش مسلمانان خیّر فتح ا... گولن بنا به باور عموم، حامی AKP و سیاست‌هایش است و برای کاهش جذابیت ناسیونالیسم کُردی جنگ طلب از افزایش جذابیت برادری مسلمانی استفاده می‌کند. این بدان معناست که هویت‌های مذهبی بر هویت های قومی تقدم و اولویت یابند. دولت و احزاب سیاسی، بویژه AKP پس از نیل به

---

[1] *تاراف*، ۹-۱۰ دسامبر ۲۰۱۰؛ *رادیکال*، ۹ دسامبر ۲۰۱۰.

قدرت در نوامبر ۲۰۰۲ چنین سیاستی را دنبال کرده‌اند.[۱] سیاست‌های جنبش گولن و AKP توسط آمنه آینا بطور کامل روشن شدند. او در دسامبر ۲۰۰۹ به هنگام رقابت برای انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ اعلام کرد که: "حزب عدالت و توسعه (AKP) با استفاده از جنبش گولن با احساسات آنها [کردها] بازی می‌کند. مسلمانان واقعی به دنبال راه‌حلی صلح آمیز برای این مسئله هستند این‌ها (هم AKP و هم گولنچی‌ها) مسلمانان واقعی نیستند."[۲] این واقعیت که به نظر می‌رسید اوجالان و رهبریت PKK درصدد پیوند با جنبش گولن بودند بطور ضمنی حاکی از این بود که PKK تا چه اندازه در حال به حاشیه رفتن است.

در مصاحبه با گولرجه، اوجالان اظهار داشت: "جنبش گولن و ما [PKK] هر دو بازیگران مهمی در ترکیه و خاورمیانه هستیم. بدون چشم‌داشت به هرگونه نفع سیاسی جنبش گولن می‌تواند نقشی مهم در دموکراتیزه سازی و آگاه سازی جامعه ایفا کند. در واقع، جنبش گولن می‌تواند به حزبی سیاسی در خاورمیانه تبدیل شود. آنها نیز مانند ما نیروهای پویایی دارند. در صورتی که این دو دسته از نیروها به

---

[۱] برای جزئیات بیشتر در این موضوع نگاه کنید به کتاب خون، باورها و برگه‌های رأی ... صفحات ۹۵-۱۰۱.

[۲] *رادیکال*، ۳ دسامبر ۲۰۰۸.

تفاهم و همکاری برسند، بسیاری از مشکلات بنیادی و اساسی ترکیه حل خواهد شد."[1]

احمد ترک، معاون رئیس DTK، بلافاصله به پیشنهاد همکاری اوجالان به جنبش گولن پاسخ داد. او گفت، البته که جامعه کُردی آماده شنیدن ایده همه افراد و به اشتراک گذاری ایده ها با هر دوی حزب عدالت و توسعه (AKP) و حزب خلق جمهوری‌خواه (CHP) است. وی گفت، کار با جنبش گولن برای جامعه کُردی و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی ممکن بود، اما به شرطی که جنبش گولن بر تبلیغات مذهبی به منظور تضعیف هویت و ناسیونالیسم کُردی اصرار نکنند. احمد ترک گفت او با هر سازمانی که بخواهد ایدئولوژی خود را بر کردها تحمیل کند مخالف است و اتخاذ چنان سیاستی خطرناک است: کردها نیازی به هیئت‌های مبلغ مذهبی ندارند زیرا کردها بیش از دیگران مذهبی هستند. رهبران ناسیونالیست کُرد با کار چنین هیئت‌های مذهبی در میان کردها مخالفت خواهند کرد.

آلتان تان نویسنده و اندیشمند کُرد، از دیدگاه احمد ترک حمایت کرد. آلتان تان به وضوح بر این باور بود که ایدئولوژی جنبش گولن کاملاً دینی و مذهبی و تبلیغات سیاسی است. او فکر می کرد این اشتباه

---

[1] *تاراف*، ۹ دسامبر ۲۰۱۰.

است که کسی سعی کند کردها یا علوی‌ها را به "مسلمانان واقعی" تبدیل کند.[1]

صلاح‌الدین دمیرتاش رهبر BDP اظهار داشت که BDP آماده است با هر گروه، سازمان یا حزب سیاسی برای حل مسائل ترکیه و به منظور برقراری دموکراسی واقعی همکاری کند. اما متذکر شد که بیانیه اوجالان باید بطور مستقیم به رهبری جنبش گولن منتقل شود نه BDP.[2] قابل توجه این‌که، امین آکتار رئیس کانون وکلای دیاربکر خاطر نشان کرد که این اولین بار است که اوجالان چنین پیشنهادی به جنبش گولن می‌کند و در نظرش این حرکت مثبتی است. او فکر

---

[1] تاراف، ۱۰ دسامبر. مترجم: مشخص نیست آیا منظور وی این است که کردها و علویان خودشان مسلمان واقعی هستند و این تلاش بیهوده است، یا کردها و علویان نمی‌توانند مسلمانان واقعی باشند! اما نگاهی اجمالی به جامعه کُردی نشان می دهد کردها اگر بیشتر از دیگر اقوام به مذهبشان اعتقاد نداشته باشند اعتقاداتشان کمتر از آنها هم نیست. تاریخ کردها گواهی روشن بر این مدعاست. در ذکر مثال همین بس که در جنگ جهانی اول، و زمانی که تمام اعراب مسلمان به دنبال تشکیل کشور برای خود و تجزیه امپراتوری عثمانی بودند و برای نیل به این مقصود با همه بازیگران سیاسی غیرمسلمان نیز همکاری و علیه برادران ترک مسلمان می جنگیدند، کردها با اعلام جهاد علیه مسیحیان و بخاطر اتحاد مسلمانان در کنار ترکها قرار گرفتند. هنوز هم بسیاری از کردهای ترکیه حاضر نیستند بخاطر اشتراک مذهبی با ترکها بطور جدی بر حقوق و مطالبات سیاسی قومی خود پافشاری کنند.

[2] همان.

می‌کرد پیشنهاد اوجالان با استقبال کردها در جنوب‌شرق مواجه خواهد شد. وی همچنین اظهار داشت که اگر رهبریت جنبش گولن دخالت کند یافتن راه‌حلی برای مسئله کُردی آسان‌تر خواهد شد. گالیپ انصاراوغلو، رئیس موسسه تجارت و صنعت دیاربکر با آکتار موافق بود. او نیز فکر می‌کرد BDP باید به همکاری با جنبش گولن نگاه مثبتی داشته باشد. او متذکر شد، در صورتی که خواهان یافتن راه‌حلی برای مسئله کُردی هستیم، باید گروه‌هایی که بیشترین اثرگذاری را دارند با هم همکاری کنند، وی بطور ضمنی منظورش این بود که کردهای زیادی در جنوب‌شرق عضو یا موافق جنبش گولن بودند.[1] یکی از ابعاد کشمکش بر سر قدرت میان جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی بخصوص کشمکش میان PKK و NGOهای کُردی، BDP، DTK و بورژوازی دیاربکر بر سر این بود که آیا PKK باید خلع سلاح شود یا نه. اما پیشنهاد اوجالان برای مذاکره با جنبش گولن این احتمال را تقویت کرد که جنبش گولن موضعش را برای برتری و تسلط بر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی تقویت کند. اما برخی تحلیلگران دیگر متذکر شدند جنبش گولن همیشه با تاکتیک‌های خشن حزب کارگران کردستان (PKK) مخالفت کرده نه با نزدیک شدن به حزب جامعه دموکراتیک (DTP) یا حزب صلح و

---

[1] همان.

دموکراسی (BDP). اما این بدان معنا نیست که جنبش گولن روابطش را با دیگر گروه‌های کُردی یا جامعه کُردی تقویت خواهد کرد. با این کار جنبش گولن قادر خواهد بود در راستای ایجاد حامیان و موافقانش برای آینده گام بردارد. خود فتح ا... گولن نخست‌وزیر اردوغان را بخاطر انتقاد تند از اسرائیل در قضیه کشتی ماوی مرمره که در ماه می ۲۰۱۰ اتفاق افتاد، مورد شماتت قرار داد و این کار تا حدودی موجب رضایت خاطر BDP، KCK و DTK گردید. اما از آنجا که فتح ا... گولن و طرفدارانش مرتباً ادعا می‌کردند طرفدار صلح، تحمل عقیده مخالف و برادری هستند، شاید آنها بخواهند نقش قوی‌تری نیز در حل و فصل مسئله کُردی ایفا کنند. به نظر می‌رسید عبدالله اوجالان نیز به هنگام پیشنهاد به گولنچی‌ها برای مذاکره، این گونه می اندیشیده است. به هر حال، اعضای جنبش گولن نیز ذهنیت مشابهی به این قضیه داشتند. چنان پیشرفتی توسط دولت و احزاب سیاسی جریان اصلی نیز مورد حمایت قرار می گرفت. این قضایا سبب بالا گرفتن این بحث نیز خواهد شد که در دوران انتخاب‌های ملی، بسیاری خرده بورژواها پیوستن به دولت را به پیگیری ناسیونالیسم تند و خشن ترجیح می دهند.[1]

---

[1] برای آگاهی از جزئیات دفاعیه به بحث من در مقاله زیر نگاه کنید:

مواجهه احمد ترک و آیسل توغلوک با جمعیت طرفدار اوجالان

در پی جنگ لفظی بایدمیر-اوجالان، احمد ترک و آیسل توغلوک، معاونین رئیس کنگره جامعه دموکراتیک (DTK) که سازمانی سیاسی است که پس از بسته شدن حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در دسامبر ۲۰۰۹ تأسیس شد، متوجه شدند که طرفداری از حزب کارگران کردستان (PKK) و اوجالان در استان جنوب‌شرقی حکّاری چقدر قوی است. طی دیداری از شهر حکّاری در ۲۷ دسامبر، ترک و توغلوک با جمعیت بسیار زیادی مواجه شدند که شعارهایی به طرفداری از PKK و اوجالان سر می‌دادند. احمد ترک سخنرانی خود را به زبان کُردی شروع کرد که به امر لازمی برای حضور در چنان تجمعاتی در جنوب‌شرق تبدیل می‌شود و همزمان "آموزش به زبان مادری" نیز در حال تبدیل به شعار برجسته و پیشتاز سیاست‌مداران کُرد جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در منطقه است.

احمد ترک در سخنرانی مقابل حدود ۱۰۰۰۰ نفر تأکید کرد که اوجالان خودش طلایه‌دار کسانی است که خواستار راه‌حلی صلح آمیز برای مسئله کُردی هستند و این اوجالان بوده که فرصت گفتگوهای

"Deniesd a state, winning a region: comparing Kurdish nationalism after ۱۹۱۸ and ۲۰۰۳," in *The Kurdish Policy Imperative*, eds. Robert Lowe and Gareth Stansfield (London: Chatham House, ۲۰۱۰), ۲۷-۴۱, especially pp, ۳۵-۴۱.

اخیر با دولت را ایجاد کرده است. او در ادامه گفت، حزب کارگران کردستان (PKK) نیز مانند حزب صلح و دموکراسی (BDP) خواستار صلح است همچنان که رئیس جمهور عبدالله گُل نیز این را می‌خواهد؛ متأسفانه حکومت (AKP) پیگیر سیاستی نیست که به پایان خونریزی منجر شود.

سپس احمد ترک تأکید کرد که یکی از خواسته های کردها اداره امورات خودشان است و برای دستیابی به این حق، آنها سال‌های زیادی مبارزه کرده‌اند: سرانجام، کردها نمی‌خواهند مطابق خواسته دیگران اداره شوند.[1] او گفت ایجاد یک ترکیه دموکراتیک و متمدن بدون حل مسئله کُردی امکان پذیر نیست. علاوه بر این، سیاست انکار و تخریب علیه مردم کُرد هیچ ثمر و امتیازی به همراه نداشته است. در واقع، آنها کشمکش و مبارزه خود را بیشتر نیز کرده‌اند. مهم ترین جنبه سخنان احمد ترک در تأکید وی بر مطالبات کردها پیرامون تمرکززدایی و اداره محلی امور بود. این درخواست، در کنار تأکید بر آموزش به زبان کُردی، در حال تبدیل به یکی از دو درخواست اصلی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه بود.

چالش‌هایی که BDP، ضد اوجالانی‌ها، سازمان‌های مدنی جنوب‌شرق، بورژوازی کُردی و غیره با آن مواجه بودند تنها دو روز

---

[1] *رادیکال*، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۰.

بعد پس از سخنرانی ترک و توغلوک دوباره در شیرناک خود را نشان دادند. ۲۹ نوامبر در یک راهپیمایی در جزره، شهر کوچکی از توابع شیرناک، که برای جشن سی و دومین سالگرد تأسیس حزب کارگران کردستان (PKK) برگزار شد هزاران نفر شعارهایی در طرفداری از PKK و اوجالان سر دادند. سخنان اوجالان پخش شدند. قبل از این‌که پلیس بتواند بدون مواجهه‌ای عمده و اساسی جمعیت را پراکنده کند، نزاع و درگیری بین راهپیمایان و پلیس در گرفت.[۱]

---

[۱] *تاراف*، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۰.

فصل ۳

روابط ترکیه با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) از ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ تا انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ و پس از آن

نظر به شدت کشمکش بین ناسیونالیسم‌های کُردی و ترکی و طرفداران و مخالفان هر یک در برهه زمانی انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ تا انتخابات حیاتی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ و تبعات آنها، برهه‌ی مزبور زمان خوبی برای ارزیابی وضعیت بازیگران عمده وارد در کشمکش است.[۱]

راهبرد دولت ترکیه، حزب عدالت و توسعه (AKP)، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MİT) و دیگر بازیگران

پس از حمله ۳ اکتبر ۲۰۰۸ PKK به آکتوتون که پادگانی در استان حکّاری است، در زمان جلسه کابینه در ۲۷ اکتبر، معلوم شد که حزب عدالت و توسعه (AKP) و نیروهای مسلح ترکیه (TAF) به یکدیگر نزدیکتر شده‌اند و سیاست‌های مشترکی را علیه حزب کارگران کردستان (PKK)، انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) و حزب جامعه دموکراتیک (DTP) پیگیری می کنند. آنها می‌خواستند با از بین

[۱] برای آگاهی از جزئیات این دوره نگاه کنید به کتاب خون، باورها و برگه‌های رأی... صفحات ۲۲۳-۲۸۵.

بردن این مهمترین سه سازمان کُردی، جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی را در ترکیه از بین برده، و محو یا به حاشیه برانند.[1]

این سیاست‌ها شامل موارد زیر بود:

۱-موافقت بیشتر حزب عدالت و توسعه (AKP) با نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و سازمان اطلاعات ملی (MİT) برای ایفای نقش اصلی در مبارزه با حزب کارگران کردستان (PKK)، انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) و DTP/BDP.

۲- TAF نیز موافقت کرد برای امنیتی سازی بیشتر شرق و جنوب‌شرق از کارهای غیرنظامی بیشتری استفاده کند.

۳- هر دوی نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و حزب عدالت و توسعه (AKP) و اغلب نهادهای دولتی همچنان بر این فکر بودند که پروژه‌های توسعه اقتصادی، شامل مجتمع‌های ورزشی و گردشگری، به تحدید ناسیونالیسم کُردی کمک خواهد کرد.

۴- هر دوی AKP و TAF بطور مداوم به مؤسسات تجاری شرق و جنوب‌شرق هشدار می‌دادند که هیچ سرمایه‌گذاری

---

[1] برای آگاهی از تبعات حمله PKK به آکتوتون نگاه کنید به کتاب خون، باورها و برگه‌های رأی... صفحات ۱۰۹-۱۱۹.

خصوصی یا دولتی برای مثال توسط TÜSIAD (موسسه تجار و صنعتگران ترکیه) انجام نخواهد شد مگر این‌که چنان گروه‌هایی همه روابط خود را با حزب کارگران کردستان (PKK) قطع کنند و از حزب جامعه دموکراتیک (DTP) حمایت نکنند.

۵- پروژه‌های اقتصادی و توسعه با ارائه خدمات بیشتر توسط نهادهای خدمات بهداشتی و پیش بینی تأمین غذا و سوخت (ذغال سنگ) برای مردم توأم شدند. راهبردهای سیاسی مذکور در متنی اجرا شد که حسین آونی موتلو استاندار دیاربکر آن را به عنوان سیاست "یکپارچگی منسجم" تعریف کرد.

راهبردهای مذکور روابط نزدیکتری با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و بخصوص با حزب دموکرات کردستان (KDP) را خواستار بودند. نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و حزب عدالت و توسعه (AKP) از حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) می‌خواستند حزب کارگران کردستان (PKK) را وادار کند کوههای محل استقرارش را که در منطقه تحت کنترل KRG است ترک کند. اگر این اتفاق می‌افتاد، حزب کارگران کردستان (PKK) میان جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، چه از طریق اقدامات نظامی، قضایی یا سیاسی، آسان‌تر به

حاشیه رانده می‌شد. تضعیف PKK نیز به حاشیه‌رانی بیشتر DTK و KCK منجر می‌شد. و اگر این راهبردها موفقیت آمیز می‌بودند، جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه از طریق انواع متفاوتی از ابزارهای سیاسی، فرهنگی و آموزشی، راحت‌تر قابل مهار و مدیریت می‌شدند. برای مثال، سیاست‌مداران کُرد در پارلمان، چه عضو حزب عدالت و توسعه (AKP) و چه عضو دیگر احزاب، راحتتر می‌توانستند علیه ناسیونالیسم کُردی جنگ‌جو صحبت و اظهار نظر کنند.

این‌که ترکیه علی‌رغم روابط اقتصادی قوی با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) آن را از نظر سیاسی به رسمیت نشناخته موجب ناراحتی ناسیونالیست‌های کُرد بود و نوعی به رسمیت شناسی سیاسی مستقیم حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) می‌توانست از ناراحتی آنها بکاهد.[۱] شایان ذکر است سرعت روابط بین ترکیه و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) با دیدار رئیس جمهور عراق جلال طالبانی در مارس ۲۰۰۸ از ترکیه بیشتر شد، در این دیدار گمان می‌رفت وی

---

[۱] برای آگاهی از یکی از آخرین گزارشات پیرامون روابط اقتصادی ترکیه و KRG نگاه کنید به:
Caroline Tosh and Muhammad Sheikh Fatih, "Turks and Iraqi Kurds Don't Let Politics Get in the Way of Bussiness," *Iraqi Crisis Report*, Institute of War and Peace Reporting, ۱۷ December ۲۰۰۸.

در پایان سال ۲۰۰۸ حدود ۵۰۰ شرکت ترکیه با حدود ۵ میلیارد دلار سرمایه در عراق حضور داشتند. برآورد شده بیش از ۱۵۰۰۰ کارگر از ترکیه در حکومت منطقه ای کردستان (KRG) کار می کنند که البته اکثر آنها کُرد هستند.

با اردوغان و گل در مورد این قضیه که حزب کارگران کردستان (PKK) سلاح را به زمین بگذارد مذاکره کرده باشد: این اولین بار بود که یک نخست‌وزیر ترکیه در مورد چنان قضیه‌ای با رئیس جمهور عراق که همزمان رهبر اتحادیه میهنی کردستان (PUK) هم بود بحث می‌کرد. دوم این‌که، این اولین بار بود قضیه اردوگاه‌های PKK در کردستان عراق در چنان سطح عالی مورد بحث قرار می‌گرفت. سوم، طالبانی در اشاره به PKK در کوه‌های عراق و در منطقه تحت کنترل KRG هرگز از کلمه "عفو عمومی" استفاده نکرد چرا که قضیه در چارچوبی انجام شد که ترک‌ها آن را قانون "بازگشت به خانه" نامیده بودند. این مطلب از جانب ترک‌ها این گونه تفسیر شد که حکومت عراق، با موافقت و رهبری حزب دموکرات کردستان (KDP)، با ترکیه در عملیات‌های مشترک علیه حزب کارگران کردستان (PKK) همکاری خواهد کرد. و، علی‌رغم اعلان مکرر مسعود بارزانی که دوران جنگ کردها علیه کردها به سر آمده است، ممکن بود این اتفاق رخ دهد. چهارمین و مهمترین مطلب این‌که، یک ماه پس از جلسه ۲۷ اکتبر کابینه دولت، وزیر کشور بشیر آتالای و هیئت همراهش در ۱۹ نوامبر از بغداد دیدن کردند. در این جلسه، با ایجاد سیاستی سه پایه شامل ترکیه، عراق و ایالات متحده به منظور اتخاذ رویه مشترک و عملیات‌های احتمالی علیه اردوگاه‌های PKK در

کردستان عراق موافقت شد. همچنین، این برای اولین بار بود که نمایندگان KRG به اندازه‌ای در مذاکرات وارد شدند که مذاکرات سه جانبه به چهار جانبه تبدیل شد. در نتیجه، ترکیه و حزب دموکرات کردستان (KDP) تحت رهبری مسعود بارزانی، بطور رسمی یکدیگر را به رسمیت شناختند. این بدان معناست که بارزانی با مشارکت به عنوان طرف چهارم توافقات سه جانبه تحت رهبری ایالات متحده موافقت کرده است. این مذاکرات همزمان با این رویداد بود که جیمز جفری، ژنرال نظامی و تحلیلگر اطلاعاتی سابق در ترکیه، به عنوان سفیر ایالات متحده در ترکیه منصوب شد.[۱]

در نتیجه توافقات ۱۹ نوامبر، در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹ وزیر امور خارجه ترکیه علی باباجان و وزیر امور خارجه عراق هوشیار زیباری اعلام داشتند که مرکز سه جانبه‌ای علیه تروریسم، که منظور PKK بود، متشکل از ترکیه، عراق و ایالات متحده با مشارکت و همکاری حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) در اربیل پایتخت حکومت KRG تأسیس خواهد شد. انتخاب اربیل بدان خاطر بود که آنجا بهترین مکان برای به اشتراک گذاری اطلاعات بود. زیباری، وزیر امور خارجه عراق و سخنگوی اسبق امور خارجه KDP خشنودی خود را از ترقی روابط بین حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و ترکیه

[۱] حرّیت، ۳ ژانویه ۲۰۰۹.

ابراز داشت. زیباری هدف آنها را برای ریشه‌کنی حزب کارگران کردستان (PKK) که به نظرش "عنصری سمی در روابط ترکیه–عراق است"[1] مورد تحسین قرار داد. باباجان نیز به سهم خود گفت ترکیه می‌خواهد شاهد اقدام جدی حکومت بغداد و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برای محو و نابودی تروریست‌های PKK باشد. ترکیه و عراق نیز با تأسیس یک شورای عالی همکاری راهبردی توافق کردند تا علاوه بر کار برای محو PKK، از این طریق روابط بین دو کشور را بهبود بخشند. دو نماینده توافق کردند در هفته‌های آتی در استانبول، وزراء برای مشخص کردن جزئیات همکاری دیداری با هم داشته باشند.[2]

توافقات مابین ترکیه، حکومت بغداد، ایالات متحده، KRG، KDP و PUK طی مذاکرات ۲۵ دسامبر بین نخست‌وزیر عراق نوری مالکی، اردوغان، گُل و مقامات نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و سازمان اطلاعات ملی (MİT) بیشتر مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. گمان بر این بود که مذاکرات دستاوردی بیش از آنچه در ۱۹ نوامبر حاصل شده بود در بر نداشته است، اما بخاطر مشارکت نخست‌وزیر عراق احتمال اجرایی شدن مفاد توافقات بیشتر شد. مراد یتکین روزنامه نگار

---

[1] حرّیت، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹.

[2] همان.

ترک نزدیک به مذاکرات فکر می‌کرد در صورتی که KRG و یا KDP و PUK به مذاکره مستقیم با رهبران PKK در عراق مبادرت کنند، و بخصوص اگر مذاکره آنها در چارچوب توافقات سه جانبه ۱۹ نوامبر باشد، آنکارا آنها را از این امر منع نمی‌کند. در نهایت، حضور حزب کارگران کردستان (PKK) در اردوگاه‌های پناهندگان کُرد از ترکیه، تهدیدی برای این کشور بود زیرا امکان انجام حملات به ترکیه از منطقه تحت کنترل کردها وجود داشت، و در صورتی که KRG می‌توانست نقشی در جلوگیری از آنها ایفا کند، این امکان را به ترکیه می داد که چالش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه را بهتر مدیریت کند. مشارکت و همکاری حزب دموکرات کردستان (KDP) و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) در حمله یا همکاری با امریکایی‌ها و حکومت بغداد برای محو حزب کارگران کردستان (PKK) از اردوگاه‌های واقع در کردستان عراق، به افزایش تنش‌ها بین KDP، KRG و DTP منجر می‌شد، اما طی مذاکرات ۱۵ اکتبر بین نمایندگان حزب جامعه دموکراتیک (DTP) و بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان (KDP) گفت کردها به هیچ وجه دوباره علیه کردها نخواهند جنگید و به طور قطع ابراز امیدواری کرد DTP بتواند در انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ موفق و پیروز شود. یتکین فکر می کرد اگر قانون "بازگشت به خانه" اجرا شود، به دوری DTP از حامیانش در

جنوب‌شرق منجر خواهد شد.[1] اما جنگیز چاندار کمتر از مراد یتکین اطمینان داشت که حکومت بغداد بتواند در قضیه حزب کارگران کردستان (PKK) نفوذ زیادی اعمال کند چرا که منطقه محل استقرار آنها در قلمرو KDP واقع شده بود. علاوه بر این، مالکی به اندازه‌ای مشکلات داشت که نمی‌توانست به مسئله PKK نیز بپردازد. مشارکت و همکاری حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و حزب دموکرات کردستان (KDP) در بیرون راندن حزب کارگران کردستان (PKK) از اردوگاه‌هایش در کردستان عراق برای مالکی مزیتی داشت و آن این‌که او می‌توانست بطور ضمنی چهره خوبی از خود نشان دهد و این گونه القا کند که اعتبار توافقات ۱۹ نوامبر بخاطر او بوده است.

راهبردهای حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب جامعه دموکراتیک (DTP)

عنوان فوق به این معنا نیست که راهبردهای حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب جامعه دموکراتیک (DTP) بخصوص در مورد انتخابات ۲۹ مارس با هم هیچ تفاوتی ندارند. حزب جامعه دموکراتیک (DTP) از دستاوردهای حزب عدالت و توسعه (AKP) در انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ ناراحت و متعجب بود. این مسئله موجب

[1] حرّیت، ۲۵ دسامبر ۲۰۰۸.

شد برای بازیابی خود، چندین تغییر در راهبردهایش ایجاد و دفاترش را برای انتخابات مارس ۲۰۰۹ بیشتر کند.این تغییرات شامل موارد زیر بود:

۱- تلاش و مبارزه گسترده برای استفاده از زبان کُردی در امورات اداری شهرداری و مطالبه آموزش به زبان مادری بود.

۲- پاسخ به سخنان تند و خشن اردوغان با زبانی تند و خشن به شیوه خودش بود.

۳-آنها تظاهرات و راهپیمایی‌های بزرگی، بخصوص بخاطر بدرفتاری با اوجالان، در سراسر شرق و جنوب‌شرق، و همچنین استانبول، ازمیر و دیگر شهرهای بزرگ سازماندهی کردند. هر وقت نمایندگان حزب عدالت و توسعه (AKP) به شرق و جنوب‌شرق می آمدند، آنها تظاهرات بزرگی به راه می انداختند.

۴-آنها از شرکت جوانان و بچه‌ها در تظاهرات علیه نیروهای امنیتی و حزب عدالت و توسعه (AKP) چشم پوشی می‌کردند، و احتمالاً این کار را برای جلب حمایت سازمان‌های حقوق بشر اروپایی علیه ترکیه انجام می‌دادند.

۵–حزب جامعه دموکراتیک (DTP) شاید با افزایش حملات حزب کارگران کردستان (PKK) موافق بوده یا حداقل به آن تن داده است. این حملات در سراسر جنوب‌شرق انجام شدند و از حمله ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷ به داغلیکا تا حمله ۳ اکتبر ۲۰۰۸ به آکتوتون و حملات مابین آنها را شامل می‌شود.[۱]

۶–حزب جامعه دموکراتیک (DTP) نمی‌خواست برای حمله یا محو یا به حاشیه‌رانی حزب کارگران کردستان (PKK) در کردستان عراق، حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) یا حزب دموکرات کردستان (KDP) با حکومت بغداد و یا ایالات متحده همکاری کنند.

۷–آنها نمی‌خواستند مسعود بارزانی جذابیت خودش یا حزب دموکرات کردستان (KDP) را برای کردهای ترکیه بیشتر کند.

۸–آنها خواستار حمایت مستقیم بارزانی برای انتخابات ۲۹ مارس بودند.

---

[۱] برای پی بردن به اهمیت حمله به داغلیکا نگاه کنید به:
Robert Olson, A Year of Significant Developments, *Insight Turkey*, vol. ۱۰, no.۳ (۲۰۰۸), ۳۸-۹.

۹–حزب جامعه دموکراتیک (DTP) از روابط سیاسی قوی بین آنکارا و اربیل طرفداری نمی‌کرد، با این حال از روابط اقتصادی قوی و تجارت بین ترکیه و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) طرفداری می‌کرد چرا که این کار موجب بهبود اوضاع اقتصادی مردم فقیر شرق و جنوب‌شرق می‌شد. و، در نهایت، DTP می‌خواست اربیل سیاستهایی را دنبال نکند که به کاهش شانسش در انتخابات مارس بیانجامد.

موضع حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و حزب دموکرات کردستان (KDP)

سیاست اصلی حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) با نشأت گیری ویژه از حزب دموکرات کردستان (KDP) این بود که به عنوان بخشی خودمختار از دولت عراق باقی بماند. دلیل اصلی سیاست مزبور این بود که تنها به عنوان بخشی از پیکره عراق می‌توانستند به ۲۵۰ –۳۰۰ میلیارد بشکه نفتی که گمان می‌رفت عراق دارد دست پیدا کنند. بدون وجود تحت عنوان یک منطقه با اعتبار خوبی ناشی از قانون اساسی در قالب عراق، و دارای احترام بین‌المللی، امکان دسترسی به سهمش از درآمد بالقوه نفت عراق، چه ۱۳ درصد باشد یا ۱۷ درصد، با تردید مواجه بود. دسترسی به این درآمد بالقوه از آنجا بسیار شایان اهمیت

بود که حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) بر استان نفت خیز کرکوک کنترل دارد. بنا به برآوردهای صورت گرفته این استان دارای ۱۰- ۲۰ میلیارد بشکه نفت است. و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نمی‌تواند اطمینان حاصل کند که خواهد توانست استان کرکوک را در آینده ای نزدیک به خود ملحق کند. در نتیجه، KRG فکر می‌کرد اولویت اصلی حفظ روابط قابل قبول با هر حکومت بغداد، تا زمانی است که آنها مشروعیتش را تهدید کنند. KRG همچنین نگران بود روابط بد با حکومت بغداد، بخصوص حکومتی که وابسته به ایالات متحده است، به هدفش در بدست گرفتن کنترل استان کرکوک صدمه بیشتری وارد آورد. با این حال بنا به قانون اساسی عراق، ممکن است کرکوک به عنوان منطقه‌ای بیرون از حیطه اختیارات KRG قلمداد شود.

الزامی و ضروری بودن این سیاست‌ها، دیگر سیاست‌های KRG، KDP و PUK را تحت شعاع و در رده بعدی اهمیت قرار داد. همان گونه که ذکر شد، KRG بخاطر روابط اقتصادی و تجاری، مجبور بود با ترکیه همکاری کند. همچنان که ترکیه و بغداد روابط نزدیک‌تری با هم پیدا می‌کردند، کردهای عراق نیز به عنوان بخشی از حکومت بغداد مجبور بودند تا حدی با آنکارا همکاری کنند. اما با توجه به این‌که مشروعیت حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و KDP در

گرو ناسیونالیسم کُردی بود، آنها نمی‌خواستند به عنوان خائن یا بی تفاوت به کردهای ترکیه، بخصوص کردهای ساکن در استان‌های هم مرز با KRG و KDP در شمال عراق دیده شوند. این بدان معناست که آنها هر چند اجازه دادند حدود ۱۵۰۰ نفر از نیروهای ارتش ترکیه در پایگاه های کوچکی در قلمرو تحت حاکمیت‌شان و در مرزهای بین‌المللی باقی بمانند اما نمی‌خواستند به مقرهای PKK در شمال عراق حمله کنند. بارزانی نیز می‌خواست اعتبار اظهاراتش را حفظ کند. او گفته بود دوران جنگ کردها علیه کردها، که در گذشته بارها اتفاق افتاده، به سر آمده است. حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نمی‌خواست اینگونه به نظر برسد که به مطالبات و نیازهای جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، بویژه حزب کارگران کردستان (PKK) که سه دهه با دولت ترکیه نبرد مسلحانه داشته، بی تفاوت و غیرحساس است. این سیاست در درجه دوم اهمیت قرار داشت زیرا سیاست KRG، KDP و PUK در مورد پخش برنامه از رادیو و تلویزیون و همچنین مفاد آموزشی، در استفاده بیشتر از لهجه سورانی، موجب ناخشنودی و زیان تعداد قابل توجهی از متکلمین به لهجه کرمانجی (بادینانی) در حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) شده بود.[1] سیاست

---

[1] در KRG در اکتبر ۲۰۰۸ تعداد زیادی از مدیران و اساتید دانشگاه از بخش بادینانی KRG به من خاطر نشان کردند که اربیل درصدد تحمیل سورانی به عنوان زبان آموزش بر دانشگاه‌هایشان

زبانی KRG نشانه و قرینه دیگری از این سیاست بود که می‌خواهد به عنوان بخشی از عراق باقی بماند و از دخالت و درگیری در سیاست‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه بکاهد. اما بطور همزمان، کردهای عراق به این فکر می‌کردند که امنیت غایی آنها به حسن نیت ۱۵ تا ۲۰ میلیون کُرد ترکیه بستگی دارد، بخصوص اگر KRG در آینده با حمله‌ای از جانب عراق عرب مواجه شود. مشارکت حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) در توافقات سه جانبه ۱۹ نوامبر ۲۰۰۸ با حکومت بغداد و ایالات متحده نشانه‌ای از این سیاست بود. اما سیاست ناسیونالیسم کُردی نیز بر این اشاره داشت که KRG، KDP و PUK باید بطور حساس، هوشیارانه و محتاطانه، و شاید فریب آمیز در قبال قضیه حزب کارگران کردستان (PKK) در کردستان عراق عمل کنند و اگر این‌گونه عمل نکنند منافع بزرگتر ژئوپولتیکی و ژئواستراتژیکی خود را به مخاطره می‌اندازند.

پس از امضای توافقنامه وضعیت نیروها (SOFA) بین ایالات متحده و عراق در نوامبر ۲۰۰۸، که در آن ایالات متحده حق حاکمیت عراق را به رسمیت شناخت، حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) حداقل از نظر ترکیه، برای تامین ثبات و امنیت منطقه شمال عراق تحت KRG که حزب کارگران کردستان (PKK) در آن پناه گرفته،

است.

مسئولیت یافت. موقعیت قانونی جدید حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) ، ترکیه را مجبور کرد با آن تعامل داشته باشد، زیرا حداقل از نظر حقوقی، ترکیه دیگر نمی‌توانست موارد نگرانی از حضور حزب کارگران کردستان (PKK) در عراق را فقط با ایالات متحده مطرح کند، با این حال همکاری اطلاعاتی بین دو کشور ادامه می‌یافت. نیروهای مسلح ترکیه (TAF) گزینه‌های محدودی داشت و به منظور کارایی هر اقدام ممکن علیه حزب کارگران کردستان (PKK) ناچار بود روابط نزدیک‌تری با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و بخصوص حزب دموکرات کردستان (KDP) برقرار کند. به همین دلیل بود که توافقات مذکور انجام شدند. اثر درخواست حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) ، KDP و PUK از حزب کارگران کردستان (PKK) برای به زمین گذاشتن سلاح در عراق و در ترکیه را بعداً باید دید، اما در صورت انجام این کار، همه آنها مورد تحسین قرار خواهند گرفت. چنان موضعی حتماً به خشم و عصبانیت DTP خواهد انجامید. در ژانویه ۲۰۰۹ معلوم شد که حکومت بغداد، حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) ، DTP، KDP، PUK و حزب کارگران کردستان (PKK) همگی مشتاقانه منتظر دیدن نتایج انتخابات ۲۹ مارس بودند.

موضع حکومت بغداد

حکومت نوری مالکی از همکاری با آنکارا در تحدید خودمختاری و قدرت روزافزون در حال تحکیم کردهای حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) بسیار خرسند بود. با توجه به این‌که کردها دومین نیرو در پارلمان عراق بودند، و تنها نوری مالکی شیعه بالاتر از آنان بود، او خوشحال می‌شد از هر سازوکار ممکن برای کاهش نفوذ کردها در پارلمان و همچنین در KRG استفاده کند. مالکی از زمانی که در سال ۲۰۰۶ به سمت نخست‌وزیری رسید این سیاست را دنبال کرده است، او نمی‌توانست کار چندانی برای توقف، جلوگیری یا کاهش قدرت کردها انجام دهد. این قضیه بویژه در مورد استان کرکوک و "مناطق مورد مناقشه" صدق می‌کرد. مناطق مورد مناقشه به حدود هفت درصد از خاک عراق اشاره دارد که در جوار چهار استان–نینوا، صلاح‌الدین، کرکوک (التمیم) و دیاله– و در همسایگی سه استان تشکیل دهنده حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) واقع شده بودند.[1] حکومت مالکی خرسند بود از این‌که می‌تواند حمایت ترکیه را در کشمکش با کردها بر سر قدرت، سرزمین و نفت داشته

---

[1] بهترین بحث پیرامون این موضوع در گزارشی تحت عنوان ذیل آمده که توسط KRG منتشر شده است:

Report on the Administrative Changes in Kirkuk and the Disputed Regions.

باشد. حکومت بغداد به منظور تقویت موضعش در برابر کردها، با سیاست‌های ترکیه در قبال کرکوک موافقت یا حداقل به آن تن داد. سیاست ترکیه عدم اجازه برای الحاق استان کرکوک، و به تبع، میادین نفتی آن به KRG بود. ترکیه می‌خواست کرکوک و همه سرزمین های مورد مناقشه تحت کنترل و در قلمرو قدرت بغداد باقی بمانند. بغداد نیز مانند آنکارا نمی‌خواست حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) بطور مستقل با شرکت‌های گازی و نفتی بین‌المللی برای حفاری، استخراج و توزیع نفت و گاز واقع در سرزمین‌های KRG یا مناطق مورد مناقشه اقدام کند. بغداد اقرار کرد برای نشان دادن حمایت از یکپارچگی سرزمینی عراق، حملات توپخانه‌ای ترکیه به شمال عراق را تأیید می‌کند، اما به طور حتم بسیار خوشنود می‌شد ببیند KRG و بویژه KDP مجبور به مذاکره با آنکارا هستند، و برایش مهم نبود این مذاکرات فشار بیشتری بر KRG تحمیل کند.[۱]

---

[۱] برای آگاهی از دو گزارش خوب پیرامون این موضوع نگاه کنید به گزارشات گروه بحران بین الملل:

- International Crisis Group report, *Oil for Soil: Toward a Grand Bargain on Iraq and Kurds,* Middle East Report, no. ۸۰, ۱۳ November ۲۰۰۸.
- *Turkey and Iraqi Kurds: Conflict or Resolution*, Middle East Report, no. ۸۱, ۱۳ November ۲۰۰۸.

از طرف دیگر، بغداد اهمیتی نمی‌داد یا تلاشی نمی کرد از پیشرفت و توسعه روابط تجاری و اقتصادی بین ترکیه و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) جلوگیری کند. برخی از کامیابی و دستاوردهای روی داده در KRG به سمت عراق عرب سرریز می‌شدند، و بغداد نیز می دانست ادامه این روابط اقتصادی برای ترکیه حیاتی است زیرا این کشور برای از بین بردن حمایت از PKK، KCK، DTP و حزب جایگزین آن یعنی BDP و سازمانهای ناسیونالیست کُرد، می بایست برای کردهای جنوب‌شرق ترکیه اشتغال‌زایی می کرد. این دلیل اصلی مشارکت بغداد در توافقات بدست آمده در ۱۹ نوامبر ۲۰۰۸ بود که در بالا مورد بحث قرار گرفت. این توافقات تا پایان سال ۲۰۱۰ که این مطلب نوشته شده همچنان به قوت خود باقی بودند.

نتیجه گیری

مؤلفه های اصلی روابط ترکیه با KRG و حکومت بغداد از انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ تا انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ چندین سیاست و خط مشی را در بر می‌گرفت شامل:

۱-راضی کردن حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برای پیوستن به ترکیه در حذف و نابودی، کاهش قدرت یا به حاشیه‌رانی حزب کارگران کردستان (PKK) در عراق.

۲-جلب حمایت و کمک KRG برای به حاشیه‌رانی PKK در عراق به این امید بود که به محو و نابودی یا به حاشیه‌رانی PKK و KCK در ترکیه بیانجامد.

۳-تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه در KRG بدین منظور بود که KRG و کردهای عراق در چارچوب عراق "متحد" باقی بمانند، و بدین گونه جذابیت زیاد ناسیونالیسم کُردی منتج از شمال عراق محدود شود.

اگر دولت عراق سقوط کند کردهای عراق برای دفع خطراتی که بقای سیاسی آنها را در آینده از جانب عراق عرب تهدید می‌کند، مجبور می‌شوند از ناسیونالیسم کُردی ستیزه‌جو طرفداری قوی‌تری صورت دهند.

آنکارا امیدوار بود با تجارت و سرمایه‌گذاری در حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) ، فعالیت‌های اقتصادی در جنوب‌شرق ترکیه نیز بیشتر شود و از این طریق جمعیت بیکار کاهش و در نتیجه جاذبه ناسیونالیسم کُردی جنگ‌جو و حزب کارگران کردستان(PKK) کاهش یابد. آنکارا امید داشته و دارد که چنان سیاستی به افزایش احتمال پیروزی سیاست "یکپارچگی منسجم" کردها با سیاست ترکیه منجر شود. همان گونه که قبلاً ذکر شد، یکپارچگی منسجم سیاستی بود که به طور قطع توسط استاندار دیاربکر، حسین آونی موتلو مورد حمایت قرار گرفت.[1] آونی این سیاست را در مقابل سیاست عثمان بایدمیر مبتنی بر "جدایی مثبت" کردها و ترک‌ها ارائه کرد.

ترکیه همچنین امیدوار بود با برقراری روابط بهتر با KRG دسترسی بیشتری به منابع نفت و گاز مناطق کردنشین پیدا کند و کشور ترانزیتی خطوط لوله نفت و گاز سرچشمه گرفته از آن منطقه باشد. مقداری از این نفت و گاز به اروپا منتقل خواهد شد.

از سرزمین‌های تحت کنترل حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نیز به عنوان محلی برای ترانزیت خطوط لوله نفت و گاز عراق عرب استفاده می‌شد و به همین منظور ترکیه نیز خواهان روابط بهتر با KRG

---

[1] سیاست آونی مبنی بر یکپارچگی منسجم بسیار مطلوب آنکارا واقع شد. به عنوان پاداش، به موتلو وعده داده شد که در پایان ۲۰۰۹ به استاندار استانبول ترقی یابد.

بود. ترکیه در عین این‌که می‌خواست سیاست‌های مزبور بطور کامل به اجرا درآیند، مایل بود تا آنجا که ممکن است روابط سیاسی محدودی بین کردهای عراق و جنوب‌شرق ترکیه برقرار باشد.

ترکیه حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) را ترغیب و حمایت می‌کرد تا از لهجه کُردی سورانی استفاده کند و با این روش در پی کاهش اثر رادیو و تلویزون KRG در متکلمین کرمانجی ترکیه بود. KRG نیز این سیاست را دنبال می‌کرد چرا که می‌خواست از انسجام جمعیت اکثراً سورانی حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و کردهای عراق اطمینان حاصل کند. سورانی لهجه غالب کُردی در کردستان عراق است، با این حال در استان دهوک اغلب کردها با لهجه کرمانجی صحبت می‌کنند و یک کانال تلویزیونی کرمانجی دارند. این کار نیز تا حدودی موجب اطمینان ترکیه در این موضوع بود که مقامات حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) قصد ندارند در آینده نزدیک به سمت استقلال پیش بروند. با این حال، فرماندهان TAF در مورد این موضوع زیاد مطمئن نبودند. اختلافات بین مقامات نظامی و غیرنظامی در مورد مسئله کُردی باقی ماند. این مسئله شاید قضیه سیاسی اصلی ترکیه در پایان ۲۰۱۰ باشد. یک مورد دیگر از روابط متشنج بین فرماندهان TAF و رهبریت حزب عدالت و توسعه (AKP) در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰ رخ داد و آن زمانی بود که فرماندهان TAF در

مراسم مهمانی رئیس جمهور عبدالله گل به مناسبت گذشت ۸۱ سال از تأسیس جمهوری ترکیه حضور نیافتند و دلیل آن را مخالفت با پوشش روسری همسر او بیان کردند.

حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) جهت اطمینان بخشی به ترکیه از جهت اجرای سیاست تکثرفرهنگی در قبال ترکمن‌های ساکن در KRG به جماعت میانه روی مذهبی فتح ا... گولن اجازه داد ۱۴ مدرسه و یک دانشگاه در KRG احداث کنند. سیاست مزبور KRG برای اجازه فعالیت به جنبش گولن در خاک KRG بدان خاطر است که می‌خواهد نشان دهد از سیاست‌های جامع تکثرفرهنگی و اقلیتی پیروی می‌کند. ترکیه امیدوار است با چنان سیاست‌هایی حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) از نظر ژئوپولتیکی، در متن خاورمیانه بزرگتر، بیشتر قابل مدیریت باشد، یعنی منطقه‌ای با روابط اقتصادی قوی‌تر، واقع در میان دولت‌های تشکیل شده باشد.

ترکیه، بخصوص حکومت حزب عدالت و توسعه (AKP)، و همچنین حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) سیاست اجازه رشد و گسترش طریقت نقشبندیه را دنبال می‌کردند، زیرا بر این باور بودند نقشبندیه مخالف درگیری مسلحانه، بویژه گروه‌های مقاومت مسلحانه اسلامگرا-ناسیونالیست است، یا حداقل از آنها حمایت نمی‌کند.

با اجرای موفقیت آمیز سیاست‌های مزبور، بخصوص توسعه اقتصادی بیشتر توسط دولت و نگرانی های صنعتی بزرگ ترکیه، این کشور امیدوار بود بتواند بورژوازی کُردی ترکیه را به طرف دولت جذب کند و آنها را قانع کند از سیاست‌هایی حمایت کنندکه به نابودی گروه‌های ناسیونالیست کُردی جنگ‌جو، مانند حزب کارگران کردستان (PKK) و انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) می‌انجامد.

ترکیه روابط خوب با حکومت بغداد را نیز تقویت می‌کرد تا این حکومت و ارتش و نیروهای امنیتی آن تقویت شوند و بتوانند در برابر سیاست‌های کُردی برای کرکوک و مناطق مورد مناقشه بایستند و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) را به سه استان اصلی – دهوک، اربیل و سلیمانیه- محدود کنند که هم اکنون بر آنها حکومت می‌کند. اما، شایان ذکر است که ترکیه در انتخابات سراسری ۷ مارس ۲۰۱۰ از انتخاب مجدد نوری مالکی یا حزب دولت قانون وی حمایت نکرد. ترکیه همچنین با انتصاب مجدد جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور کشور مخالف بود.

ترکیه از تلاش‌های حکومت بغداد حمایت می‌کرد تا نگذارد استان کرکوک به حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) ملحق شود یا KRG نتواند مناطق مورد مناقشه، بخصوص قسمت واقع در استان نینوا

را به خود جذب نماید. دلیل دیگر همکاری ترکیه با حکومت بغداد این بود که می‌خواست از آن به عنوان وزنه تعادل در برابر ایران استفاده کند. آنکارا امیدوار است چنان سیاست‌هایی آنقدر حکومت بغداد را تقویت کند که بتواند KRG و کردهای عراق را ترغیب کند در قالب دولت عراق باقی بمانند و منطقه خودمختار آنها را تا حد امکان کوچک نگه دارد.

آنکارا امیدوار است عراق عرب با پیگیری موفقیت آمیز سیاست‌های مذکور، KRG و کردهای عراق را مجاب کند این به نفع خودشان است با تمام ظرفیت ممکن، با حکومت بغداد همکاری کنند تا از ۲۵۰ - ۳۰۰ میلیارد بشکه نفت برآورد شده در عراق و همچنین میادین بزرگ گازی بهره‌مند شوند؛ و مقداری از این منابع می‌تواند از طریق حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و ترکیه به بازار اروپا صادر شود. در عوض چنان سیاست‌هایی، حکومت بغداد امیدوار است ترکیه را مجاب کند تا حد امکان در حداکثر کردن آب تخصیصی به زمین‌های پایین دستی عراق عرب از طریق هر دو رود فرات (از راه سوریه) و رود دجله سخاوت به خرج دهد، و آنکارا هم حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) را مجاب کند اجازه بدهند آب بیشتری از رودخانه دجله به سمت عراق عرب سرازیر شود.

با سیاست‌های فوق، ترکیه امیدوار است بتواند با KRG و کردهای عراق در یک نظام روابط اقتصادی و تجاری گسترده میان ترکیه، سوریه، عراق و ایران متحد شود. با تحقق این هدف، آنکارا امیدوار است از جاذبه ناسیونالیسم کُردی در ترکیه بکاهد و از مطالبات کُردی برای خودمختاری سیاسی بیشتر طفره برود و از اجرای مطالبات کُردی در مورد حقوق زبانی بیشتر، مانند حق آموزش زبان مادری و بخصوص درخواست آموزش به زبان مادری ممانعت به عمل آورد. آنکارا امیدوار است با انجام سیاست‌های مزبور بتواند جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی را در سراسر ترکیه و همچنین در حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و عراق و سوریه و ایران بهتر مدیریت کند. پیگیری موفق، اجرا و کامیابی سیاست‌های مذکور امکان شکوفایی اقتصادی بزرگتر در هر چهار کشور اصلی کُردنشین را فراهم می‌کرد؛ که امید می‌رفت این امر به کاهش جذابیت ناسیونالیسم کُردی جنگ‌جو در هر چهار کشور منجر شود.

شایان ذکر است که همزمان با این‌که ترکیه، حکومت بغداد، ایالات متحده و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) به توافقاتی برای نابودی حزب کارگران کردستان (PKK) در عراق و به حاشیه‌رانی آن در ترکیه دست یافتند، حزب جامعه دموکراتیک (DTP) توانست موفقیت بسیار شگفتی در انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ بدست

آورد. این حزب توانست در هشت رقابت شهرداری و ۹۹ رقابت کوچک تر پیروز شود؛ این دستاوردها بدون حمایت PKK و طرفدارانش ممکن نبود. دستاوردهای حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در انتخابات بدان معناست که آنها و حوزه‌های انتخابی‌شان قوی‌تر خواهند شد. پس از حکم دادگاه قانون اساسی در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹ مبنی بر بستن DTP، حزب مزبور خود را در قالب حزب صلح و دموکراسی (BDP) دوباره پیکربندی کرد، که حزب اخیر از دستاوردها و برتری‌هایی که DTP در انتخابات کسب کرده بود بهره خواهد برد. اما همان‌گونه که گفته شد، محاکمه انجمن‌های دموکراتیک کردستان (KCK) در اواخر ۲۰۱۰ در دیاربکر بر این دلالت داشت که ترکیه می‌خواهد KCK را نیز بخاطر روابط نزدیکش با حزب کارگران کردستان (PKK) از بین ببرد. اگر آنکارا بتواند هر دوی PKK و KCK را به حاشیه براند یا از بین ببرد، به نظر می‌رسد خواهد توانست ناسیونالیسم کُردی در ترکیه و مطالباتشان را از طریق احزاب سیاسی چون BDP، NGOهای کُردی و بورژوازی کُردی و همکاری نزدیک با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) "مدیریت" کند.

از زمان توافقنامه امنیتی نوامبر ۲۰۰۹ تا پایان ۲۰۱۰، KRG سیاست توصیه به DTP و جانشینش، BDP، برای همکاری در مسیر و سیاست

مذاکره با دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه (AKP) را در پیش گرفت و انجام داد. چنین سیاستی به حاشیه‌رانی بیشتر PKK و KCK در سیاست ترکیه را موجب می‌شد و به نابودی PKK در عراق می‌انجامید. این سیاست، KRG را از درگیری در جنگ با PKK رهایی می داد و از این رو دیگر مجبور نبود با دیگر کردها بجنگد؛ این همان سیاستی بود که مسعود بارزانی چندین سال آن را اعلام کرده بود. حذف حزب کارگران کردستان (PKK) از سرزمین حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) روابط همکاری جویانه بین ترکیه و KRG و اتحادیه میهنی کردستان (PUK) را نیز آسانتر می‌کرد. همچنین، سیاست مزبور طی جلسات و دیدارهای زیادی بین مقامات DTP و BDP از ۲۰۰۵ بدین سو مورد تأیید قرار گرفت.

آخرین مورد از چنان دیدارهایی تا زمانی که این مطلب مورد نگارش قرار گرفت، در ۳ نوامبر ۲۰۱۰ هنگامی بود که هیئتی از طرف BDP متشکل از رئیس گروه پارلمانی BDP، صلاح‌الدین دمیرتاش، معاون رئیس گولتان کشاناک، و نماینده گروه پارلمانی BDP بنگی یلدیز با رئیس حکومت منطقه‌ای کردستان مسعود بارزانی در دفترش واقع در صلاح‌الدین دیدار کردند. بارزانی اصرار داشت نمایندگان BDP به حمایت از سیاست ضد ترور و نبرد مسلحانه ادامه دهند. وی گفت، خرسند است که PKK سیاست توقف عملیات‌های مسلحانه را

تا انتخابات ملی برای اوایل ژوئن ۲۰۱۱ تمدید کرده است. او همچنین گفت، حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) شاید تا پایان سال ۲۰۱۰ اجازه دهد حزب صلح و دموکراسی (BDP) در اربیل دفتری دایر کند.[۱] به نظر می‌رسید دیدار هیئت نمایندگان BDP با بارزانی مؤید این امر باشد که BDP، NGOهای بزرگ در جنوب‌شرق ترکیه و تجار و مؤسسات حرفه ای در دیاربکر، شامل دفتر شهردار از سیاست "به زمین گذاشتن سلاح" حمایت می‌کنند.

علی‌رغم روابط بطور روزافزون در حال تقویت اقتصادی، تجاری، سیاسی و حتی نظامی بین ترکیه و KRG، هنوز هم شک و تردیدهایی در روابط آنها وجود داشت. یکی از این تردیدها، با احداث سدهای بسیار گسترده توسط ترکیه در امتداد منطقه مرز با عراق، با هدف جلوگیری از هر گونه حمله نظامی از جانب عراق و تحت هدایت

---

[۱] PKK در ۱۳ آگوست اعلان داشت که عملیات نظامی را از ۱۳ آگوست تا ۱۲ سپتامبر که همه پرسی (رفراندوم) برای تغییرات در قانون اساسی برگزار می شود متوقف خواهد ساخت. پس از همه پرسی، PKK آتش بس را تا ۳۱ اکتبر تمدید کرد. اما پس از عملیاتی تروریستی در میدان تاکسیم در مرکز استانبول در ۳۱ اکتبر، PKK و KCK اعلام داشتند که آتش بس را تا پس از انتخابات سراسری در ماه ژوئن آتی ادامه خواهند داد. چند روز پس از حمله یکی از شاخه‌های PKK، یعنی شاخه شاهین‌های آزادی کردستان (Kurdistan Freedom Falcons- TAK) مدعی شد که مسئول هر دو حمله مزبور بوده است؛ اما هم PKK و هم KCK هر گونه نقش در حمله را تکذیب نمودند. این نشان از چندپارگی بیشتر میان سلسله مراتب PKK و تقویت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی غیر مسلح در ترکیه بود.

بغداد بود. پروفسور ژوست ژونگِردِن اظهار داشت به طور حتم، سناریوی حمله به ترکیه از جانب عراق و توسط عراق عرب می‌تواند بدان خاطر باشد که ترکیه اجازه ندهد آب کافی از رودهای دجله و فرات به زمین‌های پایین دست سرازیر شود و در نتیجه ادامه تولید محصولات کشاورزی قابل دوام وجود نداشته باشد.[۱] اما علاوه بر سناریوی ژونگِردِن، ممکن است حمله به ترکیه ناشی از حمله بغداد به حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) ، یا حتی کرکوك و یا مناطق مورد مناقشه باشد، که نیروهای مسلح KRG و تعداد زیادی از غیرنظامیان را مجبور به عقب نشینی به داخل ترکیه کند، و همین مسئله ترکیه را مجبور کرده نواری از سدها در طول مرزهایش با عراق بکشد. احداث سدها همیشه این فکر را نیز به ذهن متبادر می‌کند که ترکیه علاقه‌ای ندارد شاهد روابط اقتصادی وافر، در مرز کاملاً آزاد مابین KRG و کردهای جنوب‌شرق ترکیه باشد.

طی کنگره حزبی KDP که از ۱۱-۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ در اربیل برگزار شد مسعود بارزانی یك بار دیگر نیز بر حق کردهای عراق در تعیین سرنوشت برای خود تأکید کرد. بارزانی گفت، تعیین سرنوشت

---

[۱] Joost Jongerden, "Dams and Politics in Turkey: Water, Developing Conflict," *Middle East Policy*, vol. xvii, no. ۱ (Spring ۲۰۱۰), ۱۳۷-۴۳.

ژونگردن در چنین حمله‌ای سوریه را نیز در کنار عراق قرار می دهد.

برای خود، یک "حق" است و این مطلب "برای مطالعه و بحث" در کنگره مطرح خواهد شد. اظهارات بارزانی با تمجید و تحسین اعضای جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی از ترکیه مواجه شد. با این حال، نمایندگان سازمان‌های ناسیونالیست کُردی در ترکیه گفتند آنها دریافته‌اند که آنچه کردها در عراق کسب کرده‌اند، در ترکیه دقیقاً قابل بازتولید نیست، آنها فکر می‌کردند مدل کُردی در عراق با رعایت شرایط حاکم بر ترکیه، در آنجا نیز قابل اجراست. مذاکرات و بحث‌های مطرح شده در کنگره KDP بر این دلالت داشت که روابط اقتصادی، تجاری، فرهنگی و سیاسی بین کردهای ترکیه و کردهای عراق، طی دهه‌های آتی بیشتر تقویت خواهد شد. این بدان معناست که اگر KRG توسط نیروهایی از جانب عراق عرب مورد حمله قرار گیرد، همان گونه که عثمان بایدمیر با خرسندی می‌گفت، ۲۰ میلیون کُرد ترکیه از آنها حفاظت و پشتیبانی خواهند کرد.

همچنین، در اواخر سال ۲۰۱۰ آشکار شد دولت دوفاکتوی کُردی در عراق، تأثیر زیادی در ترغیب کردهای ترکیه برای کسب نوعی خودمختاری دموکراتیک برای منطقه اکثراً کُردنشین ترکیه داشته، و KRG نیز از چنان سیاستی حمایت می‌کند؛ و این علی‌رغم نیاز KRG به روابط خوب با ترکیه بود که جلال طالبانی در دیدار از ترکیه در اواخر دسامبر ۲۰۱۰ به روشنی بیان داشت.

مؤلفه دیگری که همچنان نقشی حیاتی در روابط بین کردهای ترکیه، ترکیه و کردهای عراق بازی می‌کرد این واقعیت بود که سرچشمه‌های هر دو رود دجله و فرات و بیشتر حوزه آبریز رودهای زاب بزرگ و کوچک در ترکیه بود. آب دجله برای رفاه ترکیه و عراق حیاتی است. موقعیت حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و مناطق کُردنشین ترکیه و منابع آبی واقع در آنجا، روابط نزدیک و همکاری بین دو منطقه کُردنشین و همچنین میان آنها و ترکیه و عراق را می‌طلبد. یکی از دلایل اصلی این‌که هیچ حکومت ترکی با تأیید، توصیه یا اغماض برای ایجاد یک منطقه یا مناطق خودمختار در جنوب‌شرق موافقت نخواهد کرد آن است که چنین چیزی به از دست رفتن کنترل دولت بر منابع آبی منجر می‌شود که برای توسعه اقتصادی ترکیه قطعاً حیاتی هستند. همین مطلب را می‌توان برای روابط KRG و حکومت بغداد نیز بیان کرد.

فرجام سخن

جزئیات بسیار بیشتری برای درک پیشرفت‌ها و تحولات جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه از ۱۹۸۰-۲۰۱۱ وجود دارند که من نمی‌توانم در این اثر به آنها بپردازم. اما باز هم استدلال می کنم دو زمینه‌ای که بر آنها تأکید کردم –سرکوب توسط نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MİT)، پلیس ملی، نگهبانان روستا و جنایات، قتل‌ها و توطئه‌های ارگنکون؛ و قضیه آموزش زبان مادری و آموزش به زبان مادری- مهم‌ترین دو مؤلفه‌ای هستند که در تقویت و تحکیم جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا پایان سال ۲۰۱۰ نقش داشته‌اند. سومین مؤلفه اصلی و مهم، موفقیت بی‌سابقه پیشرفت ناسیونالیسم کُردی در KRG است که منبع الهام بخش کردهای ترکیه برای تلاش جهت نیل به دستاوردهایی است که کردهای هم‌نژادشان از ۱۹۹۱ بدین سو و بخصوص پس از ۲۰۰۳ بدست آوردند. برخلاف ترکیه، کردهای عراق توانستند مطالبات و دستاوردهایشان را در قانون اساسی مصوب ۲۰۰۵ بگنجانند. کردهای ترکیه نیز می‌خواهند ترکیه و AKP مشابه آنها قانون اساسی جدیدی بنویسند، یا حداقل قانون اساسی کنونی را اصلاح و حقوق مدنی، انسانی، زبانی و سیاسی کردها را در آن به رسمیت بشناسند. بدین منظور پس از اجرای رفراندوم در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ تغییراتی در قانون

اساسی ترکیه صورت گرفت. اما بخش کمی از اصلاحات انجام شده به مطالبات کردها مربوط بود. پس از رفراندوم، نخست‌وزیر اردوغان قول داد پس از انتخابات ملی ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ کار تدوین یک قانون اساسی جدید در دست بررسی قرار گیرد. حتی در صورتی که AKP پس از انتخابات ژوئن به عنوان حزب حاکم باقی نماند، که این امر با توجه به میزان حمایتی که در رفراندوم ۱۲ سپتامبر دریافت کرد، بعید به نظر می‌رسد، روشن است اگر ترکیه می‌خواهد کردها به عنوان شهروندان وفادار و مولد ترکیه باقی بمانند تدوین یک قانون اساسی جدید لازم و ضروری است. اما درسی که کردهای ترکیه از تجارب و دستاوردهای کردها در عراق آموخته‌اند این است که باید حقوق بنیادی و اساسی‌شان تضمین گردد، و باید در قالب یک قانون اساسی مصوب مردم ترکیه تصریح شود. چنان دستاوردی، موفقیت مایه مباهاتی برای جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، و کشمکش بزرگی خواهد بود که طی ۳۰ سال گذشته، در آن پایداری نمودند، مقابله کردند، و پیروز شدند.

نکاتی در مورد تلفظ نام‌ها

c,C = حرف "ج"

ç,Ç = حرف "چ"

ğ,Ğ = صدایی مابین "گ" و "ی"

ı,I = حرف "ا" (الف ساکن و بدون حرکت)

i,İ = ای – ی

ö,Ö = (اُ – ـُ) با صدایی مابین (اُ) و (ـُ)

ş,Ş = حرف "ش"

ü,Ü = "ئۆ" کشیده

ترجمه اسامی و علامات اختصاری احزاب و سازمان‌های سیاسی

نام حزب یا سازمان سیاسی	علامت اختصاری انگلیسی	علاماتاختصاری ترکی
حزب دموکراتیک چپ	DLP	DSP
حزب دموکراتیک خلق	DMP	DKP
حزب دموکراسی	DP	DEP
حزب خلق دموکراتیک	DPP	DEHAP
حزب جامعه دموکراتیک	DSP	DTP
حزب عدالت و توسعه	JDP	AKP
حزب دموکرات کردستان	KDP	KDP
انجمن‌های‌دموکراتیک‌کردستان	KCK	-
کنگره جامعه دموکراتیک	KDK	–
کنگره‌دموکرتیک‌خلق‌کردستان	KPDC	PKK /KONGRA-GEL
حکومت منطقه‌ای کردستان	KRG	-
حزب کارگران کردستان	KWP	PKK
حزب مام میهن	MP	ANAP
اتحادیه میهنی کردستان	PUK	KYP
حزب دموکراسی مردم	PDP	HADEP

حزب خلق جمهوری‌خواه	RPP	CHP
حزب سوسیال دموکراتیک	SDP	SHP
مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه	TESEV	-

کتاب های ترجمه شده دیگر از مجموعه مطالعات کُردی:

- خون، باورها و برگه‌های رأی: مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه ۲۰۰۷ – ۲۰۰۹، مؤلف: رابرت اُلسن (Robert Olson)، چاپ انگلیسی: انتشارات مزدا (Mazda Pulishers)، سال نشر نسخه انگلیسی: ۲۰۰۹، ترجمه از انگلیسی به فارسی: هاشم کرمی، چاپ نسخه فارسی: انتشارات پانیذ، سال نشر: ۱۳۹۰.

متن پشت جلد کتاب:

این تحقیق مفصل، تحلیلی است که پروفسور اُلسن از سه مورد از مهمترین پیشرفت‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه طی سه دهه ۱۹۸۰ - ۲۰۱۱ بدست می دهد. نویسنده به تحلیل سه زمینه مهمی می‌پردازد که بیشترین اثر را در تحکیم جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه طی این دوره ۳۰ ساله داشته‌اند. دو دوره مهم اول و دوم به سرکوب دولت و مقاومت کردها در نهایت به صورت مبارزه مسلحانه تا دستگیری رهبر حزب کارگران کردستان (PKK) عبدالله اوجالان در ۱۹۹۹ می‌پردازد. دوره مهم سوم تحقیق به بحث اثرات بزرگ دستاوردهای جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در عراق بر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، بخصوص پس از حمله به رهبری ایالات متحده به عراق در ۲۰۰۳ می‌پردازد. اُلسن استدلال می‌کند که دستاوردهای غیرقابل تصور در ۱۹۸۰، یعنی کسب خودمختاری کامل توسط حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) در قالب حکومت فدرال عراق در قانون اساسی ۲۰۰۵، برای جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی ترکیه الهام بخش بوده است. وی نتیجه می‌گیرد اصرار بر مطالبات پیرامون زبان، آموزش به زبان مادری و خودمختاری دموکراتیک در کشمکش جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی ترکیه

تعیین‌کننده بوده، و برای آیندهٔ قابل پیش‌بینی مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در سیاست داخلی ترکیه خواهد بود.